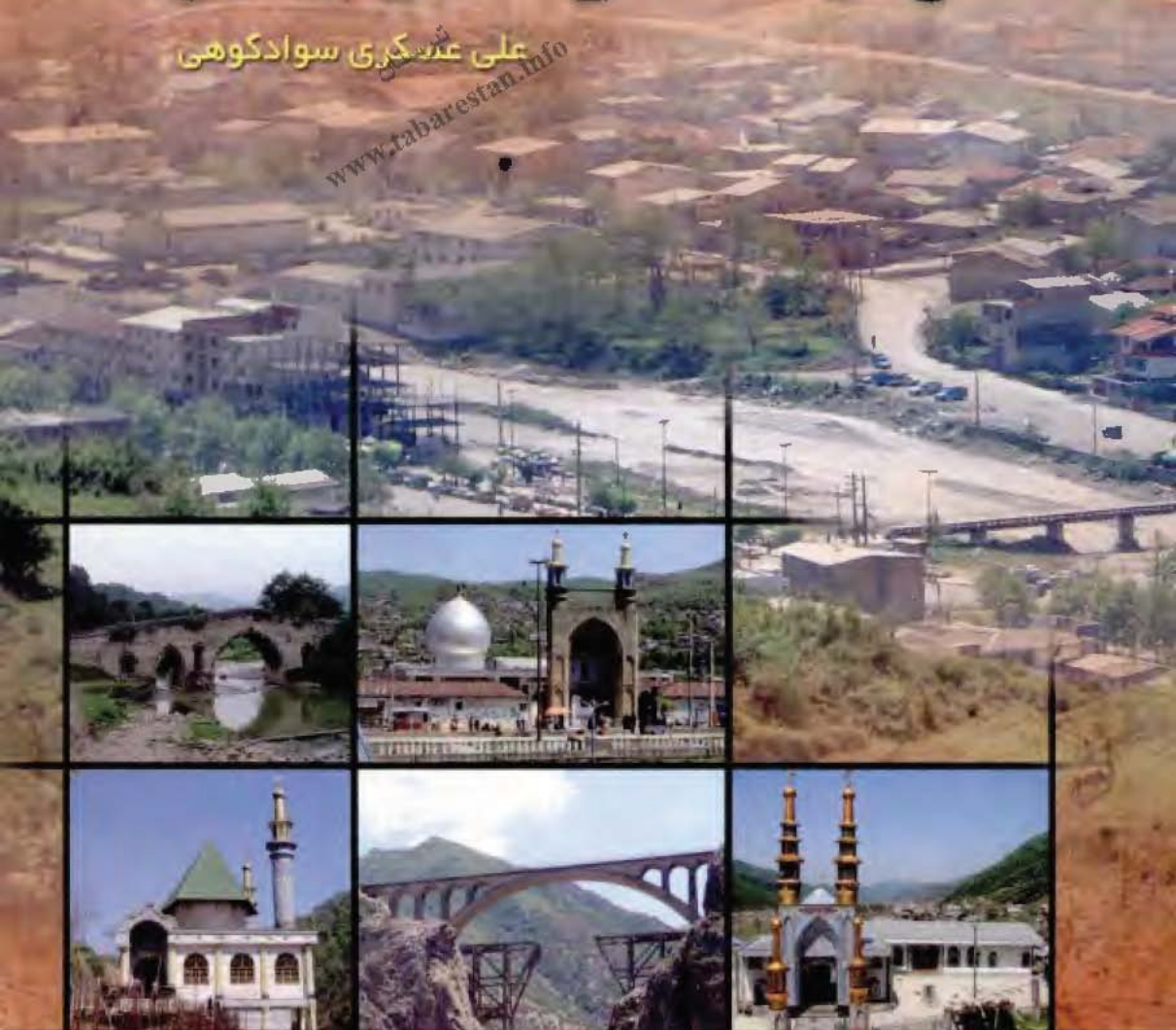


فرهنگ و ادبیات جامع شهرستان سوادکوه

علی عسکری سوادکوهی

www.tabarestan.info



جاذبه‌های توریستی شهرستان سوادکوه

شهرستان سوادکوه با داشتن چهار شهر و دو بخش و شش دهستان و قریب ۲۰۰ آبادی و جمعیتی حدود ۷۰ هزار نفر، جزو پهناورترین شهرستان‌های استان مازندران است و دارای مواهب طبیعی و خدادادی بسیاری است که به برخی بطور خلاصه اشاره می‌شود:

کیاسلطان، بناهای تاریخی چندین هزار ساله همانند غار اسپهبد خورشید، کیجا کچال، لی پشت، دیو لیم و زنگیان، قلعه ایلال و کنگه لو، برج لاجیم، رسکت، پیر شهریار و دیو کلی، آبشار در اسله، چرات و گزو، سد زمزم و البرز، پارک آزادمهر، شیرگاه و جوارم، پل شاهپور، ورسک و سه خط طلا، آب خوشگوار گلاب دره، دریاچه شورمست و رودخانه‌های روشن آب و تلار، درختان سر به فلک کشیده بلوط و نمدار و ملج، جنگل‌های سرسبز و انبوه همراه با ترنم پرندگان زیبا و رنگارنگ و رودخانه‌ها و جویبارها و هزاران جلوه‌های طبیعی منطقه ییلاقی شهرستان همیشه زیبای سوادکوه.

مؤسسه انتشارات مشهور - میراث ماندگار

دفتر مرکزی: قم/خ سیمیه/کوچه ۲۴/پلاک ۴۱۸/تلفن: ۷۸۳۱۶۴۶/فاکس: ۷۷۳۰۳۶۵

دفتر فروش قم: خ ازم/یاساز قدس/طبقه آخر/پلاک ۱۸۴/ص.پ: ۳۳۹۶-۳۷۱۸۵/تلفن: ۷۷۴۶۸۰۶-۷۷۳۷۴۶۱

دفتر فروش مشهد: چهارراه شهدا/پشت باغ نادری/مجمع کنجینه کتاب/طبقه اول/پلاک ۳۰۶/تلفن: ۲۲۴۴۱۴۴

دفتر فروش اصفهان: خ سجاد/مرکز فرهنگی گلستان شهدای اصفهان/همراه: ۰۹۱۳۳۰۹۷۴۱۷-۰۹۱۳۳۱۵۱۵۵۱

www.mashhour.org

info@mashhour.org

تبرستان

www.tabarestan.info

اللَّهُ الرَّحْمَنُ الرَّحِيمُ



تبرستان

www.tabarestan.info

تبرستان
www.tabarstan.info

فرهنگ و ادبیات جامع

شهرستان سوادکوه

«علی عسکری سوادکوهی»

عسکری سوادکوهی، علی، ... -
فرهنگ و ادبیات جامع شهرستان سوادکوه / علی عسکری سوادکوهی. - قم: مشهور، ۱۳۸۷.
۱۹۰ ص.
ISBN: 978 - 964 - 538 - 142 - 2 ۹۷۸ - ۹۶۴ - ۵۳۸ - ۱۴۲ - ۲
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا.
کتابنامه: ص. ۱۸۸ - ۱۹۰؛ همچنین به صورت زیر نویس.
۱. سوادکوه. ۲. فرهنگ عامه - - ایران - - سوادکوه. ۳. سوادکوه - - آداب و رسوم. الف.
عنوان.
۹۵۵ / ۲۲۵۳ DSR ۲۰۹۵ / ۲ع۵



موسسه انتشارات مشهور

شناسنامه کتاب

نام کتاب ■ فرهنگ و ادبیات جامع شهرستان سوادکوه

مؤلف ■ علی عسکری سوادکوهی

ناشر ■ مشهور

شمارگان ■ ۳۰۰۰

نوبت چاپ ■ اول / ۱۳۸۷

چاپ ■ گنج معرفت

قیمت ■ ۲۴۰۰ تومان

دفتر فروش:

انتشارات مشهور / میراث ماندگار

قم: طیبیان لرم / پلاک ۱۸۴ / ص. پ ۳۳۹۶ - ۳۷۱۸۵ / تلفن ۷۸۳۱۹۲۶ - ۷۷۳۷۴۶۱

دفتر مرکزی، طیبیان سمیه / کوچه ۲۴ / پلاک ۴۱۸ / تلفن: ۷۸۳۱۹۲۶ / فکس ۷۷۳۰۳۶۵ - ۲۵۱

مشهد، چهارراه شهدا، / پخت باغ نادری / پلاک گنجینه کتاب / طبقه اول پلاک ۳۰۶ / تلفن: ۲۳۴۱۴۴

اصفهان، مرکز فرهنگستان گلستان شهدای اصفهان / همراه: ۰۹۳۳۰۹۷۱۷ - ۰۹۳۳۱۵۱۵۵۱

تقدیم به:

مادر عزیزم، شادروان، طاهره خلیلی اواتی، مادری که سالیان سال خود نخورد تا ما گرسنه نباشیم، خود نپوشید تا ما برهنه نباشیم، خود نیاسود تا ما در آسایش و آرامش باشیم؛ تمامی رنجها و مرارتها را به جان خرید تا ما در رفاه و راحتی باشیم و همچون شمع سوخت و آب شد تا ضیاء نورش، روشنی بخش محفل ما باشد. به روح و روان پاکت ای مادر عزیز، ای تمام هستی من، تا جان دارم سلام و صلوات می فرستم و می سرایم:

گوهر نایاب من، گل همیشه بهار
جلوه رخسار تو، در نظرم آشکار
یاد تو در دل من، زنده و جاوید باد
نام نکویت بُود، در دل من ماندگار

تبرستان

www.tabarestan.info

فهرست مطالب

صفحه	عنوان
۳	جغرافیای سوادکوه
۵	تقدیم به:
۷	فهرست مطالب
۱۳	سخن آغازین:

فصل اول:

جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی

۲۱	کلیات:
۲۷	وجه تسمیه سوادکوه:

فصل دوم:

۳۳	روستاها، کوهها و رودها
۴۵	رودهای معروف سوادکوه
۴۵	آذر:
۴۵	آریم:
۴۵	بزلا:
۴۶	تالار:
۴۷	تجون (روشن آب):
۴۷	توجی:

۴۸	چرات:
۴۸	دلاور رود:
۴۸	سرخ آباد:
۴۹	شش رودبار:
۴۹	کرسنگ:
۵۰	کسلیان:
۵۱	کوههای معروف سوادکوه

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل سوم:

آثار تاریخی و بناهای مذهبی

۵۵	الف) آثار تاریخی
۵۶	۱- برج دیوکلای:
۵۶	۲- برج پیرشهریار:
۵۸	۳- برج لاجیم:
۶۰	۴- برج رسکت:
۶۲	۵- برج دیده بانی پروفسور شروین باوند:
۶۳	۶- قلعه کنگلو (کنگه لی):
۶۴	۷- قلعه ایلال (اولاد):
۶۷	۸- قلعه رواتسر:
۶۸	۹- قلعه چهل در:
۶۸	۱۰- قلعه حسن بور (کسلیان):
۶۹	۱۱- قلعه روحین - کوزا و کیسلیان:
۷۰	۱۲- قلعه مازیار لفور:
۷۱	۱۳- غار اسپهد خورشید:

- ۱۴ - غار دیولیلیم (دلایلم) ۷۳
- ۱۵ - غار زنگیان: ۷۳
- ۱۶ - غار کیجا کچال: ۷۴
- ۱۷ - غار لی پشت: ۷۷
- ۱۸ - توجی: ۷۷
- ب) بناهای مذهبی ۷۹
- ۱) امامزاده یونس رضا: ۸۰
- ۲) امامزاده حمزه: ۸۱
- ۳) امامزاده قاسم: ۸۲
- ۴) امامزاده ابوطالب: ۸۲
- ۵) امامزاده زین العابدین لوسر: ۸۳
- ۶) امامزاده عبدالحق: ۸۵
- ۷) امامزاده سام و لام: ۸۸
- ۸) امامزاده شاهبالو: ۸۸
- ۹) سید علی کیاسلطان لغور: ۹۰
- ۱۰) حاج سید میران حسینی: ۹۲
- ۱۱) امامزاده مطهر و آقا سید علی زنگیان: ۹۲
- ۱۲) امامزاده سید شریف چرات: ۹۴
- ۱۳) امامزاده عباسعلی: ۹۵
- ۱۴) امامزاده حسن: ۹۵
- ۱۵) امامزاده محمد تیلم: ۹۷
- ۱۶) امامزاده حاضر پندرم: ۹۷
- ۱۷) درویش حسین پارسی و کلاریجان: ۹۷
- ۱۸) سه تن بزرگوار گزو: ۹۸

- ۹۹ امامزادگان دهستان لفور:
- ۹۹ امامزادگان دهستان ولوپی:
- ۱۰۰ امامزادگان دهستان کسلیان:
- ۱۰۰ امامزادگان شیرگاه و حومه:
- ۱۰۰ امامزادگان زیراب و حومه:
- ۱۰۱ امامزادگان پل سفید و حومه:

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل چهارم:

چشم اندازها و مناظر طبیعی

- ۱۰۶ (۱) دریاچه شورمست:
- ۱۰۶ (۲) دریاچه گل پل:
- ۱۰۶ (۳) پل ورسک:
- ۱۰۷ (۴) پل شاه عباسی شیرگاه:
- ۱۰۷ (۵) کیجا پل (پل دختر):
- ۱۰۸ (۶) پل شاپور:
- ۱۰۹ (۷) پل سفید:
- ۱۰۹ (۸) پل راه آهن اوریم:
- ۱۱۰ (۹) پل بالو:
- ۱۱۰ (۱۰) پل جوارم:
- ۱۱۱ (۱۱) آرامگاه اخوت:
- ۱۱۱ (۱۲) کاروانسرای گدوک:
- ۱۱۲ (۱۳) کلیسای اوریم رودبار:
- ۱۱۲ (۱۴) راه باستانی سرتنگه:
- ۱۱۲ (۱۵) پل شاه عباسی روستای ورسک:
- ۱۱۳ (۱۶) رباط شاه عباسی:
- ۱۱۳ (۱۷) پارک جنگلی جوارم:

۱۱۴ (۱۸) بیلاق در اسله:

فصل پنجم:

آداب و رسوم و سنتهای محلی

- ۱۱۸ (۱) شب چله:
- ۱۱۹ (۲) کاشت، داشت، برداشت.
- ۱۲۲ (۳) کشتی لوچو:
- ۱۲۲ (۴) تیرماه سیزده:
- ۱۲۵ (۵) عید ماه:
- ۱۲۷ (۶) روزه بندونی:
- ۱۲۷ (۷) خواستگاری تا عروسی:
- ۱۳۴ (۸) دود کردن اسپند (کولک):
- ۱۳۵ (۹) کایرگیری:
- ۱۳۶ (۱۰) مغنه جنگی:
- ۱۳۶ (۱۱) تیرک سری:
- ۱۳۷ (۱۲) تشکیل صندوق ذخیره آخرت:

فصل ششم:

اعتقادات و باورهای مذهبی

۱۴۱ اعتقادات و باورهای مذهبی.

فصل هفتم:

سرگرمیها و بازیهای محلی

- ۱۵۳ سرگرمیها و بازیهای محلی
- ۱۵۴ (۱) اغوزکا (اغوز بازی)

- ۱۵۶ ۲) هفت سنگ کا:
- ۱۵۶ ۳) کمر بند کا:
- ۱۵۷ ۴) سنگ کا (تیپ کا):
- ۱۵۸ ۵) وسط کا:
- ۱۵۹ ۶) چش دوسکا (گوم پنجیک کا):
- ۱۶۰ ۷) الک دولک (الک کا):
- ۱۶۰ ۸) سنگ سنگرا:
- ۱۶۱ ۹) کلورد کا:
- ۱۶۱ ۱۰) پاپه لوس کا:
- ۱۶۳ ۱۱) آمپور کا (لیب کا):
- ۱۶۵ ۱۲) پرپر پرپر میچکا پر:
- ۱۶۵ ۱۳) مغنه کا:
- ۱۶۶ ۱۴) اینک را، اونک را:
- ۱۶۷ ۱۵) ببو قرداش:
- ۱۶۷ ۱۶) زنگله زیر زو:

فصل هشتم:

موسیقی در ایران و سوادکوه

- ۱۷۱ راویان موسیقی ایران
- ۱۷۳ موسیقی در سوادکوه
- ۱۸۳ قطعات مربوط به لَیله وا در سوادکوه

سخن آغازین:

هر جامعه‌ای برای بیان احساسات خود از زبان و ادبیات خاص خود بهره می‌جوید بدیهی است برای مطالعه روحیات و منش مردم در جوامع مختلف باید به فرهنگ عامه یا فولکلور^۱ رجوع کرد.

فولکلور آینه ذوق و هنر و معرفت اقوام و ابزار شناخت توده‌ها به شمار می‌رود که می‌تواند سفیر حسن نیت و در واقع، ارج نهادن به مردم به شمار آید. گرچه در بعضی از تعریفها، فرهنگ عامه را بدون پشتوانه منطقی قلمداد می‌کنند؛ با این وجود از جهت علمی - اجتماعی برای هر ملت اهمیت ویژه‌ای دارد.

قلمرو فرهنگ عامه گسترده است. می‌توان گفت ذهنیات هر فرد از باورها، پندارها، اندیشه‌ها و سخن و ادب عامه انباشته است. فولکلور ریشه در گذشته‌های دور دارد و با سنتها و ارزشهای بشری که به تجربه پیوسته است همراه می‌باشد.^۲ فرهنگ مجموعه پیچیده‌ای است که شامل معارف، معتقدات، هنرها، منابع،

۱. که علم به آداب و رسوم توده مردم، افسانه‌ها و تصنیفهای عامیانه، مجموع عقاید و ترانه‌های محلی است.

۲. مجموعه مقالات در گستره مازندران، دفتر دوم، بینایی - درگامی، نشر رسانش، چاپ اول بهار ۱۳۸۱،

متون، اخلاق، قوانین، سنن و بالاخره تمام عادات و رفتار و ضوابطی است که خود به عنوان عضوی از جامعه خود قرار می‌گیرد و در برابر آن، جامعه وظایف و مقرراتی را بر عهده دارد. می‌توان گفت فرهنگ عبارتست از رفتار و آداب و رسوم و سیستم تغذیه‌ای که در هر جامعه بین افراد وجود دارد. فرهنگ از گذشتگان می‌رسد و از نسلی به نسل دیگر منتقل می‌شود. هر جامعه‌ای برای خود فرهنگ ویژه‌ای دارد و مطابق موضوعات خود عمل می‌کند. به فرهنگ خود احترام می‌گذارد. بدون فرهنگ و رسم و رسومات، زندگی معنا پیدا نمی‌کند.

فرهنگ شناسان اصول فرهنگ را به دو قسمت، فرهنگ مادی و غیر مادی تقسیم می‌کنند. فرهنگ مادی به مجموعه پدیده‌هایی اطلاق می‌شود که محسوس و ملموس و قابل اندازه‌گیری با موازین کمی و علمی است و فرهنگ غیر مادی به موضوعات و مسائلی گفته می‌شود که قابل اندازه‌گیری با موازین کمی نیست و به آسانی نمی‌توان آنها را مقایسه و ارزیابی نمود مانند زبانها، لهجه‌ها، ضرب المثلها، ترانه‌ها، قصه‌ها و غیره.^۱

مطالعه و جوه مختلف فرهنگ عامه و آداب رسوم و سنن، آیین‌های مذهبی و ملی، قصه‌ها و افسانه‌ها، ضرب المثلها و ترانه‌ها و غیره، ما را با افکار، احوال، ذوق و هنر مردم آشنا می‌سازد. بررسی هر یک از این موضوعها مجالی فراخ و مطالعه‌ای وسیع و همه جانبه را طلب می‌کند. یکی از درون مایه‌های فرهنگ عامه، باورهای مذهبی است که گاه در یک یا چند عنصر دینی تجلی می‌یابد و یا آمال مردم در چهره‌های اولیای دین بروز می‌کند.^۲

۱. مبانی استان‌شناسی، محمود روح الامینی، انتشارات عطار، تهران، ۱۳۷۴.

۲. علی(ع) در فرهنگ مردم مازندران، علی صادقی، ص ۷.

فرهنگ واژه‌ای فارسی و مرکب از دو جزء می‌باشد «فر» به معنای جلو، پیش و بالا و «هنگ» به معنای کشیدن و سنگینی است. معنای مرکب این دو واژه به معنای بالا کشیدن است. فرهنگ در لغت به معنای دانش، ادب، علم، معرفت، تعلیم و تربیت، آثار علمی و ادبی یک قوم یا ملت و نیز به معنای کتاب لغت آمده است.^۱ فولکلور یا فرهنگ عامه، قدیمی‌ترین هنر ملتهاست که در روح زندگی و فلسفه حیات با یاری گرفتن از نهادها، رمزا و علائم در قالب الفاظ و در کسوت اعمال جاری و ساری است که در گذر زمان با خرافه‌ها آمیخته شد. فرهنگ عامه، سادگی به زلالی آب روان جاریست. آنچه را که اندیشمندان و فلاسفه بدان نظر دارند عامه تجربه می‌کنند به آسمان و زمین رنگ جنسیت می‌دهند و از زبان به ظاهر خاموش، ولی گویای حیوان، گیاه و درخت، داستانها و ضرب المثلهای نقل می‌کنند.

با توجه به مطالب فوق مباحثی راجع به آداب، رسوم، سنن و باورها و نیز مطالبی مربوط به روستاها، رودها و کوههای منطقه سوادکوه جمع آوری شده که این مباحث بسان قطره‌ای نسبت به دریای خروشان است و از قلم این حقیر و با کمک اطلاعات و داده‌های نویسندگان پیشین تراوش کرده و به حضور فرهنگ دوستان عزیز، همشهریان گرانقدر، زبان دوستان فهیم منطقه و محلات تقدیم می‌گردد. گرچه شاعر می‌گوید:

جایز نَبُودَ زیره به کرمان بردن جایز نَبُودَ قطره به عمان بردن

اما چه کنم که رسم موران این است ران ملخی نزد سلیمان بردن

این مجموعه به نام «جغرافیای شهرستان سوادکوه» نامگذاری گردید و مطالب

ارزنده‌ای از کتب نفیس مورخان و نویسندگان مشهور و معروفی همچون دکتر منوچهر ستوده، اردشیر برزگر، عباس شایان، عبدالحسین سعیدیان، عباس جعفری و غیره اقتباس و در لابلای مباحث گنجانده شد که باعث غنی شدن کتاب مذکور گردید.

مباحث کتاب فوق در هشت فصل طبقه بندی شده است که در فصل اول کلیاتی راجع به جغرافیای طبیعی و اوضاع اقلیمی منطقه آورده شده است. در فصل دوم رودهای معروف، کوههای مشهور و نام روستاهای مسکونی و غیر مسکونی منطقه با جزئیات طول و عرض جغرافیایی و فاصله آن با دریا بیان شده است و در فصل سوم به آثار تاریخی و بناهای مذهبی اشاره شده است. فصل چهارم راجع به چشم اندازهای زیبا و مناظر طبیعی بوده و فصل پنجم شامل آداب و رسوم و سنتهای محلی است و در فصل ششم به اعتقادات و باورهای محلی اشاره گردیده است. در فصل هفتم سرگرمیها و بازیهای محلی ذکر گردیده است و بالاخره در فصل هشتم موسیقی در سوادکوه آورده شده و در نهایت فهرست مطالب و مآخذ آمده است. در جمع آوری مطالب، علاوه بر استفاده از منابع مکتوب، از تجارب و معلومات برخی از مردان ریش سفید و زنان مسن که سرد و گرم زندگی را چشیده و با فراز و فرود زندگی دست و پنجه نرم کرده‌اند نیز استفاده گردید که به نوبه خود از تک تک این عزیزان تشکر و قدردانی می‌شود.

در پایان، به مصداق حدیث «من لم یشکر المخلوق لم یشکر الخالق» فرض و واجب است از تمامی آنهایی که در این مجموعه سهمی داشته‌اند اعم از اهل قلم و اهل قدم، بالاخص دو عکاس برجسته شهرستان سوادکوه آقایان حسن نبوی و مهران عموزاده تقدیر و تشکر شود و استدعا می‌گردد از خوانندگان عزیز، دانشجویان و

اساتید بزرگوار این است که کمبودها را به دیده اغماض بنگرند و عیبها را به آدرس انتشارات ارسال نمایند تا در آثار بعدی از نظراتشان استفاده شود. همشهریانی که مطالب نو و جدید درباره هر فصلی از این کتاب دارند می‌توانند با ارسال مطالب خویش ما را در چاپ بعدی کمک نمایند که به عنوان ضمیمه یا ملحقات به کتاب افزوده و در دسترس همگان قرار خواهد گرفت.

الهی عاقبت محبوب گردان

بنام دوست کردم ختم و پایان

رمضان المبارک ۱۴۲۵ قمری، آبانماه ۱۳۸۳ شمسی،

شهر مقدس قم؛ علی عسکری سوادکوهی

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل اول:

تبرستان

www.tabarestan.info

جغرافیای طبیعی
و اوضاع اقلیمی

تبرستان

www.tabarestan.info

کلیات:

سوادکوه از شهرستانهای پهناور و هموار استان مازندران است که در قسمت مرکزی استان، در دامنه رشته کوه البرز و در همسایگی استان تهران واقع شده است. این شهرستان با مساحت ۲۴۴۱ کیلومتر مربع، از شمال به شهرستان قائمشهر، از غرب به شهرستان بابل، از شرق به شهرستان ساری، از جنوب به ارتفاعات البرز و استان تهران و از جنوب شرق به استان سمنان منتهی می شود.^۱

این شهرستان در دره‌ای در سلسله جبال البرز مرکزی قرار گرفته و متوسط ارتفاع آن از سطح دریا ۶۰۰ متر است که به علت وجود ناهمواری در قسمت جنوب و دور بودن از دریا، دارای آب و هوای کوهستانی در جنوب و معتدل و مرطوب در شمال می باشد. رودخانه مهم و معروف سوادکوه؛ تالار، که از وسط این شهرستان می‌گذرد علاوه بر تأمین آب آشامیدنی، برای آبیاری زمینهای کشاورزی نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد.^۲ شهرستان سوادکوه برابر آخرین تقسیمات کشوری دارای چهار شهر (شیرگاه، زیراب، پل سفید و آلاشت)، دو بخش (مرکزی و شیرگاه)، شش دهستان

۱. سید جلال موسویان، جستاری در جغرافیای سوادکوه، نشر مؤسسه مهشاد (چاپ اول، بهار ۱۳۷۱، ص ۵)، راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران سوادکوه، نشر میراث فرهنگی استان مازندران، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲.

۲. عبدالرفیع حقیقت، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران، انتشارات کوش، چاپ اول، ۱۳۷۶، ص ۲۰۹.

(شرق و غرب شیرگاه، لفور، سرخکلا، ولوپی، راستویی و کسلیان) و قریب دویست آبادی می‌باشد.^۱ این شهرستان تا سال ۱۳۵۹ یکی از بخشهای شهرستان قائمشهر به شمار می‌رفت ولی با توجه به موقعیت ارتباطی و استخراج معادن در مورخه ۱۳۵۹/۴/۲۱ به شهرستان مستقلی تبدیل گردید.^۲ زبان مردم سوادکوه طبری یا مازندرانی بازماندهٔ زبان ایرانیان قدیم (پارسی میانه) است. این گویش با لهجه‌های مختلف در تمامی استان مازندران متداول است.

بر اساس سرشماری ۱۳۷۵، جمعیت شهرستان سوادکوه، ۷۴ هزار نفر بوده است که ۳۶/۷ درصد آن روستانشین و بقیه شهرنشین هستند. از نظر پراکندگی، هر چه از جنوب به طرف شمال پیش می‌رویم به تراکم جمعیت افزوده می‌شود.^۳ بر طبق سخنان مهندس رضمانعلی جعفری، مدیر جهاد کشاورزی سوادکوه، تراکم جمعیتی در بخش مرکزی ۲۵ نفر و در بخش شیرگاه به ۶ نفر می‌رسد.^۴ به گفتهٔ فرماندار وقت سوادکوه، جناب آقای علی فلاح جمعیت شهرستان سوادکوه در بهار و تابستان به بیش از یکصد هزار نفر افزوده می‌شود اما به دلیل مهاجرت‌های بی‌رویه و شدید، جمعیت منطقه رو به کاهش است.^۵

مرتفع‌ترین بخش سوادکوه، در جنوب غربی و در منطقه ولوپی، و کم‌ارتفاع‌ترین بخش سوادکوه در شمال و در منطقه شیرگاه واقع شده است و در حقیقت با عبور از شهرستان قائمشهر و ورود به شهرستان سوادکوه، به منطقه کوهستانی و پایکوهی

۱. حسن زنده دل و دستیاران، مجموعه جامع ایرانگردی، استان مازندران، نشر ایرانگردان، ۱۳۷۹، ص ۳۵.

۲. ربیع ربیعی، جغرافیای مفصل ایران، نشر اقبال، چاپ اول، ۱۳۶۲، ص ۲۵۱.

۳. مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، پیشین، ص ۳۵.

۴. ویژه نامه کیهان مازندران، چهارشنبه ۱۸ تیر ماه ۱۳۸۲، نهم جمادالاول ۱۴۲۴ شماره ۵۰۰ - ۱۷۷۰۵.

۵. روزنامه کار و کارگر، شنبه بیستم تیر ماه ۱۳۷۷.

یال شمالی کوههای البرز مرکزی می‌رسیم.^۱

گرچه وسعت اراضی مزروعی در کل منطقه کم است لیکن کمبود زمین حاصلخیز، وسعت زیاد جنگل، کوهستانی بودن منطقه، روش کشت ساده و سنتی و شیب زیاد زمین؛ مقدار محصول کشاورزی را تا حد مصرف خانواده پایین آورده است. محصولات مهم کشاورزی سوادکوه عبارتند از: برنج، گندم، جو، نیشکر هندی (در بشل و چاکسر). البته پرورش دام و زنبور عسل به مناسبت شرایط اقلیمی نسبت به کشاورزی رونق بیشتری دارد.^۲

وجود بیش از ۱۲۰ هزار هکتار از غنی‌ترین مراتع استان مازندران در سوادکوه، باعث گردید تا این منطقه به عنوان یکی از مراکز مهم دامپروری استان به شمار آید که متأسفانه هنوز هم به صورت سنتی اداره می‌شود و تاکنون اقدام اساسی برای تبدیل آن به دامپروری مدرن و صنعتی صورت نگرفته است.^۳

این شهرستان از لحاظ فعالیت‌های معدنی از رونق خاصی برخوردار است و از نظر صنعت و معادن، رتبه اول را در مازندران داراست.

با توجه به شرایط زمین‌شناسی، رسوبگذاری به ساختمان طبقات و تغییرات آب و هوایی در گذشته، معادن متنوعی در استان به وجود آورده است که شامل معادن ذغال سنگ، سرب، سنگ گچ، سنگ مرمریت، سنگ آبی، پوکه معدنی فلورین، باریستین و بوگسیت و سیلیس می‌باشند.

معدن ذغال سنگ البرز مرکزی در سال ۱۳۴۸ در سوادکوه شروع به فعالیت

کرد.^۴

۱. جستاری در جغرافیای سوادکوه، پیشین ص ۷.

۲. فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستان‌های ایران، پیشین، ص ۳۰۹.

۳. روزنامه کار و کارگر، پیشین.

۴. بعد از استقرار معدن ذغال سنگ در منطقه ولوپی سوادکوه، عده کثیری از نیروهای فعال منطقه جذب معدن ذغال سنگ البرز مرکزی شدند و امرار معاش مردم از این طریق انجام می‌شد اما امروز متأسفانه به

معدن ذغال سنگ زیراب یکی از مهمترین معادن ذغال سنگ شمال البرز در ۱۹۷ کیلومتری تهران واقع شده و تا قائم شهر ۴۲ کیلومتر فاصله دارد.

ناحیه ذغال دار آن از پل سفید تا پنج کیلومتری شمالی زیراب و از دره کارمزد تا کسلیان ده کیلومتری مشرق زیراب به مساحتی در حدود سیصد کیلومتر مربع گسترده شده است که مقدار ذخیره ذغال این ناحیه نسبت به نواحی دیگر بیشتر است. ذخیره ثابت شده آن ۱۶ میلیون تن و ذخیره احتمالی آن ۶۵ میلیون تن می باشد که در آن پنج رگه ذغال به ضخامت ۷۰ سانتی متر دیده شده است و بیشتر آن برای کک مناسب است. میزان استخراج ذغال در سال ۱۳۷۵ حدود ۱۱۵ هزار تن بوده است. ذغال سنگ استخراج شده از انبارهای معدن توسط سیم نقاله به ایستگاه راه آهن زیراب حمل و سپس در واگن های راه آهن بارگیری می شود تا سال های اخیر قسمت اعظم ذغال سنگ معدن زیراب به مصرف سوخت کارخانه های پارچه بافی و گونی بافی قائم شهر و چیت سازی به شهر می رسید ولی هم اکنون^۱ ذغال استخراجی این معادن پس از شستشوی کامل (در کارگاه ذغالشویی انجیر تنگه) به ذوب آهن اصفهان ارسال می گردد. علاوه بر معادن ذغال سنگ معادنی مثل: فلورین، سرب، سیلیس و سنگ مرمریت و سنگهای زینتی در منطقه سوادکوه یافت می شود. از صنایع این منطقه می توان صنایع دستی شامل (قالی بافی، جاجیم، چادرشب، جوراب، دستکش، کلاه، چوقا و نمد مالی) و صنایع چوبی (مثل کارخانه اشباع تراورس شیرگاه و کارگاههای چوب بری لاجیم) را نام برد.

دلیل خصوصی سازی و مسایل داخلی دیگر، این منبع حیاتی مردم منطقه به مخروبه ای تبدیل و اغلب امکانات و تأسیسات آن به دست برخی مسئولین مربوطه به تاراج رفته و اکثر قریب به اتفاق کارگران بالاجبار و ناخواسته باز خرید و یا بازنشست شدند که این امر لطمه شدیدی بر جوانان جویای کار منطقه وارد آورد و زمینه را برای مهاجرت روستاییان منطقه سوادکوه به شهرهای همجوار مهیا کرده است.

۱. جغرافیای مفصل ایران، ج ۳، ربیع ربیعی، چاپ اصفهان، مهرماه ۱۳۶۲.

راه آهن سراسری تهران - شمال به طول ۳۸۱ کیلومتر در استان مازندران که ۲۶ ایستگاه دارد و شهرهای شرق استان را با تهران پیوند می دهد مرتفع ترین نقطه راه آهن شمال گردنه گدوک (در ارتفاع ۲۲۱۵ متری) است تعداد تونل راه آهن شمال ۹۳ و طول تونلها حدود ۲۴ کیلومتر است. در این مسیر تونل گدوک (طویل ترین تونل با ۲۸۸ متر) و پل ورسک (با ارتفاع ۱۱۰ متر و ۴ متر عرض و ۸۶ متر دهانه) مشهور است.^۱

شش ایستگاه راه آهن در شهرستان سوادکوه قرار دارد که عبارتند از: شیرگاه، زیراب، پل سفید، سرخ آباد، ورسک و دوگل، سراسر راه آهن تهران - شمال پر از شاهکار مهندسی توأم با بهترین اسلوب است به طوری که دل کوهها را شکافته و با ایجاد پلها و تونل های طولانی، قطار طول خط مارپیچی را در دامنه مرتفع ترین کوهستانها که پر از جنگل های سرسبز و خرم می باشد پیموده و بیننده را محو تماشای این همه بدایع و شگفتیهای خود می نماید. شهرستان سوادکوه از غنی ترین و با ارزش ترین مناطق جنگلی مازندران به شمار می رود که سطح وسیعی از آن پوشیده از با ارزش ترین گونه های صنعتی است.^۲

کارشناسان ایرانی و خارجی جنگل های شمال ایران را از نظر ارزش اقتصادی به سه دسته تقسیم کرده اند:

۱) جنگل های انبوه و دارای درختان صنعتی مرغوب در حدود ۸۰۰ هزار هکتار

۱. وحید ریاحی، مازندران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰ صفحه ۳۰.

۲. گرچه سوادکوه دارای با ارزش ترین درختان صنعتی است و به نقل از سید جلال موسویان، سالانه بیش از ۲۰۰ هزار متر مکعب چوب آلات تجاری آن هم به صورت خام به کشور صادر می شود اما افسوس اینکه در چند سال اخیر قطع بی رویه درختان و شمار بهره برداری از جنگل را به جنگل زدایی تبدیل و بازار خوبی برای دلالان و سودجویان فراهم کرد اما دریغ از یک بازرسی و دقت در این امر از یک مسؤل و یا یک ارگان، چرا مردمان روستاها را آواره و جنگل؛ این سرمایه ملی را با اره های بی زبان نابود می کنیم، جوابگوی کسانی که بعد از ما خواهند آمد کیست؟!

که به طور متوسط در هر هکتار ۳۵۰ متر مکعب چوب می‌توان به دست آورد.
 (۲) جنگلهای متوسط در حدود ۱/۲۰۰ هزار هکتار که به طور متوسط دارای
 ۱۵۰ متر مکعب چوب می‌باشد.

(۳) جنگلهای درجه سوم که در حدود ۴۰۰ هزار هکتار است و بر اثر قطع
 بی‌رویه درختان و ذغالگیری و چرای دام ارزش اقتصادی خود را از لحاظ تولید
 چوبهای صنعتی از دست داده است و به طور متوسط در هر هکتار آن در حدود ۵۰
 متر مکعب چوب وجود دارد.^۱ طبق برآورد سازمان جنگل‌بانی ۴۸٪ جنگل‌های
 شمال انبوه ۳۵/۵٪ مخروطه و ۱۵/۵٪ در اثر عوامل مختلف نابود گشته که سازمان
 مزبور احیای آنرا اقتصادی نمی‌داند.^۲

برخی از گونه‌های درختان بومی سوادکوه عبارتست از: انجیلی، افرا، توسکا،
 نمدار، ملیج، بلوط، راش، ممرز، کلو، شمشاد، شیردار، و لرگ.

از اماکن مذهبی شهرستان سوادکوه می‌توان، امامزاده یونس رضا، امامزاده
 عبدالحق، امامزاده ابوطالب، امامزاده زکریا، امامزاده یحیی، امامزاده صالح،
 شاهبالو، امامزاده سام و لام، امامزاده حمزه و امامزاده سید علی کیا سلطان را نام
 برد. آثار تاریخی مهم شهرستان عبارتند از: برج لاجیم، برج رسکت، برج پیر
 شهریار، برج دیو کلی، غار کیجا کچال، غار اسپهد خورشید، غار لی پشت، غار
 دیولیم (دلیم)، غار زنگیان، قلعه ایلال (اولاد)، قلعه کنگلو (کنگلی)، پل ورسک،
 تونل گدوک، سه خط راه آهن ورسک معروف به سه خط طلا. و از جاذبه‌های
 توریستی منطقه می‌توان به پل شاپور، آبشار دراسله، آبشار روستای چرات، آبشار
 کزو، پارک جوارم، پارک آزادمهر، دریاچه شورمست، سد زمزم، سد البرز لفور و
 مناظر دیدنی دیگر اشاره کرد.

۱. جنگل‌ها و گسترش کویرهای ایران، حسین ملکی، نشر آینده، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۷ صص ۶-۵۵.

۲. جغرافیای مفصل ایران، ج ۳، ربیع ربیعی، چاپ اقبال، ص ۲۶۶.

آب و هوا، رودها، چشمه‌ها و غیره برای گذران اوقات فراغت از یکسو، و بناها و اماکن ارزشمند تاریخی و مذهبی از طرف دیگر، شرایط مطلوبی را برای جاذبه‌های توریستی و جهانگردی در منطقه فراهم کرده است لذا برنامه ریزی علمی و به وجود آوردن شرایط مطلوب بهره‌مندی از این فضاها، بی‌شک زمینه را برای تحولات مهم اقتصادی - اجتماعی در منطقه مهیا خواهد کرد. دو مرکز تحقیقات در منطقه سوادکوه، دو شهرک صنعتی شورمست و بشل، دانشگاه آزاد، گازکشی مناطق شهری و برخی روستاها، لوله کشی آب خوشگوار گلابدره به روستاهای منطقه ولویی و دیگر روستاها و شهرهای مجاور، و خدمات دیگر نوین آبادانی و پیشرفت در این منطقه حاصلخیز را به همگان می‌دهد.

وجه تسمیه سوادکوه:

در وجه تسمیه سوادکوه مطلبی از محمدبن اسفندیار صاحب کتاب «تاریخ مازندران» نقل می‌کنیم: «سوادکوه به نام یکی از جبال مشهور منطقه به نام سوات بوده و آن کوه در جنوب شرقی چرات واقع است و اهالی قدیم ناحیه یاد شده، آن کوه را سواتکوه (سواته کوه) می‌گفتند که بعدها تاء منقوطف به دال تبدیل شد. وی نتیجه می‌گیرد که املائی این کلمه مخفف است از فرشواد، و فرشواد قدیمی‌ترین اسمی است که در ناحیه باقی مانده و تا زمان ساسانیان به همین اسم فرشواد معروف بوده است ولی بعد از غلبه و پیروزی عرب، تغییر یافته و کلمه «فر» حذف و «شواد» به سواد مبدل شده است^۱ این احتمال از بقیه احتمالات قوی‌تر است. نویسنده مرآت البلدان می‌گوید: «در جنوب شرقی کوه لی پشت، سنگ مرتفعی معروف به سوات است چنین گویند که سوادکوه در اصل سواته کوه (سواتکوه) و

۱. نجفعلی پسیان و خسرو معتضد، از سوادکوه تا ژوهانسبورگ، نشر ثالث، (چاپ دوم، ۱۳۷۸، ص

نام آن یادآور همین سنگ است بر بالای این سنگ حوضی از سنگ و ساروج است و بنیان قلعه‌ای نیز دیده می‌شود.^۱ در دوره ساسانی، ناحیه جنوبی طبرستان که ناحیه سوادکوه کنونی باشد (پدشخوارگر) نام داشت و سپس در دوره‌های بعد «بدشوارگر» و حکمران آن را «بدشوارگرشاه» یا پادشاه کوه و دشت و دریا، نوشتند و نام کوهستان این ناحیه را «پدشخوارکوه» گذاشته‌اند اندک اندک به «فرشوادکوه» و «بدشوارکوه» تبدیل شده، کلمه «فر» از آغاز آن افتاده، «شوادکوه» و سپس «سواتکوه» و سرانجام «سوادکوه» شده است.

سوادکوه در شمال شرقی استان تهران قرار گرفته است. در زمان ساسانیان یکی از منصبهای عالی دربار «پدشخوارگر» بوده است «پدش» به معنای پیش است و «خوار» از خوردن است. «پدشخوارگر» کسی بوده که در حضور شاه و قبل از او خوراک را می‌خورد و می‌چشید تا از سمی نبودن آن اطمینان حاصل کند این منصب در دربار ساسانی اهمیت فراوانی داشته و مخصوص نجیب زادگان بود و هر ناحیه که حکمرانی آن را به چنین کسی می‌دادند آن ناحیه نیز «پدشخوارگر» نامیده شد. سوادکوه امروزی نیز قبلاً «پدشخوارگر» نام داشت و بعدها به «پدشوارگر» و حکمران آن «بدشوارگرشاه» بود و نام کوهستان آن را نیز «پدشخوارکوه» گذاشته‌اند کم‌کم «فرشوادکوه» و «بدشوارکوه» شده و کلمه «فر» از ابتدای این کلمه افتاده «سواتکوه» و سپس «سواتکوه» و بالاخره «سوادکوه» شده است.^۳

ساکنین سوادکوه از طوایف مختلفی تشکیل می‌شدند که معروف‌ترین آنها چهار طایفه بوده‌اند که عبارتند از: ۱) طایفه آلاشتیها که در آلاشت و لفور و قسمتی از بابلکنار سکنی دارند. ۲) طایفه زیرابیها که در طرفین خطوط شوسه و ایستگاههای

۱. مرآت البلدان، ج چهارم، ص ۲۱۸.

۲. عباس شایان، مازندران، جغرافیای تاریخی و اقتصادی، ج ۱- (چاپ دوم، تهران ۱۳۳۶ ص ۱۰).

۳. مازندران، جغرافیای تاریخی و اقتصادی، همان، مهرالزمان نویان، وجه تسمیه شهرها و روستاهای ایران، سازمان چاپ و ناشر (چاپ اول، ۱۳۶۵ ص ۷۹).

مهم زیراب و شیرگاه و در اطراف انشعابات رودخانه ولویی زندگی می‌کنند. (۳)
طایفه شورمستیها (۴) طایفه سرخ آبادیها، که این دو طایفه اخیر در دهلیز پل سفید تا
گدوک فیروزکوه سکنی داشتند.^۱

کوه شلفین بلوک سوادکوه و فیروزکوه را از هم جدا می‌کند و انشعابات شمالی
شلفین، سوادکوه را به دو بلوک، ولویی و راستویی تقسیم می‌نماید. (او) در زبان
محلی به معنای آب و (ول) به معنای کج و منحنی است. به اصطلاح، راستویی آب
رودخانه‌ای که در مسیر راست و مستقیم جریان داشته و ولویی رودخانه‌ای که در
مسیر کج و منحنی عبور می‌کند بنابراین طوایف هر قسمت را به همان اسم
راستویی و ولویی می‌نامند.^۲

راه معروف شاه عباسی، که به وسیله هلندیها ساخته شد و از اصفهان تا فرح آباد
امتداد داشت از بلوک راستویی می‌گذشته و در سال ۱۰۳۱ ه. ق. احداث شد و در
سال ۱۰۵۱ ه. ق. سال آخر سلطنت شاه صفی یا سال جلوس شاه عباس صفوی به
اتمام رسیده است.^۳ مهمترین راههای ارتباطی استان به تهران، راه اصلی آمل -
تهران (معروف به جاده هراز) نوشهر و چالوس - کرج و تهران (معروف به جاده
کندوان) قائمشهر و سوادکوه - فیروزکوه و تهران (معروف به جاده فیروزکوه) است.^۴
راه آلاشت فیروزکوه با ۳۵ کیلومتر مسافت در دست ساخت است.

ناحیه سوادکوه از نواحی بسیار مهم و قابل توجه طبرستان در دوران تاریخ، به
ویژه در دوران بعد از اسلام بوده است مقررماندهی اسپهبد شروین، یکی از حکام
قدرتمند محلی مازندران در سوادکوه بوده و در شرح مبارزات ملی مردم طبرستان

۱. ر. ک. مقدمه کتاب از سوادکوه تا ژوهانسبورگ، پیشین، ص ۳۱.

۲. مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، استان مازندران، پیشین، ص ۳۵.

۳. غلامحسین مصاحب، دایرة المعارف فارسی، ج ۱، انتشارات فرانکلین (چاپ اول، ۱۳۴۵، ص

۱۳۶۰) وحید ریاحی، مازندران، دفتر پژوهشهای فرهنگی (چاپ اول، ۱۳۸۰ ص ۶۴).

۴. وحید ریاحی، مازندران، پیشین، ص ۲۹.

در قرنهای نخستین اسلامی در مقابله با حکومت عباسیان، از فعالیت مردم سوادکوه بسیار نام برده شده است دلیل آن برج تاریخی لاجیم است که از آغاز قرن پنجم هجری تاکنون در سوادکوه مازندران باقی مانده است.^۱

شهرستان سوادکوه در طول تاریخ دارای محدوده ثابتی نبوده بلکه در اثر عوامل حکومتی و قومی و سیاسی دستخوش تغییرات زیادی گردیده و محدوده‌های متفاوتی داشته که گاه بسیار وسیع تر از محدوده فعلی بوده است. این شهرستان حاکمان و سلاطین بسیاری به خود دیده، از جمله حکومت خاندان سوخرای قارن (قارنوندیها) در سوادکوه بود که از سال ۵۷۰ میلادی تشکیل حکومت دادند و شهر باستانی لپور (لفور) مرکز آن به شمار می‌رفت.

در سال ۷۲ - ۵۷۰ میلادی انوشیروان برای سرکوبی خاقان ترک که لشکر به خراسان و گرگان کشیده بود بدان سامان رفت و با سوخرایان آشنا شد و به همراه آنان رهسپار آمل، لپور و فریم گردید. نویسندگانی که انوشیروان چندی در آمل پایتخت تبرستان ماند و به رسیدگی کارها و سازمان نوین این استان پرداخت و سوادکوه و هزار جریب را که لپور و فریم در شکم آن بوده به اسپهبد کارن (قارن - غارن) واگذار کرد.

او فرزند اسپهبد سواخرا و کهنتر برادر اسپهبد (سرمهر) و اولین مرد از این خاندان است که با انوشیروان ساسانی در سال ۷۲ - ۵۷۰ میلادی به تبرستان آمده و به فرمان او کوهپایه و کوهستانهای جنوب خاوری تبرستان (سوادکوه، هزار جریب، شهریارکوه و پیرامون آن) را به دست گرفت و شهر باستانی لپور را پایتخت خود قرار داد و بر آبادانی آن بسیار کوشش ورزید. فروانروایی اسپهبد کارن را پیش از ۸ - ۳۷ نیآورده‌اند بنابراین سال درگذشت او در نزدیکی‌های ۸ - ۶۰۷ میلادی، ۱۳ - ۱۲

سال پیش از هجرت و در دوره پادشاهی خسرو پرویز ساسانی می‌باشد.^۱ امروزه طی کاوشهای باستان‌شناسی در منطقه لفور سوادکوه بقایایی از معماری عصر آهن کشف شد. در این کاوشها که روی تپه چاشتخواران انجام شد آثار معماری اواخر عصر آهن ۱ و ۲ شامل پی‌های سنگی خانه‌ها، خمره ذخیره سازی آذوقه و قابهای سنگی و سفالی و ذوب آهن به دست آمده است. مطالعه اولیه روی این آثار نشان می‌دهد که مردم این منطقه به روش پیشرفته‌ای برای پخت سفال و ذوب فلزات دست یافته بودند. در این محل یک گورستان مربوط به عصر آهن ۳ نیز کشف شد. (یافته‌های باستان‌شناسان در فروردین ماه سال ۱۳۸۴ خبرنگار مرکز ساری).

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل دوم:

تبرستان

www.talaresan.info

روستاها، کوهها

ورودها

تبرستان
www.tabarestan.info

آبادیهای سوادکوه

منطقه	ارتفاع از سطح دریا	طول جغرافیایی		عرض جغرافیایی		نام آبادی
		۵۲	۵۲	۳۶	۱۹	
شیرگاه	۱۹۵	۵۲	۵۲	۳۶	۱۹	آبدنگسر
ولوبی	۵۰۰	۵۳	۰۲	۳۶	۰۹	آزاد مهر
خانقاه پی	۱۵۱۰	۵۳	۰۸	۳۶	۰۲	آسه
شیرگاه	۱۸۰	۵۲	۵۱	۳۶	۲۰	آهنگرکلا
ولوبی	۱۶۸۰	۵۲	۵۰	۳۶	۰۴	آلاشت
ولوبی	۱۲۰۰	۵۲	۵۶	۳۶	۰۳	ارات بن
کسلیان	۶۶۰	۵۳	۰۱	۳۶	۱۳	اتو
پل سفید	۱۵۹۰	۵۳	۰۰	۳۵	۵۹	ارفعده
لفور	۳۲۰	۵۲	۴۸	۳۶	۱۲	اسبوکلا
پل سفید	۶۴۰	۵۳	۰۲	۳۶	۰۸	استخرسر
راستویی	۲۶۲۰	۵۲	۵۶	۳۵	۵۸	ارفع کوه
راستویی	۲۶۰۰	۵۲	۵۳	۳۵	۵۴	اسب چشمه
ولوبی	۲۲۵۰	۵۲	۴۵	۳۶	۰۳	استل سر
پل سفید	۶۲۰	۵۳	۰۴	۳۶	۰۷	استلک
خانقاه پی	۱۴۷۰	۵۳	۱۰	۳۶	۰۱	اناروم
شیرگاه	۱۸۰	۵۲	۵۲	۳۶	۲۰	اندارکلی
ولوبی	۱۸۸۰	۵۲	۴۳	۳۵	۵۹	انند
ولوبی	۱۱۳۰	۵۲	۵۸	۳۶	۰۳	اوات

پل سفید	۹۵۰	۵۳	۰۴	۳۶	۰۷	اوزود
راستویی	۱۸۶۰	۵۲	۵۸	۳۵	۵۶	اوریم
راستویی	۱۲۶۰	۵۳	۰۰	۳۵	۵۷	اوریم رودبار
پل سفید	۹۰۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۸	اساس
شیرگاه	--	۵۲	۵۱	۳۶	۲۴	ایوک
پل سفید	۱۰۵۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۳	البن
خانقاه پی	۱۵۷۰	۵۳	۰۸	۳۵	۵۷	امافت
پل سفید	۱۰۰۰	۵۳	۰۵	۳۶	۰۶	ازانده
پل سفید	۱۱۰۰	۵۳	۰۵	۳۶	۰۶	امیرکلا
کسلیان	۵۰۰	۵۲	۵۹	۳۶	۱۳	امیرکلا
لفور	۱۹۰	۵۲	۵۱	۳۶	۲۱	امیرکلا
خانقاه پی	۲۰۶۰	۵۲	۵۷	۳۵	۵۸	اترگله
شیرگاه	۱۳۵	۵۲	۴۹	۳۶	۲۲	باز یارکلا
پل سفید	۱۰۰۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۱	بالادوآب تنگه
زیراب	۵۵۰	۵۳	۰۰	۳۶	۱۰	بالا زیرآب
شیرگاه	۲۶۰	۵۲	۵۶	۳۶	۳۲	برنجستان کبلا
شیرگاه	۲۰۰	۵۲	۵۵	۳۶	۳۲	برنجستانک
خانقاه پی	۱۶۰۰	۵۳	۰۸	۳۶	۰۰	برنت
شیرگاه	۲۰۰	۵۲	۵۲	۳۶	۲۱	بشل
لفور	۵۴۰	۵۲	۵۰	۳۶	۱۴	بورخانی
شیرگاه	۱۳۵	۵۲	۵۰	۳۶	۲۲	بورخیل
کسلیان	۶۰۰	۵۲	۵۹	۳۶	۱۳	بهمنان
ولویی	۱۵۵۰	۵۲	۵۴	۳۶	۰۰	بیمدره

خانقاه پی	۱۸۰۰	۵۳	۰۶	۳۶	۰۱	بایمکلا
خانقاه پی	۱۲۴۰	۵۳	۰۸	۳۶	۰۴	بندلا
ولوپی	۹۰۰	۵۲	۵۸	۳۶	۰۷	پارسی
کسلیان	۶۰۰	۵۳	۰۲	۳۶	۱۱	پاشاکلا
لفور	۳۰۰	۵۲	۴۸	۳۶	۱۴	پاشاکلا
ولوپی	۱۵۵۰	۵۲	۵۴	۳۶	۰۱	پالند
پل سفید	۹۰۰	۵۳	۰۲	۳۶	۰۰	پایین دوآب
ولوپی	۲۲۴۰	۵۲	۴۹	۲۵	۵۹	پیشین واله
کسلیان	۵۸۰	۵۳	۰۱	۳۶	۱۳	پیرنعیم
خانقاه پی	۱۰۰۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۲	پیت سره
ولوپی	۱۲۲۰	۵۲	۵۹	۳۶	۰۳	پندرم
راستویی	۲۹۲۰	۵۲	۴۹	۳۵	۵۴	پیازمرگ
پل سفید	۵۵۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۷	پل سفید
شیرگاه	۲۳۰	۵۲	۵۲	۳۶	۲۰	تپه سر
لفور	۳۰۰	۵۲	۴۵	۳۶	۱۳	تمر
ولوپی	۱۴۵۰	۵۲	۵۶	۳۶	۰۱	تیلیم
زیراب	۳۶۰	۵۲	۵۵	۳۶	۱۲	جمشیدآباد
زیراب	۳۶۰	۵۲	۵۴	۳۶	۱۳	جوآرم
شیرگاه	۱۸۰	۵۲	۵۱	۳۶	۲۰	چای باغ (ملفه)
لفور	۲۹۰	۵۲	۴۸	۳۶	۱۳	چاستخوران
لفور	۳۰۰	۵۲	۵۰	۳۶	۱۲	چاکسرا
شیرگاه	۱۶۵	۵۲	۵۱	۳۶	۲۱	چاکسر
شیرگاه	۱۶۰	۵۲	۵۳	۳۶	۱۹	چالی

ولوبی	۲۱۵۰	۵۲	۴۰	۳۵	۵۸	چرات
زیراب	۵۶۰	۵۲	۵۹	۳۶	۱۱	چندلا
لفور	۱۷۰	۵۲	۴۹	۳۶	۲۱	حاجی کلا
شیرگاه	۱۰۰	۵۲	۴۷	۳۶	۲۴	حاجی کلا
ولوبی	۱۰۸۰	۵۲	۵۷	۳۶	۰۳	خاتون رودبار
خانقاه پی	۱۶۵۰	۵۳	۰۵	۳۶	۰۱	خرج
خانقاه پی	۹۰۰	۵۳	۰۵	۳۶	۰۵	خوش دره
زیراب	۷۵۰	۵۳	۰۱	۳۶	۱۰	خردمندیچال
زیراب	۶۰۰	۵۲	۵۹	۳۶	۰۹	خلیل کلا
زیراب	۳۶۰	۵۲	۵۷	۳۶	۱۲	خلیلی
زیراب	۶۰۰	۵۲	۵۹	۳۶	۱۱	خواجه کلا
ولوبی	۲۱۰۰	۵۲	۴۸	۳۵	۵۸	دراسله
لفور	۳۶۰	۵۲	۴۴	۳۶	۱۳	درزیکلا
پل سفید	۰	۵۲	۱۰	۳۶	۰۱	دوآب
شیرگاه	۱۳۰	۵۲	۵۱	۳۶	۲۲	دوکانسر (مهدی آباد)
لفور	۰	۵۲	۴۷	۳۶	۱۳	دهکلان
خانقاه پی	۱۳۰۰	۵۳	۰۹	۳۶	۰۲	دهمیان
ولوبی	۲۲۴۰	۵۲	۴۹	۳۵	۵۹	ده واله
خانقاه پی	۱۷۲۰	۵۳	۰۷	۳۶	۰۲	رجه
لفور	۷۵	۵۲	۵۴	۳۶	۲۲	رئیس کلا
راستویی	۱۰۰۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۰	رواتسر
شیرگاه	۱۹۰	۵۲	۵۰	۳۶	۱۹	روس آباد
خانقاه پی	۱۱۰۰	۵۳	۰۷	۳۶	۰۵	ریون

ولوبی	۱۴۰۰	۵۲	۵۶	۳۶	۰۳	زنگیان
کسلیان	۷۰۰	۵۳	۰۲	۳۶	۱۷	ززل
زیراب	۴۸۰	۵۲	۵۸	۳۶	۱۱	زیراب
پل سفید	۱۹۰۰	۵۲	۵۸	۳۵	۵۷	زینه خیل
شیرگاه	۲۶۰	۵۲	۵۳	۳۶	۱۷	زیولا
شیرگاه	۲۸۰	۵۲	۵۲	۳۶	۱۹	سرآگردان
راستوبی	۳۰۰	۵۳	۰۰	۳۵	۵۷	سرخ آباد
زیراب	۷۰۰	۵۲	۵۶	۳۶	۱۲	سرخکلا
خانقاه پی	۱۶۵۰	۵۳	۰۴	۳۶	۰۲	سرخل
ولوبی	۲۷۱۰	۵۲	۵۴	۳۵	۵۷	سرسیروک
ولوبی	۱۹۰۰	۵۲	۵۰	۳۶	۰۵	سرین
ولوبی	۲۳۵۰	۵۲	۴۵	۳۶	۰۶	سفیدکلا
راستوبی	۱۲۰۰	۵۳	۰۲	۳۵	۵۹	سفید دارگله
---	۲۱۶۰	۵۲	۴۷	۳۵	۵۹	سنگ بن
---	۱۶۷۰	۵۲	۰۹	۳۵	۵۳	سنگلت
ولوبی	۲۵۸۰	۵۲	۴۷	۳۶	۰۴	سنگلج
ولوبی	۱۷۹۰	۵۳	۱۱	۳۶	۰۰	سنگلیسه
کسلیان	۶۳۰	۵۳	۰۳	۳۶	۱۲	سنگ نیش
ولوبی	۲۲۸۰	۵۲	۴۵	۳۶	۰۳	سوادردبار
راستوبی	۲۵۵۰	۵۲	۵۸	۳۵	۵۹	سوت سره
کسلیان	۵۷۰	۵۳	۰۰	۳۶	۱۷	سوخته سرا
کسلیان	۶۲۰	۵۳	۰۱	۳۶	۱۳	سی پی
خانقایی	۱۰۵۰	۵۳	۰۲	۳۶	۰۱	سی مت

زیراب	۳۳۰	۵۲	۵۵	۳۶	۱۳	سیدآباد
راستویی	۱۹۰۰	۵۲	۵۸	۳۵	۵۸	سنگ سرک
ولویی	۱۹۲۰	۵۲	۵۳	۳۵	۵۸	شش حوله
ولویی	۱۵۰۰	۵۲	۵۲	۳۵	۵۹	شش رودبار
پل سفید	۲۰۵۰	۵۷	۵۲	۳۵	۵۱	شورآب
خانقاه پی	۱۸۵۰	۵۳	۰۱	۳۵	۵۶	شورکچال
پل سفید	۷۰۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۵	شورمست
شیرگاه	۲۵۰	۵۲	۵۲	۳۶	۱۸	شیرجه کلا
ولویی	۷۸۰	۵۳	۰۱	۳۶	۰۷	شیردره
ولویی	۷۰۰	۵۲	۵۸	۳۶	۰۵	شیرکلا
شیرگاه	۳۰۰	۵۲	۵۳	۳۶	۱۸	شیرگاه
پل سفید	۱۰۸۰	۵۳	۰۲	۳۶	۰۵	ضعیف کلا
پل سفید	۱۱۰۰	۵۳	۰۲	۳۶	۰۳	طالع
پل سفید	۷۸۰	۵۳	۰۳	۳۶	۰۲	طالع رودبار
لفور	۳۰۰	۵۲	۴۶	۳۶	۱۴	عالمکلا
زیراب	---	۵۳	۰۰	۳۶	۰۹	عالیه کلا
راستویی	۲۰۰۰	۵۲	۵۷	۳۵	۵۵	عباس آباد
ولویی	۱۳۰۰	۵۲	۵۷	۳۶	۰۶	عسل
شیرگاه	۱۶۰	۵۲	۴۸	۳۶	۲۱	فرامرز کلا
پل سفید	۱۱۶۰	۵۳	۰۷	۳۶	۰۳	فلورد
زیراب	۴۵۰	۵۲	۵۶	۳۶	۱۲	قاسم آباد
لفور	---	۵۲	۴۵	۳۶	۲۰	قرآن کلا
زیراب	۵۴۰	۵۲	۵۴	۳۶	۱۲	کارسالار

خانقاه پی	۸۴۰	۵۳	۰۵	۳۶	۰۵	کالیم
ولوی	۱۳۰۰	۵۲	۵۳	۳۵	۰۵	کارمزد
لفور	۳۸۰	۵۲	۴۴	۳۶	۱۳	کاریکلا
ولوی	۶۰۰	۵۳	۰۱	۳۶	۰۹	کریکلا
زیراب	۴۰۰	۵۲	۵۵	۳۶	۱۱	کاشی خل
ولوی	۱۷۵۰	۵۲	۵۳	۳۶	۰۰	کاکران
شیرگاه	۱۶۵۰	۵۲	۵۰	۳۶	۲۱	کتی لته
زیراب	۴۰۰	۵۲	۵۶	۳۶	۱۱	کردآباد
خانقاه پی	۱۷۴۰	۵۳	۰۸	۳۵	۵۹	کردآسیاب
خانقاه پی	۱۷۵۰	۵۳	۰۶	۳۵	۵۸	کرمان
لفور	۳۰۰	۵۲	۵۰	۳۶	۱۲	کفاک
پل سفید	۶۴۰	۵۳	۰۴	۳۶	۰۶	کلج خواستان
ولوی	۸۵۰	۵۲	۵۵	۳۶	۱۱	کلاریجان
راستویی	۱۵۸۰	۵۳	۱۰	۳۶	۰۴	کله
ولوی	۲۶۰۰	۵۲	۴۶	۳۵	۵۹	کمرینک
پل سفید	۱۷۰۰	۵۳	۰۳	۳۵	۵۸	کمرپشت
خانقاه پی	۱۹۸۰	۵۳	۰۵	۳۵	۵۳	کمرود
کسلیان	۵۰۰	۵۳	۰۰	۳۶	۱۲	کچید
خانقاه پی	۱۶۰۰	۵۳	۰۹	۳۶	۰۱	کوه اسطخ
شیرگاه	۲۳۰	۵۲	۵۱	۳۶	۱۹	کلیج خیل
زیراب	۶۵۰	۵۲	۵۸	۳۶	۱۰	کینج کلا
لفور	۳۰۰	۵۲	۴۶	۳۶	۱۲	گالشکلا
ولوی	۶۸۰	۵۲	۵۹	۳۶	۰۵	گررودبار

ولوبی	۲۴۰۰	۵۲	۳۶	۳۶	۰۶	گردنه سر
شیرگاه	--	--	--	--	--	گاوان کلا
راستوبی	۱۹۳۰	۵۲	۵۷	۳۵	۵۷	گرزینه خیل
خانقاه پی	۲۱۰۰	۵۳	۰۹	۳۵	۵۷	کنگلو
لفور	۳۵۰	۵۲	۴۸	۳۶	۱۲	گشنیان
ولوبی	۱۵۲۰	۵۲	۵۰	۳۶	۰۳	گلیان
کسلیان	۷۵۰	۵۳	۰۶	۳۶	۱۵	لاجیم
لفور	۲۵۰	۵۲	۴۸	۳۶	۱۳	لفورک
ولوبی	۱۷۴۰	۵۲	۵۲	۳۶	۰۴	لیند
ولوبی	۷۰۰	۵۲	۵۹	۳۶	۰۶	لله بند
ولوبی	۲۲۴۰	۵۴	۴۳	۳۶	۰۴	لاکوم
خانقاه پی	۹۲۰	۵۳	۰۶	۳۶	۰۵	لمرز
ولوبی	۲۳۰۰	۵۲	۴۹	۳۶	۰۵	لرزنه
لفور	۳۹۸	۵۲	۵۱	۳۶	۱۲	لزکچال
ولوبی	۱۷۷۰	۵۲	۵۵	۳۶	۰۳	لاتا
خانقاه پی	۶۷۰	۵۳	۰۴	۳۶	۰۶	للوک
کسلیان	۸۱۰	۵۳	۰۳	۳۶	۱۷	لولاک کسلیان
کسلیان	۶۸۰	۵۳	۰۱	۳۶	۱۲	لولاک لوبیور
راستوبی	۱۶۵۰	۵۲	۵۱	۳۶	۰۰	ملاده
راستوبی	۱۸۸۰	۵۲	۵۷	۳۵	۵۷	مالی دره
کسلیان	۵۵۰	۵۳	۰۳	۳۶	۱۲	مته کلا
راستوبی	۱۵۵۰	۵۳	۰۹	۳۶	۰۰	ملک ده
لفور	۲۵۰	۵۲	۴۷	۳۶	۱۵	مرزیدره

مرگچال	۱۲	۳۶	۵۱	۵۲	۳۷۰	لفور
ملرد	۵۶	۳۵	۰۵	۵۳	۱۹۹۰	خانقاه پی
ممشی	۰۶	۳۶	۵۵	۵۲	۱۴۷۰	ولوپی
میرارکلا	۱۳	۳۹	۴۷	۵۲	۳۰۰	لفور
مومج خیل	۰۵	۳۶	۵۸	۵۲	۷۲۰	ولوپی
منگوچال	۵۵	۳۵	۴۶	۵۲	۲۹۴۰	ولوپی
منگل	۲۳	۳۶	۵۱	۵۲	۱۸۰	شیرگاه
میارکلا	۰۷	۳۶	۰۲	۵۳	۸۵۰	پل سفید
میروزان	۱۳	۳۶	۵۵	۵۲	۳۸۰	زیراب
نوآباد	۱۲	۳۶	۵۵	۵۲	۱۸۰	شیرگاه
نوآباد	۱۳	۵۶	۵۵	۵۲	۳۸۰	زیراب
نفت چال	۱۴	۳۶	۴۹	۵۲	۳۵۰	لفور
نوده	۰۶	۳۶	۰۲	۵۳	۱۱۲۰	پل سفید
نوسره	۰۷	۳۶	۰۲	۵۳	۶۵۰	پل سفید
نورز	۰۳	۳۶	۰۸	۵۳	۱۱۱۰	پل سفید
ورسک	۵۳	۳۵	۵۹	۵۲	۲۱۴۰	پل سفید
ولوکش	۱۳	۳۶	۵۹	۵۲	۶۲۰	کسلیان
واله رودبار	۰۳	۳۶	۰۴	۵۳	۸۵۰	پل سفید
ویلا	۱۵	۳۶	۰۲	۵۳	۷۱۰	کسلیان
وناردن	۰۰	۳۶	۵۷	۵۲	۲۱۳۰	ولوپی
وندچال	۵۹	۳۵	۱۰	۵۳	۱۸۸۰	ولوپی
وسیه کش	--	--	--	--	۱۹۷۰	ولوپی
وسیه سر	۵۸	۳۵	۵۹	۵۲	۱۴۰۰	پل سفید

واله	۵۸	۳۵	۴۴	۵۲	۲۲۴۰	ولوبی
وارینگنون	۵۸	۳۵	۴۵	۵۳	۲۳۰۰	ولوبی
هتکه لو	۲۱	۳۶	۵۰	۵۲	۱۶۰	شیرگاه
هلیوک	۵۲	۳۵	۴۹	۵۲	۲۸۰۰	راستوبی
هلی چال	۵۸	۳۵	۵۴	۵۲	۲۰۴۰	ولوبی
یاغکوه	۲۲	۳۶	۵۴	۵۲	۱۶۵۰	شیرگاه

توجه: اسامی روستاها بر اساس کتاب فرهنگ آبادی‌ها و مکان‌های مذهبی کشور از محمد حسین پاپلی یزدی و کتاب اسامی دهات کشور اقتباس شده است. «م»

رودهای معروف سوادکوه

آذر:

لفور شهرستان سوادکوه، فصلی، زیرابه رودخانه بابل، حوضه دریای خزر، طول ۱۲ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۶۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۲۰۰ متر، شیب متوسط ۲/۹٪، مسیر کلی شمال باختری.

رودخانه آذر از دامنه شمالی کوهی در منطقه‌های مرسی تالار و ورگ لیکا در ۲۵ کیلومتری جنوب قائمشهر سرچشمه گرفته و رو به شمال سرازیر می‌شود و پس از طی پنج کیلومتر متوجه شمال باختری گردیده و از جنوب روستای چاکسرا عبور می‌کند و ضمن مخلوط شدن با رودخانه اسکلیم در باختر روستای دیوکلان به رودخانه بابل می‌ریزد.

آریم:

خانقاه پی شهرستان سوادکوه، فصلی، زیرابه رودخانه کبیر، حوضه دریای خزر، طول ۱۲ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۲۲۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۱۲۰۰ متر، شیب متوسط ۷/۳۰٪، مسیر کلی باختری.

بزلا:

راستویی شهرستان سوادکوه، فصلی، زیرابه رودخانه تالار، حوضه دریای خزر، طول ۱۳ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۱۷۲۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۶۱۰ متر، شیب متوسط ۸/۶٪، مسیر کلی شمال باختری.

رودخانه بزلا از ارتفاعات جنوب خاوری پل سفید در ۵۸ کیلومتری جنوب خاوری قائم شهر سرچشمه گرفته و از میان جنگل رو به سوی شمال باختری

جریان می‌یابد و ضمن عبور از دره خاوری کوه غول فک، روستاهای ده‌میان - فلورد و بندلا را مشروب می‌سازد و به سوی روستای لمزرکه در دره غول فک واقع است جریان می‌یابد و در مقابل روستای شورمست به رودخانه تالار می‌ریزد.

تالار:

شهرستان سوادکوه، استان مازندران، دائمی، حوضه دریای خزر، طول ۱۴۷ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۲۵۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۲۵ متر، شیب متوسط ۱/۷٪، مسیر کلی شمال باختری، میانگین آبدهی سالانه ۲۶۰ میلیون متر مکعب (ایستگاه شیرگاه)

رودخانه تالار طی سه ریزابه اصلی از دامنه کوه‌های شاه محمد - چال میش و قدمگاه در خانقاه پی در ۷۷ کیلومتری جنوب خاوری قائم شهر سرچشمه می‌گیرد و پس از عبور از دره سرلش و دورزدن کوه‌های کرکس و اوریم بنام رودخانه کبیر از روستاهای ملارد و امامت عبور می‌کند و در سر راه با رودهای آریم و دلاور رود مخلوط می‌گردد و در دو کیلومتری شمال خاوری روستای سفیدارگله با رودخانه سرخ آباد درهم می‌آمیزد و به رودخانه تالار تغییر نام می‌دهد و وارد پل سفید می‌گردد.

در پل سفید، نخست دره باختری کوه غول فک را رو به شمال طی می‌کند و به موازات راه اتومبیل رو و خط آهن فیروزکوه - قائمشهر حرکت می‌کند و در روستای شورمست با رودخانه بزلا تلاقی کرده و از طریق دره باختری کوه الواط درهم می‌آمیزد و رو به شمال باختری بسوی پل سفید^۱ و روستاهای کردآباد، سرخ کلا، کاشی خیل، کارسالار و جوارم را سیراب می‌کند و پس از عبور از دامنه خاوری کوه ترز وارد شیرگاه می‌شود و با رودخانه کسلیان مخلوط می‌شود و رو به سوی شمال

۱. پل سفید روان می‌گردد و پس از عبور از روستای استخرسر با رودخانه چرات در دیولیم یا آزادمهر درهم می‌آمیزد و رو به شمال باختری به سوی زیراب جریان می‌یابد.

باختری از کنار روستاهای چالی - آبدنگسر می‌گذرد و پس از آمیختن با رودخانه تجون از کنار روستای کتی‌لته عبور می‌کند و با رودخانه توجی مخلوط می‌گردد و پس از باختر قائم شهر عبور می‌کند و سرانجام در سه کیلومتری شمال باختری روستای عرب خیل به دریای خزر می‌ریزد.

تجون (روشن آب):

شیرگاه شهرستان سوادکوه، فصلی، ریزابه رودخانه تالار، حوضه دریای خزر، طول ۲۲ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۷۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۱۲۰ متر، شیب متوسط ۲/۶٪، مسیر کلی باختری.

رودخانه تجون که به آن روشن آب نیز می‌گویند از دامنه کوه گرو در ۲۵ کیلومتری جنوب خاور قائمشهر سرچشمه گرفته و به سوی باختر روان می‌گردد و پس از عبور از روستای اندارکلی به سوی شمال متوجه می‌گردد و ضمن آمیختن با رودخانه توجی به رودخانه تالار می‌ریزد.

توجی:

شیرگاه شهرستان سوادکوه، فصلی، ریزابه رودخانه تالار، حوضه دریای خزر، طول ۱۲ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۲۸۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۱۲۰ متر، شیب متوسط ۱/۳۰٪، مسیر کلی باختری.

رودخانه توجی از ارتفاعات منطقه لاک سنگ در ۱۵ کیلومتری جنوب خاوری قائم شهر سرچشمه گرفته و از میان جنگل به سوی باختر روان می‌شود در سر راه از جنوب روستای برنجستانک بالا عبور می‌کند و پس از آمیختن با رودخانه تجون به رودخانه تالار می‌ریزد.

چرات:

ولوی شهرستان سوادکوه، دائمی، ریزابه رودخانه تالار، حوضه دریای خزر، طول ۴۲ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۲۶۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۴۹۰ متر، شیب متوسط ۵٪، مسیر کلی خاور شمالی.

رودخانه چرات از دامنه کوههای خوزنگ، پرچنان و خولرز در ۵۹ کیلومتری جنوب باختری قائم شهر سرچشمه گرفته و ضمن عبور از دره شمالی کوه بزمیچال روستای چرات و انتد را سیراب می‌کند در یک کیلومتری خاور شمالی روستای اخیر با ریزابه کوچکی مخلوط شده و در همان مسیر به سوی دره شمال کوه فراخ کش جریان می‌یابد در این دره نخست با ریزابه‌ای که از ارتفاعات باختری سرازیر شده و روستای سواد رودبار را مشروب ساخته مخلوط می‌شود و سپس به موازات راه اتومبیل رو سرین به خاور شمالی پیش می‌رود و در روستای لاله‌بند با رودخانه شش رودبار در معدن پاک با ریزابه کوچک کلاریجان بنام کیترو مخلوط می‌گردد و پس از آمیختن با یک ریزابه کوچک دیگر در روستای کریکلا، به رودخانه تالار می‌ریزد.

دلاور رود:

خانقاه پی شهرستان سوادکوه، فصلی، ریزابه رودخانه کبیر، حوضه دریای خزر، طول ۲/۵ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۲۱۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۱۶۰۰ متر، شیب متوسط ۱۷٪، مسیر کلی باختری.

سرخ آباد:

خانقاه پی شهرستان سوادکوه، دائمی، ریزابه رودخانه تالار، حوضه دریای خزر، طول ۴ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۱۲۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۴۸۰ متر، شیب متوسط ۴٪، مسیر کلی شمالی.

رودخانه سرخ آباد که در واقع سرچشمه اصلی رود تالار به شمار می آید از دامنه شمالی کوه اروان بیگ ۶۸ کیلومتری جنوب قائم شهر سرچشمه گرفته و از چپ دره رو به شمال خاوری سرازیر می گردد و در یک کیلومتری خاور روستای چپ دره با راه اتومبیل رو فیروزکوه - قائم شهر تلاقی کرده و به موازات خط آهن فیروزکوه - قائم شهر رو به سوی شمال خاوری روان می شود و ضمن آمیختن با یک ریزابه اصلی که از خاور گردنه کورف سرچشمه گرفته و در اسپی دره جریان یافته است روستاهای بسیاری را که در مسیر آن قرار دارند سیراب می کند و در ۲ کیلومتری شمال خاوری روستای سفیدار گله با رودخانه کبیر مخلوط می شود و به سوی پل سفید روان می گردد و در روستای شورمست با رودخانه بزلا در هم می آمیزد و پس از عبور از پل سفید در روستای کری کلا با رودخانه چرات مخلوط می شود و تماماً رودخانه تالار را تشکیل می دهند.

شش رودبار:

ولوبی شهرستان سوادکوه، دائمی، ریزابه رودخانه چرات، حوضه دریای خزر، طول ۲۱ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۲۰۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۶۵۰ متر، شیب متوسط ۶/۴۰٪، مسیر کلی شمال خاوری.

این رودخانه از دامنه خاوری کوه گلما در ۵۵ کیلومتری جنوب قائمشهر سرچشمه گرفته و رو به خاور شمال جریان می یابد نخست روستای شش رودبار را سیراب می کند و پس از عبور از دره خاوری کوه فراخ کش در شمال روستای شیرکلا به رودخانه چرات می ریزد.

کرسنگ:

نور شهرستان سوادکوه، فصلی، ریزابه رودخانه اسکلیم، حوضه دریای خزر،

طول ۱۲ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه ۲۱۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۲۴ متر، شیب متوسط ۱۵/۵٪، مسیر کلی شمالی.

این رودخانه از دامنه شمال کوهی در منطقه سنگ بن در ۴ کیلومتری جنوب باختری قائمشهر سرچشمه گرفته و از میان جنگل به سوی شمال سرازیر می‌شود و در ۲/۵ کیلومتری جنوب روستای دیوکلان به رودخانه اسکلیم می‌ریزد.

کسلیان:

کسلیان شهرستان سوادکوه، دائمی، ریزابه رودخانه تالار، حوضه دریای خزر، طول ۵ کیلومتر، ارتفاع سرچشمه، ۱۶۰۰ متر، ارتفاع ریزشگاه ۲۳۰ متر شیب متوسط ۲/۷۰٪، مسیر کلی شمال باختری، میانگین، آبدهی سالانه ۱۴۰ میلیون متر مکعب (ایستگاه شیرگاه).

رودخانه کسلیان از ارتفاعات جنوب خاوری پل سفید در ۵۸ کیلومتری جنوب خاوری قائمشهر سرچشمه گرفته و رو به شمال باختری جریان می‌یابد نخست روستاهای سنگده و درزی‌کلا را سیراب می‌کند و وارد پل سفید می‌شود و از دره میان کوههای سی‌تک در خاور و الواط در باختر عبور می‌کند و به دهستان کسلیان وارد می‌شود در این دهستان نخست روستای مته‌کلا را مشروب می‌کند و پس از عبور از روستای کچید، باد و ریزابه کوچک که از خاور می‌آیند مخلوط می‌شود و پس از عبور از روستای امیرکلا به دره خاوری شاه‌کوه وارد شده و آنرا از سوی شمال دور می‌زند و ضمن آمیختن با دو ریزابه که یکی از کوه چیلکا شمعدان سرچشمه گرفته و دیگری از دره باختری شاه‌کوه رو به شمال روان گردیده مخلوط می‌شود و در شیرگاه به رودخانه تالار می‌ریزد.

کوههای معروف سوادکوه

ارتفاع	منطقه	کوه	ارتفاع	منطقه	کوه
۱۸۷۵	راستویی	خروخرو	۱۴۰۵	لفور	آبندیان
۳۳۴۷	ولویی	خلیفه کوه	۱۹۱۱	راستویی	الوات
۳۴۸۹	ولویی	خولرز	۲۷۶۳	راستویی	اوریم
۱۱۲۰	زیراب	خردمندیچال	۳۲۷۰	خانقاه پی	اتابک
۳۱۰۰	ولویی	خواص ورزان		راستویی	کوه اسطخ
۳۰۶۹	ولویی	درستانه	۱۴۳۲	لفور	استارون
۳۳۸۵	ولویی	دیلاز	۲۸۶۵	ولویی	امامزاده حسن
۹۲۴	شیرگاه	رگلی	۲۲۳۵	ولویی	آلاشت
۲۶۴۰	خانقاه پی	زرجم	۲۷۵۰	راستویی	ارفع کوه
۱۴۵۰	زیراب	زیراب	۸۲۵	شیرگاه	برف پاچون
۱۵۶۹	کسلیان	سامان سی	۳۳۱۲	ولویی	بزمیچال
۳۲۱۰	ولویی	سلیمانکش	۳۲۴۶	ولویی	برین
۲۲۶۰	ولویی	سیاه رجه	۳۰۵۰	خانقاه پی	بورودو
۲۲۹۰	راستویی	سرخل	۳۴۱۲	ولویی	پیازمرگ
۱۹۲۰	راستویی	سولین	۱۰۶۷	لفور	ترز
۳۶۲۵	ولویی	سوادکوه	۳۳۴۸	ولویی	تلمه سنگ
۱۰۷۹	کسلیان	شاه کوه	۳۶۵۲	ولویی	تکان
۳۱۸۰	ولویی	شلفین	۹۹۲	کسلیان	جیپوست
۱۶۵۰	پل سفید	طالع	۳۵۲	شیرگاه	چاله سر
۲۹۲۲	راستویی	عباس آباد	۳۳۴۱	راستویی	چره

۳۲۳۲	ولوپی	علمدارکوه	۱۱۳۰	کسلیان	چپکاشمندان
۲۲۵۵	راستویی	غلغلوک	۱۸۰۵	کسلیان	چماز
۲۲۳۹	ولوپی	فراخکش	۲۶۴۸	راستویی	چهل چشمه
۳۴۱۱	ولوپی	منگوچال	۱۶۰۶	راستویی	گتو
۲۱۲۵	ولوپی	میورد	۲۸۵۰	ولوپی	گلماد
۱۹۰۴	راستویی	مسن	۲۹۱۱	ولوپی	گردنه سر
۲۶۵۰	خانقاه پی	ماکوچال	۶۷۵	کسلیان	گرو
۱۷۲۰	ولوپی	مرس تالار	۲۸۲۰	خانقاه پی	گلرد
۳۶۱۷	راستویی	نرو	۲۸۰۱	ولوپی	گت تول
۹۴۷	شیرگاه	ورزاک	۲۰۱۵	راستویی	لاکمر
۳۶۰۵	ولوپی	ورند	۲۶۵۰	خانقاه پی	لوردکمر
۳۰۹۷	راستویی	ورسه سر	۱۹۸۵	ولوپی	لالتا
۳۳۸۴	ولوپی	ول چره	۸۰۶	شیرگاه	لاک سنگ
			۲۴۹۲	راستویی	لیمرد

توجه: اسامی کوهها و رودها با استفاده از کتاب گیتاشناسی ایران نوشته عباس

جعفری اقتباس شده است (م).

فصل سوم:

تبرستان

www.tabarestan.info

آثار تاریخی
و بناهای مذهبی

تبرستان

www.tabarestan.info

الف) آثار تاریخی

- ۱) برج دیوکللی
- ۲) برج پیرشهریار
- ۳) برج لاجیم
- ۴) برج رسکت
- ۵) برج دیده باننی پروفسور شروین باوند
- ۶) قلعه کنگلو (کنگه لی)
- ۷) قلعه ایلال (اولاد)
- ۸) قلعه رواتسر
- ۹) قلعه چهل در
- ۱۰) قلعه حسن بورکسلیمان
- ۱۱) قلعه مازیار لفور
- ۱۲) غار اسپهبد خورشید
- ۱۳) غار دیولیم (دلیم)
- ۱۴) غار زنگیان
- ۱۵) غار کیجا کچال
- ۱۶) غار لی پشت
- ۱۷) توجی

۱- برج دیوکلی:

در راستوی سوادکوه، بر سر دوراهی سرخ آباد، کنار جاده ورسک به پل سفید، برجی قدیمی از سنگ و گچ بر سر چکاوای منفرد ساخته بودند. پروفیسور شروین باوند بر سر بنیاد اصلی، برجی هشت ضلعی به قطر ۴ متر و ارتفاعی در حدود ۳/۵ متر، با کنگره‌های مستطیل ساخته است. از سه پنجره کوچک که در این برج است سه جهت دیده بانی می‌شود. سقف آن مخرجی دارد که می‌توان به بام رفت. از طریق پله‌های سنگی که از کف جاده تعبیه شده می‌توان به مدخل برج رفت. نظیر این برج در ورسک بود که بر اثر راهسازی از بین رفت.

اطراف برج دیوکلی قبرستانی بود برای اینکه اطراف برج، زمینی صاف شود پروفیسور باوند دستور داد تاکسانی که در این قبرستان عزیزی دارند استخوانشان را ببرند عده‌ای استخوانهای مردگان خود را بردند سپس دستور صاف کردن دادند. طبق اظهار ایشان، بیشتر جمجمه‌ها سوراخ و اثر تیر در آنها بود و چند پیکان هنوز در استخوانهای دنده‌ها باقی بود. گویا در دوران تیر و کمان جنگی هولناک در این منطقه روی داده است.^۱

۲- برج پیرشهریار

در دهکده لمزر راستوی سوادکوه، بر کنار جاده دهمیان، برجی است گرد با بامی کله قندی، قطر داخلی آن ۲۳۵ سانتی متر و قطر دیوار آجری آن ۷۰ سانتی متر است. صندوق و دری داشته که به سرقت رفته است. یکی از سرشناسان محل می‌گفت این بقعه سنگی داشت که بر آن عبارت «درویش علی شهریار بن درویش محمد شهریار» حک شده بود ولی معلوم نیست دست کیست! گور مدفون در این بقعه، در دل سنگ تراشیده شده و بر سر آن تخته سنگی گذاشته‌اند و بنا، بر بالای

۱. منوچهر ستوده، از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، پیشین، ص ۴۳۰.

صخره سنگی قرار گرفته که سراسر آن از آجر و گچ ساخته شده و در اطراف بنا، پاره‌های کاشی دیده می‌شود که ظاهراً پوشش تزئینی گنبد بوده است. اطراف بقعه قبرستان است.

نویسندگان Corpus در سال ۱۳۵۰ شمسی از این مزار دیدار کردند و نام دهکده متصل به آن را «لمزر» (بفتح لام و زاء، و سکون میم و را) ضبط کردند. این هیأت، درباره مرقد پیر محمد شهریار نوشتند: «این مزار در سوادکوه ۵ مایلی پل سفید است بارگاهی که برگور درویشی ساخته شده است ظاهراً از فرنگیان کسی پیش از Marybor Kett متوجه این گور نبوده است. او در سال ۱۹۶۲ م. این محل را بازدید کرده، در آن وقت در ورودی و صندوق بقعه وضع بسیار خوبی داشتند اما به علت تاریکی درون بقعه، او نتوانسته است شرحی درباره کتیبه‌های آن بنویسد.

نویسندگان Corpus درباره راه آن می‌نویسند: راه آن به رسکت می‌رود و از آنجا دنباله راه تا لمزر ادامه پیدا می‌کند. هنگام بازدید نامبردگان، صندوق کنده کاری آن، تکه پاره و آشفته بود اما بدنه و کتیبه‌های فارسی آن برقرار بوده که عکسبرداری کردند. در بازدید بعدی که همراه Dr.Gerd Gropp بوده‌اند اثر کمی از صندوق باقی مانده و می‌نویسد از وضع فعلی آن اطلاعی نداریم.

طبق بازدیدی که دکتر منوچهر ستوده در ۱۳۶۳/۴/۲۰ از این برج انجام دادند اثری از در نمانده بود و به جای آن در آهنی گذاشتند فقط چند تکه از تخته‌های نقش دار صندوق، بیرون و داخل بقعه افتاده بود. بر طبق عکسهایی که از کتیبه صندوق گرفته شده و توسط محققان بازخوانی شده موارد ذیل به دست آمده است:

۱) ساختمان صندوقک، شکل چوبی آرامگاه و نوشته کنده کاری شده در عهد درویش صالح زاهد عابد و درویش محمد شهریار صورت گرفته و آغاز و پایان کارش بدست درویش علی خرومه زاهد (خرومه زاهد پارسای نیکو و بسیار خوب) است.

(۲) تاریخ پایان صندوقک آرامگاه، هنگام افغان و زاری در ماه محرم به روزهای سوگواری برابر با بیستم آبان ماه قدیم فارسی از سال ۸۸۰ ه. ق. بوده است.

(۳) نوشته‌ای بدخط بر روی صندوقک کنده کاری شده، پاره‌ای به شعر از دو شاعر به نام‌های شهریار و شیخ سلطان بالوکیا سلطان، و پاره‌ای به نثر است که علامه پسر قاضی پسر فائقک نوشته است.

(۴) از دو شاعر فوق، سه بیت از شهریار و دو بیت از بالوکیا به یادگار نوشته شده که به لهجه‌های محلی مازندرانی بوده است.

۳- برج لاجیم:

برج لاجیم سوادکوه یکی از برجهای تاریخی و معروف ایران در قرن پنجم ه است این برج در روستای لاجیم در حدود ۲۷ کیلومتری شرق زیراب قرار دارد که به عنوان میل راهنمای مسافران و کاروان‌ها و هم چنین مقبره اسپهبد شهریار باوندی ساخته شده است. برج لاجیم در میان اهالی روستای لاجیم و دیگر مجاوران روستا به «امامزاده عبدالله» مشهور است. در جنگل‌های سوادکوه که تاریکی و کثرت درختان مانع از درک موقعیت مسافران بود این برج در جای مناسبی بر فراز تپه زیبایی که دارای موقعیت خاص طبیعی است بنا شده و راهنمای خوبی برای آنان به شمار می‌رفت.

برج لاجیم یکی از مهم‌ترین و با ارزش‌ترین برجهای تاریخی ایران است که از جهت معماری و شیوه تزئینات، مورد توجه اکثر معماران و محققان قرار دارد. مدخل این بنای آجری در سمت شرق قرار دارد. برج با آجرهای تراشیده ساخته شده و محیط آن در پایه ۲۶/۸۰ متر و قطر فضای داخلی ۵/۴۷ متر است. این برج

۱. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، پیشین، ص ۴۳۳/۷، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، پیشین، ص

دارای دری به پهنای ۱/۱۲ متر است قسمت فوقانی بنا با ردیفی از طاقهای کوچک به شکل کنگره آذین شده است در زیر این اطاقک‌ها دو کتیبه قرار گرفته که کتیبه‌ها با آجر تراشیده شده است و به رنگ قرمز بر زمینه گچ سفید خودنمایی می‌کند.

بر اساس کتیبه‌ای که زیر پایه گنبد برج لاجیم قرار دارد این برج محل دفن یکی از اسپهبدان آل باوند طبرستان به نام کیا اسماعیل ابوالفوارس شهریار بن عباس است و تاریخ آن در سال ۴۱۳ قمری است لذا این برج در شمار ابنیه دوران آل زیار (۳۱۶ تا ۴۷۰ قمری) به حساب می‌آید برج لاجیم از سبک خاص معماری ایران بعد از اسلام محسوب می‌شود بدنه برج ساده و دارای آجر معمولی با ملاط ساروج است گنبد آن دوپوش می‌باشد بدین صورت که قسمت داخل بنا از یک سقف مدور و قسمت خارج از یک گنبد مخروطی ساده و ظریف پوشیده شده است.

مفاد کتیبه‌ای که به خط پهلوی نوشته شده هنوز کشف نشده است ولی کتیبه کوفی، به جز قسمت غربی که در اثر سایش درختان مجاور صدمه دیده، کاملاً سالم مانده و به خوبی می‌توان نام و القاب کسی که مقبره برای او ساخته شده را خواند گرچه نام شخصی را که امر به بنای این برج کرده را نمی‌دانیم ولی تاریخ و نام سازنده بنا به کمک آنچه باقی مانده است تقریباً چنین بازسازی شده است:

بسم الله الرحمن الرحيم هذا قبر القیم الکيا الجليل ابوالفوارس شهریار بن مولی امیرالمؤمنین رحمة الله امر ببنائه... فی سنة ثلاث عشر و اربعمائه (۴۱۳) عمل الحسن بن علی، «بنام خداوند بخشنده مهربان، این گور پادشاه کیا اسماعیل، ابوالفوارس شهریار پسر عباس، پسر شهریار چاکر خلیفه است خدایش بیامرزد، فرمان ساختمان را... در سال ۳۱۳ داد و حسن پسر علی آن را ساخت» بنابراین برج لاجیم دقیقاً با برج زادگان غربی (که در کردکوی قرار دارد) هم زمان است که ساختمان آن در ۴۰۷ قمری آغاز و در سال ۴۱۱ قمری به پایان رسیده است.

این برج متعلق به دوره‌ای است که حد فاصل میان سقوط اولین سلسله و ظهور

دومین سلسله سلاطین باوندی قرار دارد. طی این دوره که ۷۰۰ سال به طول انجامید (۳۹۹-۴۶۶) قابوس بن وشمگیر و جانشینانش (از دودمان آل زیار) بر این خطه حکم می‌راندند ولی آنها فقط بر دشت حاکم بودند و باوندیها در کوهستان پناه گرفته و در صدد بازگشت به قدرت بودند این بنا در سال ۱۳۳۸ شمسی توسط انجمن آثار ملی مرمت گردید و به شماره ۱۸۵ به ثبت تاریخی رسیده است و اکنون زیارتگاه اهالی لاجیم و سایر روستائیان منطقه است. تبرستان

۴- برج رسکت:

در محله دودانگه و نزدیک ده رسکت، برج بسیار زیبایی واقع است که از بناهای اوایل قرن ۵ قمری است این برج از آجر ساخته شده و گرد با سقفی مخروطی است که قطر قسمت داخلی ۴/۷۵ متر است لبه برج با ردیف مضاعفی از مقرنسهای آجری مزین به نقوش گچبری است در پایان این مقرنسه‌ها کتیبه‌ای باشکوه به خط کوفی گچبری شده که دو سوم آن از میان رفته است حروف کتیبه به رنگ سفید بر زمینه آبی کبود جلوه‌گری می‌کند مفاد کتیبه چنین است: «بسم الله الرحمن الرحيم قل هو الله احد، الله الصمد، لم یلد و لم یولد، و لم یکن له کفوا احد بسم الله الرحمن الرحيم کل نفس ذائقة الموت»

سر در ورودی کتیبه دیگری که آن هم از گچ ساخته شده و بسیار آسیب دیده به چشم می‌خورد این کتیبه شامل چهار سطر است که سه سطر اول و نیمی از سطر چهارم به خط کوفی و نیم دیگر سطر چهارم به خط پهلوی است و نشان می‌دهد که

۱. از آستارا تا استرآباد، ج ۴، پیشین، ص ۴۶۱-۳۹۷، عبدالحسین سعیدیان، شناخت شهرهای ایران، ص ۶۲۷، فرهنگ تاریخی و جغرافیایی شهرستانهای ایران، پیشین، ص ۳۰۹، عبدالحسین سعیدیان، سرزمین و مردم ایران، ص ۲۳۶، دائرة المعارف بناهای تاریخی، ص ۳۹۲، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، پیشین، ص ۸۴، مازندران، عباس شایان، ص ۳۱۰، فهرست بناها و اماکن باستانی ایران، ص ۱۴۰، تاریخ هزار ساله اسلام در نواحی شمالی ایران، محمد مهدوی و شجاع شفیعی، ص ۴۰۶.

سازندگان این برج پس از چهار قرن هنوز به عالم قبل از اسلام می‌اندیشیدند. متنی که به خط کوفی نوشته شده توسط خطی عمودی به دو بخش تقسیم شده که یکی آیات قرآنی و دیگری مطالب تاریخی است. خط عمودی دیگری نوشته‌های کوفی را از متن پهلوی جدا ساخته است. مفاد اولین بخش از کتیبه که به خط کوفی است احتمالاً چنین است: لا اله الا الله ملخصاً محمداً رسول الله صادقاً این جملات نشانه ایمان به اسلام است که به آن کلمات مخلصاً و صادقاً اضافه شده است.

مفاد بخش تاریخی این طور آغاز می‌شود «هذه البقعه لهرمزد» در خصوص تاریخ احداث بنا به نظر می‌رسد که در انتهای متن کوفی آخرین حروف کلمه مائه (صد) خوانده می‌شود ولی چیز دیگری از تاریخ باقی نمانده است با این همه اگر در مورد نام ماه که خیلی صدمه دیده ولی ظاهراً شوال خوانده می‌شود یقین حاصل کنیم با توجه به فاصله کمی که میان کلمه شوال و مائه باقی می‌ماند می‌توان گفت که تاریخ سال دقیقاً اربعمائه (۴۰۰) است در واقع از نظر قرائن فنی و شکل مدور بنا، این تاریخ نمی‌تواند ۳۰۰ یا ۵۰۰ باشد.

می‌توان گفت برج رسکت با توجه به نوع معماری و اینکه با برجهای زادگان غربی - که در حوالی کردکوی قرار دارد - و برج لاجیم در یک منطقه واقع شده، با آنها هم عصر است و به همراه آنها تشکیل گروه بناهای غیر قابل تفکیکی را می‌دهد که اگرچه اسلامی هستند ولی با کتیبه‌هایی به زبان پهلوی آذین شده‌اند. این برج بدون شک نظیر آن دو برج دیگر، آرامگاه یکی از امیران خاندان باوند است امیرانی که توسط قابوس بن وشمگیر به کوهستان رانده شده و میان سالهای ۳۹۷ و ۴۶۶ در این منطقه می‌زیسته‌اند. برج رسکت بعدها سرمشقی برای آرامگاه‌هایی که در گیلان و مازندران ساخته می‌شد گشته است.

هیأت Corpus در سال ۱۳۵۰ ش. ۱۹۶۷ م. از این برج بازدید کرده و درباره آن نوشتند: «این برج در ۱۶ کیلومتری پل سفید است» از فرنگیان اولین بار «آندره گدار»

آن را مورد بررسی قرار داد. مشکلاتی درباره میل رسکت می نویسد: «بنای برج رسکت از ابنیه آغاز قرن پنجم ه ق به شمار می رود این برج مدور آجری که دارای گنبدی شلمجی شکل است شامل تزئینات مقرنسکاری و دورشته کتیبه آجری به خط پهلوی و کوفی نیز می باشد. این برج را مدفن یکی از شهرباران آل باوند می دانند. بدنه مدور برج که از زیر کتیبه کوفی شروع و به قاعده بنا ختم می شود صاف و هموار و در نهایت سادگی ساخته شده است»^۱

مدخل برج در طرف مشرق واقع شده، دو حاشیه و دو فوسی آجری در بالای آن دیده می شود در درون قوس دومی سردر، سه ردیف قطار آجری می باشد. برج رسکت در دوران آل باوند (۴۶۶ تا ۶۰۴ ه ق) بنا شده است و ثبت تاریخی این برج ۱۹۳ می باشد.^۱

۵- برج دیده بانی پروفسور شروین باوند:

این برج در ابتدای جاده منتهی به روستای وسیه سر و در کنار رودخانه کوچکی قرار دارد. این بنا بر روی صخره‌ای منفرد با پلان هشت ضلعی ساخته شده است. طول هر یک از اضلاع آن ۱/۵۰ متر است. بر روی برج کنگره‌هایی دیده می شود. در ورودی آن در جهت شمال و پنجره‌هایی جهت دیده بانی در جهات شرق، جنوب و غرب قرار دارد مصالح آن در قسمت پایه، سنگ و ساروج و در قسمت بدنه سنگ و سیمان است.

این برج متعلق به اواخر دوره ساسانی است ولی در دوره اسلامی به خصوص دوران زمامداری باوندیان بارها مورد مرمت و استفاده قرار گرفته است این بنا، در

۱. از آستارا تا آستارا آباد، ج ۵، ص ۷ - ۷۷۴، دائرة المعارف بناهای ایران، ص ۳۸۱، کلیات جغرافیای طبیعی و تاریخی ایران، عزیزالله بیات، ص، شناخت شهرهای ایران، عبدالحسین سعیدیان، ص ۶۲۷، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، حسن زنده دل ص ۸۴، مازندران، عباس شایان، ص ۳۰۷، سرزمین مردم ایران، عبدالحسین سعیدیان ص ۲۳۶، فهرست بناها و اماکن باستانی ایران، ص ۱۳۹.

زلزله سال ۱۳۳۶ سوادکوه آسیب فراوانی دیده ولی در این سال به کوشش پروفیسور شروین باوند دوباره مرمت شده و از همین رو در محل به این نام معروف است.^۱

۶- قلعه کنگلو (کنگه لی):

این قلعه به فاصله بیست کیلومتری در جنوب شرقی دو آب سوادکوه در نزدیکی روستای کنگلو واقعست که ارتفاع این محل از سطح ایستگاه راه آهن دو آب ۱۱۸۴ متر است. قلعه‌ای است قدیمی از سنگ و گچ که قسمت اعظم آن باگذشت زمان و عوامل جوی از بین رفته است. قلعه کنگلو بر سر کوهی منفرد، بر لب آب «اوریم تنگه» و دست راست آب قرار دارد بر سر این کوه کله قندی پرشیب، دو بازو و باروی بلند است که با زاویه‌ای گشاده، دستها را باز کرده تا واردین را در آغوش بگیرد و مانع دخول آنها به ارگ قلعه شود. در آخر این دو بازو دو برج توپر برای پایداری و استواری بارو ساخته‌اند این دو بازو از دو برج طرفین به برجی مدور و وسیع منتهی می‌شوند که ارگ اصلی قلعه است و مدخلی نسبتاً کوچک در پایین آن است.

فضای داخلی این قلعه با توجه به بقایای آن، مدور و در دو طبقه ساخته که قسمت عمده آن از بین رفته و در حال ویرانیست. عمده مصالحی که در ساختمان قلعه به کار گرفته شده، سنگ لاشه با ملاط آهک و سنگریزه می‌باشد طرح و نقشه این قلعه جالب و منحصر به فرد است و نظیر آن در دیگر مناطق مازندران کمتر دیده شده است. قلعه کنگلو، سپری در مقابل حملات و یورشهای ناگهانی دشمن بود که جنبه تدافعی آن بر سایر جنبه‌ها ارجحیت داشت. این قلعه به دوره اسلامی مربوط است و تاریخ دقیق بنای آن به خاطر عدم دسترسی به شواهد و مدارک مستند، مشخص نیست.^۲

۱. راهنمای آثار تاریخی، فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، پیشین، ص ۱۱.

۲. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۳-۴۷۲، مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی ص ۸۲.

۷- قلعه ایلال (اولاد):

(الف) قلعه ایلال اولاد (از دوران سلطان سنجر)

در اختلافی که میان شاه غازی و برادرش تاج الملوک مرداویج پیدا شد سلطان سنجر به امراء دستور داد تا مازندران میان شاه غازی و تاج الملوک تقسیم شود. برای این کار امیر قشتم با ده هزار مرد مأمور روانه مازندران شد تا شاه غازی را برای مرگ پدر تعزیت گوید و صلح او را با برادرش به میان گذارد پس از رسیدن تاج الملوک و امیر قشتم با سربازان ترک به تمیسه، مردم این نقاط از پیر و جوان به استقبال او رفتند و به هواداری او برخاستند.

چون فرستاده سنجر پیغام سلطان سنجر را به شاه غازی رسانید شاه غازی در جواب گفت: اگر مرداویج برادر من بود می باید توقع نعمت از من داشته باشد و به من خدمت کند چون به خدمت سلطان سنجر پرداخته باید توقع نعمت هم از او داشته باشد. فرستاده سنجر به تمیسه بازگشت و سخن شاه غازی را به امیر قشتم رسانید. تاج الملوک و امیر قشتم چون دیدند کار با ملایمت پیش نمی رود از استاندار و مرزبان لارجان مرد (نیرو) و مدد خواستند ایشان نیز به جان و دل به یاری تاج الملوک و امیر قشتم آمدند.

خبر به شاه غازی رسید خود به ساری و از آنجا به بهنمیر و قصبه بازرگان رفت و در آنجا نیز نماند و به قریه دونکا آمد ابوالفضل دابو را گفت برای مصلحت ترک را ببیند (مقصود امیر قشتم سردار سلطان سنجر بود) ابوالفضل رستم به راه افتاد و شاه غازی از آنجا به مرزبان آباد آمد و خود را به قلعه دارا رساند استاندار و مرزبان لارجان با تاج الملوک به پای قلعه دارا آمدند و قلعه را به محاصره در آوردند و اسپهبد رستم سپهسالار آمل را لشکر دادند. و به پای قلعه سوادکوه فرستادند چون به پای قلعه رسید اهل قلعه تسلیم شدند و سوادکوه به تصرف اسپهبد رستم درآمد. در این وقت علاءالدوله حسن (پسر غازی) به خواهرش در قلعه ایلال بود امیر

قشتم با قسمتی از لشکریانش به پای قلعه ایلال رفت. علاءالدوله حسن چون از امیر قشتم و لشکر خبردار شد خواهر را در قلعه ایلال گذاشت و خود از قلعه بیرون آمد و به طرف ساری رفت. امیر قشتم قلعه ایلال را تسخیر و خواهر علاءالدوله را دستگیر کرد و تاج الملوک کس فرستاد و آن دختر را از امیر قشتم گرفته، نزد خود برد.

اسپهبد شاه غازی، پسر تاج الدین تورانشاه این نزدستان قلعه چناشک را به گروگان می داشت از بیرون قلعه گفتند که ماده بگیرید و نر دهید (دختر شاه غازی را بگیرید و پسر تورانشاه را بدهید). پسر تورانشاه را گردن زدند و سر او را به پایین انداختند لشکریان با دیدن سر او بیشتر از جای شدند و به خرابی پرداختند ولی کاری از پیش نبردند و تاج الملوک هم از این کار فایده‌ای نبرد و مردم هم رو به شاه غازی آوردند و شاه غازی دوباره بر سراسر مازندران مسلط شد.^۱

ب) قلعه ایلال - اولاد (در دوران مغول)

در سال ۶۱۷ که سلطان محمد خوارزمشاه از جلوی قشون مغول فرار می کرد، عیال و تمام خزینه و دفینه اش را به قلعه ایلال (اولاد) که در سوادکوه است فرستاد و خود در قلعه جزیره آبسکون متحصن شد و بعد از دو سال تحصن در همان جا مرد و خزاین و دفاین او را به واسطه حصانت قلعه اولاد، مغولان نتوانستند تصرف کنند.^۲

در سال ۹۲۳ به شاه اسماعیل رساندند که آقا محمد روز افزون سر از رقبه اطاعت برتافته است لذا حکم شد دورمیشخان شاملو با فوجی از دلاوران روانه مازندران شد. دورمیشخان با لشکر متوجه آنجا شد آقا محمد اطلاع پیدا کرد و قلعه

۱. التدوین فی احوال جبال شروین، محمدحسن خان اعتماد السلطنه، ص ۶۷.

۲. تاریخ مازندران، ملا شیخ علی، ص ۶۰، احسن التواریخ، وقایع سال ۹۲۳، به نقل از التدوین صص

اولاد و کلین را مضبوط ساخت. لشکریان دورمیشخان در پانزدهم ذیحجه ۹۲۳ هـ قلعه کلین را محاصره کردند و پس از سه روز فتح کردند آن گاه دورمیشخان با سپاهیان به قلعه ایلال روانه شد. قاضی جهان به امر خان به قلعه رفت و با عهد و پیمان آقامحمد را از قلعه بیرون آوردند.

دورمیشخان پس از فتح قلعه اولاد به ساری روی آورد امیر عبدالکریم (والی ساری - پسرش - سلطان محمد) را با دو هزار تومان تنبیزی نزد خان فرستاد در همین وقت سید حسن هزار جریبی و حکمران رستم‌دار ملک کاووس و ملک بهمن با پیشکش فراوان به اردوی خان آمد و پس از اظهار عبودیت بازگشتند^۱ میر عبدالله خان بن میر سلطان محمود بن میر عبدالکریم از سادات مرعشی مازندران به دستور شاه طهماسب اول، والی سوادکوه و دشت (ساری، آمل و بابل) شد. چون بی اندازه سفاک بود به زودی عزل و پسر عمش میرزا سلطان مرادخان به جایش نصب شد. میر عبدالله به قزوین آمد و مبلغی از بقایای سنوات ماضیه را متقبل شد علیخان بیگ تکلو را شاه طهماسب مأمور کرد که با او رفته و وصول بقایا نماید بر اثر سختگیری علیخان، میر عبدالله خان توهم زده، فرار کرد. اما گرفتار شد و در قلعه اولاد سوادکوه او را حبس کردند. اربابان مازندران به قلعه اولاد ریخته، میر عبدالله را به قصاص یکی از خویشان که او کشته بود کشتند. و دوباره میر سلطان مرادخان سلطان مازندران شد.^۲

پس از میر عبدالله خان و میر سلطان مرادخان، در دوران سلطان محمد خدا بنده هرج و مرج در مازندران حکمفرما شد و در هر سری سودایی پدید آمد تا سرانجام قلعه اولاد و نصف مازندران را آقا الوند دیو و نصف دیگر را سید مظفر مرتضایی که

۱. تاریخ مازندران، ملا شیخ علی گیلانی، ص ۵۰، به نقل از التودین فی احوال جبال شروین، ص ۱۲۶.

۲. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۴۲۱.

از امرای مازندران بودند به تصرف در آوردند.^۱ البته درباره قلعه اولاد ناصرالدین شاه در سفرنامه خویش اشاراتی داشته است و نیز اسکندر بیگ منشی در کتاب خودش در فتح و تسخیر قلعه اولاد مازندران در سال ۱۰۰۶ ق. اشاره و آن را از قلاع مشهوره جهان به شمار آورده است. آقای پروفیسور شروین باوند گفته که در حدود هفتاد سال پیش شاهد حفاری درویشان قلابی در این قلعه بوده‌اند و کاسه‌های نقشدار زیادی بیرون آمده است.^۲

۸ - قلعه رواتسر:

این قلعه در نقطه مهم و محل تلاقی جاده خطیر کوه (مسیر سمنان به طبرستان) با جاده فیروزکوه (جاده ری باستان به تبرستان) و مشرف بر روستای رواتسر احداث شده و مساحت داخل قلعه در حدود ۵۰۰ متر مربع، با مصالح سنگ و ساروج ساخته شده است.

پلان آن بر اساس کوهی که قلعه بر روی آن ساخته شده شکل گرفته است و به صورت یک چهار ضلعی نامنظم است. ضلع جنوبی آن ۲۴، ضلع غربی آن ۱۵، ضلع شمالی آن ۳۶ و ضلع شرقی آن ۱۲ متر می‌باشد.

در حال حاضر ۴/۵۰ متر از دیوارهای قلعه باقی مانده است. ورودی‌های آن راهرو مانند است که در پایان به یک اتاق چهارگوش کوچک منتهی می‌شود. داخل قلعه نیز با وجود حجم انبوه آوار، اتاقها و برجهای دیده بانی آن که پنج عدد می‌باشد قابل تشخیص است. این بنا شاید از اواخر دوران ساسانی تا قرن ۶ و ۷ ه ق به عنوان یک قلعه راهبانی به کار می‌رفته است.^۳

۱. تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۲. تاریخ عالم آرای عباسی، ج ۱، ص ۲۴۲.

۳. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۶.

۹- قلعه چهل در:

این بنا نزدیک روستای ورسک و مشرف بر پل ورسک است. قلعه بالای کوهی بلند که از سه جهت به پرتگاهی عمیق منتهی می شود قرار گرفته است. پلان قلعه مستطیل شکل به طول ۴۵۰ متر و عرض ۱۱۰ متر است. مصالح به کار رفته در این بنا لاشه سنگ و ملاط ساروج است.

با توجه به پراکندگی آجر در داخل قلعه احتمالاً در گذشته دارای تأسیسات آجری نیز بوده است. ارگ قلعه به مساحت ۱۰۰ متر مربع است، ورودی قلعه در جهت جنوبی است، آثار تیرهای چوبی بر روی دیوارهای قلعه بیانگر چند طبقه بودن قسمتهایی از آنست.

در داخل دیوارهای جنوبی مزغل (تیرکش) دیده می شود و در فواصل معین برجهای مدور سنگی ساخته شده که موجب استحکام و صلابت قلعه است. این قلعه مانند بسیاری از قلاع منطقه متعلق به خاندان باوند بوده است. با توجه به سفالهای موجود در سطح قلعه می توان گفت که این بنا از اواخر دوره ساسانی تا قرن ۶ و ۷ هـ مورد استفاده بوده است.^۱

۱۰- قلعه حسن بور (کسلیان)

این قلعه با ارتفاع ۸۵۰ متر از سطح دریای آزاد، در عمق جنگل های حسن بور و بر روی کوهی مخروطی شکل و پوشیده از درخت قرار دارد این اسفندیار در تاریخ طبرستان و سید ظهیرالدین مرعشی در تاریخ طبرستان و رویان و مازندران از این قلعه نام بردند.

بنای قلعه به شکل شش ضلعی نامنظم است. پلان آن بر اساس کوهی که قلعه بر روی آن ساخته شده شکل گرفته است. طول اضلاع آن متفاوت و بین ۱۵ تا ۲۳/۵

۱. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۱۰.

متر و مساحت داخل قلعه نیز ۱۰۰۰ متر مربع است. قطر قسمتهایی از دیوار آن ۸ متر می باشد که دو متر جهت بیرون آن با قلوه سنگ و ساروج و مابقی با آجرهای ۸×۳۷×۳۷ سانتی متر ساخته شده است. ورودی قلعه در ضلع جنوب بوده و دارای دو هشتی مربع شکل است که به وسیله یک راهرو به یکدیگر متصل می شوند. در وسط قلعه نیز یک آب انبار دیده می شود. بنا دارای هفت برج است که پنج برج مدور و دو برج دو طرف ورودی قلعه چهار ضلعی است. این بنا از اواخر دوره ساسانی تا قرون ۵ و ۶ ه مورد توجه بوده است.^۱

۱۱- قلعه روحین - کوزا و کسلیان

ظاهراً این سه قلعه در دره کسلیان یا در مراکز نزدیک به این دره بوده اند چون این سه قلعه مدتی به پادشاه ابو جعفر سپرده شده بود. بهرام بن شهریار پس از شکست از برادرش - علاء الدین علی بن شهریار (۱۱۵ تا ۵۳۴) به قلعه کسلیان پناه برد خبر به اسپهبد علاء الدوله علی بن شهریار آوردند که فرامرز - برادرزاده اش - با عمویش بهرام ساخته است علاء الدوله علی به پایان قلعه کسلیان شد و منجنیق ها راست فرمود و دو ماه آنجا نشسته بود برادر بهرام زینهار خواست و امان طلبید شیریم کوب را که اهل سنور هزار جریب به توتوالی قلعه فرستاد و بر این عهد و قرار از پایان قلعه دور شد هنوز قلعه کسلیان از آن اسپهبد بهرام بود. ظاهراً اسپهبد علاء الدوله علی میل داشت که خود بر قلعه کسلیان حاکم باشد و اسپهبد بهرام بن شهریار سرفروود نهی آورد هر دو مجبور شدند به دربار سلطان محمود بن محمد بن ملکشاه (۵۱۱ تا ۵۲۵) به ری روند. اسپهبد علاء الدوله علی دعوی داربن سهراب را که مردی پیر و

مقبول القول بود یش بهرام و فرامرز فرستاد که دست از خودسری بردارد و به درگاه سلطان محمود نروند و به خانه بنشینند چون به درگاه سلطان محمود کسی حرمت شما را ندارد ایشان نشنودند و رفتند و با علاءالدوله علی به درگاه سلطان محمود رسیدند سلطان علاءالدوله علی را بسیار احترام کرد و به بهرام و فرامرز دستور داد تا اطاعت از او کنند بهرام مجبور شد قلعه کسلیان برای علاءالدوله علی سپرد پس از سپردن قلعه کسلیان به رودبار کارمزد رفته و از آنجا به دماوند افتادند.

محل قلعه کوزا زیاد و روشن نیست در یک مورد در تاریخ تبرستان می نویسد: از راه هی و سرچ رجه به پایان فسیل کوزا رسیدند این راه امروزه شناخته شده نیست در جای دیگر می نویسد تا لفور در پریم دهی است به پایان قلعه کوزا اگر این سخن درست باشد باید به دنبال قلعه کوزا به پریم دودانگه برویم برای اطلاعات بیشتر درباره این قلعه به تاریخ تبرستان جلد ۲ صفحات ۳۶ - ۵۰ - ۱۴۴ - ۱۴۵ - ۱۶۷ - ۱۷۲ نگاه کنید.^۱

۱۲ - قلعه مازیار لفور:

این قلعه بزرگ در نزدیکی روستای لفورک و بر روی کوهی پوشیده از درخت قرار گرفته است. پلان آن بر اساس کوهی که قلعه بر روی آن ساخته شده، شکل گرفته است. طول قلعه حدود ۳۰۰ متر و عرض آن ۵۰ متر و مساحت داخل قلعه نیز حدود ۱۰۰۰ متر مربع است.

دیوارهای قلعه به قطر ۴ متر و مصالح به کار رفته در آن، عمدتاً از قلوه سنگ و ساروج و در بعضی قسمت‌های داخل بنا آجرهایی با قالب بزرگ و ملاط ساروج

است. ورودی قلعه در ضلع جنوبی بنا و به عرض ۳ متر می‌باشد. درون قلعه حمامی کوچک با کاشی‌های آبی فیروزه‌ای و تن پوشه‌هایی برای انتقال آب چشمه کوچک داخل قلعه به حمام و خروج فاضلاب آن به چشم می‌خورد. این قلعه از اوایل دوران اسلامی تا قرن ۶ و ۷ هجری، مسکونی بوده است.^۱

۱۳ - غار اسپهبد خورشید:

موقعیت جغرافیایی و نظامی غار اسپهبد خورشید، در حد فاصل دو ایستگاه راه آهن پل سفید و سرخ آباد، ناحیه‌ای به نام دو آب (پیوند دو رودخانه سولا و عباس آباد) وجود دارد. این ناحیه از لحاظ طبیعی به نحوی است که دو قسمت مازندران را از هم جدا می‌کند. وقتی از پایین به غار نگاه کنیم ساختمان اتاق به نظر می‌آید که گویا آخرین و مرتفع‌ترین بنای موجود در غار است اما هنگامی که خودمان را به این ساختمان برسانیم چند اتاق بدون سقف، مقدار زیادی پلکان فرو ریخته و بالاخره بالاتر از همه و چسبیده به دیوار غار، اتاق بدون سقفی که در حکم شاه نشینی می‌باشد نظرها را به خود جلب می‌نماید.

از داخل این اتاق کلیه فعل و انفعالات که در تنگه و دره انجام می‌شود قابل مشاهده است. غار اسپهبد خورشید پر از مجهولات است و به طور قطع مجهولات آن به مراتب از معلوماتش زیادتر و ارزنده‌تر است. دهانه طاق به پهنای ۸۵ متر و بلندی آن نیز در همین حدود است و یکی از عظیم‌ترین طاقهای طبیعی دنیا شمرده می‌شود طاق مزبور در زبان محلی به نام «لاپ کمر» معروف است (لاپ به معنای شکاف و بریدگی و چیزی که از هم باز شده، می‌باشد). چنگیز شیخعلی درباره غار اسپهبد خورشید در انتهای مقاله خود چنین می‌نگارد: غار به صورت تالار ساده و تقریباً به شکل دایره است درازای آن ۱۹/۷۵ و پهنای آن ۱۴/۳۵ متر و بلندی آن

۱. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، پیشین، ص ۹۲.

تخمینی ۱۵ متر است جنس سنگ آن از نوع سنگهای املاح دار رسوبی رنگین و بسیار خرد و ریزشی است و به مرور زمان ریزش کرده و اینک قشر ضخیمی از خاک و شن، آثار ساختمانهای داخل غار را زیر خود پوشانده است و در بعضی نقاط، شدت ریزش چندان بوده که تپه‌های به ارتفاع ۲ متر به وجود آورده است.

جلوی دهانه غار با دیوار سنگ و ساروجی ضخیم به ارتفاع ۱۱ متر از پایین چیده شده و تا جلوی مدخل غار بالا آمده است قسمت فوقانی آن فرو ریخته و مسلماً چند متری بالاتر از امروز بوده است دیوار مزبور به منزله پایه یا پیشبند غار بوده است و با بالا آوردن آن شکاف طولانی زیر دهانه را پر کرده، فراز آن را مسطح کرده و ساختمان نموده‌اند. از جلوی مدخل غار راهروی باریکی شروع می‌شده و به آخر تالار امتداد داشته و در دو طرف آن اتاق‌های متعدد قرار داشته، دو اتاق بزرگ در دست راست و چند اتاق کوچک در جانب چپ و در قسمت انتهایی نیز بناهایی بوده که استفاده‌های گوناگون از آنها می‌شده ولی امروزه به طور تحقیق بر ما معلوم نیست که وضع آنها چطور بوده است. اتاق‌ها سقف داشته و با درختان قطور جنگلی تیرکشی شده است تیری به درازای ۳/۵ متر و به قطر ۸۰ سانتی متر در گوشه یکی از اتاق‌ها افتاده است که خود دلیل گویایی بر اثبات این مدعاست. جالب‌ترین بخش غار بناهای قسمت چپ راهرو است که نسبتاً سالم مانده و با دقت در آنها می‌توان به وضع معماری این دژ قدیمی پی برد. در کنار دهانه راهروی پلکانی است که پس از خاکبرداری آن به یکی از شاهکارهای غار برخورداریم. این راهرو به عرض ۱/۱۵ و دارای ۷ پلکان کوتاه به ارتفاع ۲۷ سانتی متر است و پله ششم پاگرد و از آنجا با گردش به چپ، داخل بناهای فوقانی می‌شده‌اند. این قسمت با دیواری ساروجی که مانند «بتن آرمه» قالب‌گیری شده، ساخته شده و در لب پرتگاه قرار گرفته است. در کنار راهرو طاق هلالی درگاه اتاقی است که برجا مانده و نمونه خوبی از سبک معماری دژ می‌باشد طاق مزبور به عرض ۱۸۰ سانتی متر

است که اکنون ۹۰ سانتی متر آن باز و مابقی در زیر آوار مدفون است. پیکره بنا سنگ و ساروج است که روی آن با گچ، ظریف کاری شده و بیشتر بنا قالب‌گیری است. بنای این دژ مسلماً در دوران فراغت صورت گرفته و دقت و هزینه و کارگر زیادی صرف بنا شده است. بنای این دژ متعلق به پیش از اسلام و اواخر دوران ساسانی است و حفاریات علمی و اساسی این نکته را روشن می‌کند. این غار در متون تاریخی که به نام «طاق و عایشه گرگیلی دژ» نیز آمده، یکی از پایگاه‌های استراتژیک منطقه بود و در صدر اسلام زمان شورش مردم طبرستان و قیام «ونداد هرمز» مأمون او بود. در تمام ادوار، اسپهبدان طبرستان از این جایگاه مستحکم استفاده کردند.^۱

۱۴ - غار دیولیم (دلیم)

در دو راهی آزادمهر منطقه ولوپی، غاری در روبروی روستای کریکلا تعبیه شده که حدود ۴۰ کیلومتر طول و ۱/۵۰ متر پهنا دارد. اعتقاد عوام بر اینست که محبس کیکاووس در دیولیم بوده است.^۲ برخی معتقدند این غار چند خروجی دارد که یک راه آن را اطراف فیروزکوه عنوان می‌کنند البته این غار به دلیل اینکه از اول انقلاب زیر مقر سپاه پاسداران واقع شده توسط هیچ کسی مورد بازدید قرار نگرفت که بازدید از این غار و جستجو پیرامون عظمت آن خالی از لطف نیست.

۱۵ - غار زنگیان:

بر بالای صخره‌های عظیم واقع در پایین روستای زنگیان، از روستاهای ولوپی

۱. سیمای میراث فرهنگی مازندران، شهربانو وفایی، اداره کل آموزش، انتشارات و تولیدات فرهنگی، ص

۱۸۶.

۲. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۳۹۴.

سوادکوه، غاری طبیعی حفر شده که هیچ گونه دستکاری در آن نشده است. از ساکنان دهکده زنگیان و اراتین که داخل این غار رفتند می‌گفتند این غار در حدود یک کیلومتر درازا دارد به علت ریزش آب‌های آهکدار از سقف آن استلاکمیت (چکیده به تمام غار سنگهایی که در کف غارها و بر اثر فرایند غار، سنگ سازی بوجود می‌آید^۱) و استلاکتیت (چکیده به تمام غار سنگهایی که بر اثر چکیدن آب در سقف غار پدید می‌آید^۲) زیاد در آن دیده می‌شود^۳.

این غار در حدود سال ۱۳۵۰ توسط عده‌ای از کارشناسان و اهالی محل بازدید شده ولی به عللی نیمه‌کاره رها شده و تاکنون کاری در آن انجام نشده که قابل توجه میراث فرهنگی، مورخین و اساتید دانشگاهها و دانشجویان می‌باشد.

وقتی مسافران از مسیر جاده به نزدیکی تنگه می‌رسند دهانه این غار از دور نمایان است. برخی معتقدند که گبرها در درون این غار زندگی می‌کردند شاهد این گفتار وجود تخته سنگهای بزرگ و قنات آبی است که از مسیرهای دور به طرف غار کشیده شده و قبرهای گبری که در آنجا نمایان است.

۱۶- غار کیجا کچال:

در دل جنگل‌های انبوه و ارتفاعات، و در بالای رشته کوه سنگی شرق اینستگاه دو آب سوادکوه دهانه غاری از دور نمایان است که به نام «کیجا کچال» معروف است. در زبان محلی کیجا به معنای دختر و کچال به معنای دستگاه چوبین بافندگی است شاید سرچشمه این نام از داستانی باشد که درباره این غار بر سر زبان اهالی جاری است. غار در بدنه یک دیواره ۶۰ متری در فاصله ۲۴ متری از سطح زمین

۱. غارهای ایران، مصطفی سلامی، ص ۱۱.

۲. همان، ص ۱۰.

۳. از آستارا تا آستار آباد، پیشین، ج ۴، ص ۴۵۶.

واقع است دهانه غار به عرض ۶ و به ارتفاع ۴ متر است و چشم انداز بسیار زیبا و دل انگیزی در برابر آن گسترده شده است عمق غار چندان زیاد نیست و با وجود کوچکی و سادگی، دارای شکل و وضع دلپسندی است. تمام غار عبارت از یک تالار ساده بیضی به طول ۱۲ و عرض ۱۰ متر است طاق آن گنبدی است و در اکثر ارتفاع آن تا سطح فعلی ۷۰ متر است (برخی منابع ۷ متر نوشته اند) با ساختن دو اتاق بزرگ در کنار هم، تمام سطح غار گرفته شده و به جز این دو اتاق، بنای دیگری در آن نبوده است.

بنای شمالی یا اتاق بزرگ به طول ۶ متر و عرض ۴/۷۵ متر و جهت آن شمالی - جنوبی است و بنای جنوبی یا اتاق کوچک به درازای ۷/۵۰ و پهنای ۴/۱۰ متر و در جهت شرقی - غربی است. میان این دو اتاق دیواری است که آن دو را از هم جدا می کند. راه ورودی از ایوان جلوی غار بوده و هر یک دارای مدخلی جداگانه است. دیوار اتاق ها جز قسمتی از دیوار اتاق جنوبی که باریک تر است به پهنای ۶۵ سانتی متر است و برای جلوگیری از نفوذ رطوبت به داخل بنا، گرداگرد تالار وصل به بدنه غار، دیوار کشی شده تا علاوه بر آن، تیرهای سقف بر آنها استوار شود.

امروزه جز قسمتی از دیوارها که شالوده بنا را معین می سازد چیزی باقی نمانده و سقف و پیکره آنها بر اثر زلزله یا سایر لطمات طبیعی فرو ریخته است و جز سنگ آسیابی که در جلوی دهانه غار افتاده بود نشانه دیگری از لوازم زندگی ساکنین آن دیده نمی شود. با مطالعه در وضع غار و تخمین ارتفاع دیوارها و بلندی سقف این حدس پیش می آید که شاید بنای غار دو طبقه بوده است چون در غیر این صورت بالا بردن دیواری در حدود ۵ متر غیر لازم به نظر می رسد.

تیرهای بلند و قطوری که در گوشه و کنار ریخته است نشان می دهد که سقف بنا، ضخیم و بار سنگینی را روی خود داشته است. آنچه در روی خاک آشکار است ۱۸ اصله تیر است و به حدس قوی تعدادی تیر در زیر خاک آوار پنهان می باشد.

تیرهای مزبور از درختان جنگلی است و پس از گذشتن قرن‌ها، با وجود هوای مرطوب غار، هنوز سالم و محکم است و در روی بعضی از آنها کار شده و برای استوار ساختن آنها به یکدیگر، کم و زیانه در آورده‌اند. یکی از تیرها به طول ۵ متر و به قطر ۹۲ سانتی متر است که در روی دیوار پیشبند غار واژگون افتاده است و انسان از مشاهده آن به فکر فرو می‌رود که چگونه آنها را با این وزن و هیكل عظیم از این ارتفاع وحشت آور به داخل غار کشیده‌اند. شاید مردانی در این ماجرا جان خود را از دست داده باشند.

از دیوارهای غربی اتاق بزرگ که در ورودی در آن قرار دارد تا لبه دهانه غار، فضایی است به طول ۶ متر و عرض ۲/۵ متر که به منزله ایوان غار به شمار می‌آید و حکم سرسرای آن را دارد مصالحی که در ساختمان بناهای غار به کار رفته، سنگ و یک نوع گل بسیار سخت از خاک رس می‌باشد که در پای ارتفاعات غار کیجا کچال وجود دارد. از آن جایی که هیچ گونه آثار و علائمی که معرف قطعی تاریخ و قدمت غار باشد به دست نیامده نمی‌توان به طور محرز در این مورد اظهار نظر کرد ولی از سبک ساختمان و نوع مصالح و بعضی قراین می‌توان آن را با غار اسپهبد خورشید هم زمان و مربوط به صدر اسلام دانست که از دژهای تدافعی اسپهبدان طبرستان در برابر مهاجمین عرب، یا پناهگاه سلاطین و حکمرانان محلی بوده است.

با توجه به بقایایی از سنگ و گچ که در زیر درختان جنگل مستور مانده و بخشهایی که بر بدنه دیوار به جا مانده است این طرح در نظر مجسم می‌شود که پایه قلعه تقریباً به عرض ۳۰ متر بوده است و از دو قسمت، بدنه‌های بلند و غیر قابل عبور کوه را در میان داشته است. بلندی حصار و بنای اصلی قلعه در حدود ۱۵ متر یعنی تا ۸ متری زیر غار بوده است و از اینجا به وسیله نردبانی داخل غار می‌شدند ولی این عبور و مرور کار ساده‌ای نبوده و مستلزم تهور و جسارت زیادی بوده است.^۱

۱. از آستارا تا استار آباد، ج ۴، ص ۷۱ - ۴۶۷، سرزمین و مردم ایران، پیشین، ص ۱۱۰، مجموعه

۱۷- غار لی پشت:

در دامنه کوه لی پشت و در جنوب دهکده چرات از بلوک ولوپی سوادکوه، غاری وجود دارد که به نام غار لی پشت (سرخ غار، غار قرمز) معروف است. از دامنه کوه تا غار تقریباً یک ساعت راه است. در غار رو به شمال است که عرض آن ۱۰ ذرع و طول آن از طرف مشرق ۱۰ ذرع و از طرف مغرب ۴ ذرع می باشد.

سقف غار مثل طاق است و حدود ۷ ذرع ارتفاع دارد همه جای طاق داغ آب هست مقابل در، سمت جنوب منفذی است که سر بالا می رود و سنگهای قوی روی هم سوار شده و داغ آب دارد گویا در زمان برف و باران، آبی از این منفذ جاری بوده است. پس از گذشت ۴۰ ذرع به یک فضایی برخورد می کنیم که باید با چراغ رفت. به قدر ۵ ذرع بالاتر از آن فضایی همانند فضای اول است. از طاق آن آبی قطره قطره جاری است و قطره منجمد شده لوله تشکیل داده، بعضی که زیادتر شده به شکل پنجه چند شاخه متشکل شده و آنچه از سقف متقاطر است بعد از انجماد شبیه مرمراست بلکه مرمرا صاف سفید خوبی است و اطراف مرتبه بالایی خاک سفیدی دارد. ارتفاع چرات تا شمیران ۶۰ پا است و جلگه چرات از سمت شمال به کوه زرد - حد فاصل بندپی و سوادکوه محدود می باشد.^۱

۱۸- توجی:

دژی بود بسیار استوار در کنار جاده شوسه و راه آهن شمال در میان شیرگاه - قائمشهر، این دژ در سال ۷۶۳ قمری در دست کیا ویشتاب، شوهر خواهر اسپهبد (حسن دوم) فخرالدوله باوند کینخواریه پادشاه طبرستان بود که در سال فوق به دست میر قوام الدین مرعشی مسخر گردید در این زمینه میر ظهیر الدین مرعشی

راهنمای جامع ایرانگردی، پیشین، ص ۶۹، فشرده فرهنگ پهلوانی، غلامرضا و خدیجه پهلوانی، ص

۱. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۴۲۰، مرات البلدان، ج ۴، ص ۷-۲۱۶.

می‌نویسد «... چون کیا فخرالدین جلال که در ساری و کیا و شتاسف که در قلعه توجی نشسته، حکومت بعضی از مواضع ساری در تصرف او بود... چون مدتی در محاصره آن قلعه، سید کمال الدین (از پسران میر قوام الدین مرعشی) با برادران اقدام نمودند و تسخیر آن میسر نشد به طلب پدر بزرگوار... فرستادند... چون از توجه حضرت سید... خبر به مردم مازندران رسید هر جا که بودند و اهل سلاح... به پای قلعه به لشکرگاه حاضر شدند... فی الحال فرمودند تا اطراف و جوانب قلعه را آتش زدند و به دروازه تاختند... و به درون رفتند (حضرت سید فرمودند تا) کیا و شتاسف را با فرزندان بر همان کرباس (کفن) بر موجب شریعت مصطفوی دفن کردند و آن عورت معظمه (خواهر ملک فخرالدوله حسن) را که از خانواده آل باوند بود و دخترش با دو نفر پسر کوچک، کنیزکان ایشان و نقد و جنس، که خاصه ایشان بود به حرمت تمام از قلعه بیرون بردند و به خانه کدخدا امینی بازداشتند... بعد از آن فرمودند تا قلعه را بشکافند و با زمین هموار کردند... و اکنون (۷۶۳) همچنان خراب است»^۱.

امروزه از توجی جز نامی در تواریخ نمانده است ولی رودخانه‌ای به نام توجی در نزدیکی روستاهای بشل و برنجستانک به یادگار مانده، که پل کوچکی بر آن نهاده شده و راه آهن شمال از آن می‌گذرد. «م»

ب) بناهای مذهبی

- (۱) امامزاده یونس رضا
- (۲) امامزاده حمزه
- (۳) امامزاده قاسم
- (۴) امامزاده ابوطالب
- (۵) امامزاده زین العابدین لوسر
- (۶) امامزاده عبدالحق
- (۷) امامزاده سام و لام
- (۸) امامزاده شاه بالو
- (۹) امامزاده سیدعلی کیاسلطان
- (۱۰) حاج سید میران حسینی
- (۱۱) امامزاده مطهر و آقا سیدعلی
- (۱۲) امامزاده سیدشریف
- (۱۳) امامزاده عباسعلی
- (۱۴) امامزاده حسن آلاشت
- (۱۵) امامزاده محمد تيلم
- (۱۶) امامزاده حاضر پندرم
- (۱۷) درویش حسین پارسی و کلاریجان
- (۱۸) سه تن بزرگوار گزو

۱) امامزاده یونس رضا:

امامزاده یونس رضا معروف به «منگل آقا» در روستای منگل از توابع شیرگاه سوادکوه بر سینه کوهی در ساحل چپ رودخانه تالارکه اطراف آن بیشه عظیمی از درختان آزاد است واقع شده است بقعه شامل اتاقی به ابعاد ۵×۵/۵ متر، با صندوقی ساده و تخته‌ای، چهار ستون چوبین چهارسوی بسیار قطور طرف قبلی آنست و مسجدی متصل به این بناست. در ورودی بقعه از داخل مسجد است که این در، کنده کاری شده ولی زیاد دقت و ظرافت ندارد. درازای هر لنگه ۱/۶۶ متر و پهنای آن ۴۵ سانتی متر است. این عبارت بر دو لنگه آن حک شده است: «بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على المصطفى محمد، و المرتضى على، و البتول فاطمه، و السبطين الحسن و الحسين، و زين العباد على، و الباقر محمد، و الصادق جعفر، و الكاظم موسى، و الرضا على، و التقى على، و النقی محمد، و الحسن العسكري، و محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليه و عليهم اجمعين».

تراشنده این در درویش روح الله بن ذوالقرنین آهنگر شاگرد عالی یعقوب به تاریخ فتورات مازندران سنه ۹۹۱ «کاتب العبد الاحقر محمد يوسف بن کربلائی قاسم آهنگر بیشه سری سنه ۹۹۱، این در آستان متبرکه منوره امامزاده مظلوم یونس رضا علیه التحية و الثناء... آخوند ملا محمد طالب بن حاجی حسین علیا «با» ذی الملقب مشهدبان «داد» نمقه حاج الحرمین، حاجی محمد یوسف بن حبیب الله مشهدبان، یا علی یا علی یا علی، یا الله یا محمد»

«امروزه ساختمان زیبایی به همراه دو گلدسته بر فراز امامزاده یونس رضا بر بالای تپه و در دل درختان سرسبز از جاده اصلی سوادکوه - قائمشهر، نظر همگان را به خود جلب می‌کند که سنگ کاری و سفید کاری شده است». و حیاط آن موزائیک و سیمان کاری می‌باشد. «م»

۲) امامزاده حمزه:

این امامزاده سمت راست جاده ماشین روی شیرگاه - قائمشهر، در ابتدای روستای چالی واقع است که بنایی است مستطیل شکل که درازای آن ۱۲ متر و پهنایش ۶ متر است. صندوقی ساده و چوبین مرقد را پوشانده که بنا را نوسازی کرده‌اند و دری ظریف از آلومینیوم در مدخل آن کار گذاشتند و در دو لنگه قدیمی را به داخل امامزاده آورده و در قفسه ماندی جای داده‌اند. درازای این در ۱/۷۰ متر و پهنای هر لنگه ۴۵ سانتی متر است. کننده کاریهای آن در محوطه و بدخط است و ظرافتی ندارد. عباراتی روی این در حک شده که بدین قرار است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، اللهم صل على النبي المصطفى محمد، والمرضى على، و البتول فاطمه، و السبطين حسن و حسين، و السجاد على، و الباقر محمد، و الصادق جعفر، و الكاظم موسى و الرضا على، و التقى محمد، و النقی علی، و حسن العسكري و محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله عليه و عليهم اجمعين».

رنگ آن با ملا عبدالله بن حاجی آهنگر، تراشنده در درویش روح الله بن ذوالقرنین آهنگر سنه ۱۱۱۹، کاتب محمد یوسف بن قاسم شاگرد عالی یعقوب، امامزاده حمزه، محمد رودبست، یا الله یا محمد یا علی، سقا تالاری نسبتاً قدیمی جلوی امامزاده است و اطراف بقعه قبرستان عمومی است که تعدادی از شهیدان و الا مقام انقلاب اسلامی اطراف این بقعه مدفونند و هر شب جمعه افراد کثیری برای قرائت فاتحه و زیارت امامزاده و اهل قبور در این مکان جمع می‌شوند. چند اصله درخت تنومند آزاد نیز در همین محوطه قرار دارد.

«امروزه مسجد بسیار بزرگی به نام، مسجد اعظم آرامگاه شیرگاه، در کنار گلزار شهداء و امامزاده حمزه توسط جناب آقای پهلوان بنیانگذاری شد که زیبایی خاصی به این مکان بخشیده است» (م)

۳) امامزاده قاسم: ۱

در داخل روستای چالی شیرگاه امامزاده‌ای به نام امامزاده قاسم شهرت دارد. سراسر بنای قدیمی نوسازی شده و مسجدی کوچک در جلوی بقعه اصلی قرار دارد و ایوانی ساده در جلوی مسجد است. اطراف بقعه قبرستان است و در محوطه آن درختان کهنسال افرا و آزاد دیده می‌شود.

۴) امامزاده ابوطالب: ۲

مرقد شریف امامزاده ابوطالب بن موسی الکاظم علیه السلام، در بالا زیراب سوادکوه، در کنار جاده اصلی قرار دارد. بنای ساده با مسجدی کوچک جلوی در ورودی است که فعلاً مسجد و صحن امامزاده خانه مسکونی متولی است. صندوقی ساده و چوبین در وسط بنای اصلی قرار دارد. بر روی در ورودی کنده کاری صورت گرفته است عرض این در یک لنگه (یک لختی) ۸۰ سانتی متر و بلندی آن ۱/۶۰ متر است که این عبارات بر بالای آن منقور است «لا اله الا الله، محمد رسول الله، علی ولی الله، کلب آستان امامزاده، استاد صالح مهرانی، سال ۱۰۱۲ ق.» رضا قلیخان در سفرنامه خوارزم خود از این امامزاده یاد کرده و محل آن را کنار رود تالار پس از پل سفید و نرسیده به شیرگاه ضبط کرده است.^۳

«امروزه ساختمان امامزاده ابوطالب به طور کلی نوسازی شده، درون آن سنگکاری و آیینه کاری گردیده و دارای دو گلدسته بلند است. در کنار امامزاده علاوه بر سرویس بهداشتی، مسجد نسبتاً بزرگی ساخته‌اند و زائرین زیادی در طول سال اعم از مسافرین بین راهی و اهالی مجاور از این بقعه شریف دیدن می‌کنند. در

۱. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۴۰۵.

۲. همان، ص ۴۱۳، دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران، ص ۱۳۷، لغت نامه تشیع، ج ۲، ص ۴۰۷.

۳. مسافرت رضا قلی میرزا به خوارزم به نقل از مرآت البلدان، ج ۲، ص ۴۱.

ایام سوگواری محرم، سینه زن و زنجیر زن از روستاهای مختلف سوادکوه در این امامزاده دسته روی و عزاداری می‌کنند. شایان ذکر است که در پاییز سال ۱۳۸۳ ضریح بسیار زیبایی بر فراز قبر مطهر این امامزاده نصب گردیده است. «م»

۵) امامزاده زین العابدین لوسر:

این امامزاده بر سر کوهی در روستای قادیکلای متروک زیراب قرار دارد. با اینکه محل امامزاده بر سر قله است و راه ناهموار و سربالایی دارد اما هنوز محل دفن شهدای جنگ تحمیلی و درگذشتگان زیراب است. طرح بنا هشت ضلعی (از داخل و خارج) است در بنای خارجی طاق نماهایی با قوس هلالی که در وسط هر ضلع ایجاد شده، دیده می‌شود و گنبد هشت ترکی بر فراز آن قرار دارد و بر روی این در دو لنگه ۱/۶۰ سانتی متری این اشعارکننده کاری شده است:

ای مرگ هزاران خانه ویران کردی در ملک بدن تو غارت جان کردی

هر دانه قیمتی که آمد به وجود بردی و بزیر خاک پنهان کردی

بانی این در آعیسی بن آحسن خان قادی ۱۲۹۴،

خوش منزل باصفاست اینجا گویا نظر خداست اینجا

عمل آسید محمد نوایی، بنای این امامزاده به تمامی از سنگ و گچ ساخته شده که چندیست روی آن گچ اندود شده است. از نکات جالب این امامزاده صندوق چوبی آنست که بر روی آن اشعار فارسی نگاشته شده که همه مربوط به فاجعه کربلا، شهادت سیدالشهداء، قطع دستهای حضرت عباس، به خون خفتن قاسم، پیکر پاره پاره اکبر، تشنگی اهل بیت به تصویر کشیده شده است. اشعار مذکور بدین شرح است:

تا دفع دشمنانش کنی یاری حسین
 در کربلا به ما نشدی همسفر دریغ
 افتاده تشنه لب بر دجله فرات
 فرزند تازپرور خیر البشر دریغ
 با یکهزار و نهصد و پنجاه زخم کین
 حسرت به خاک برد حسین ای گذر دریغ
 عباس نوجوان ترا شد زخم جدا
 دست از بدن، سلاح از تن، تن ز سر دریغ
 در خون طپیده قاسم پا در خضاب حیف
 شد پاره پاره اکبر والا گهر دریغ
 مردان شهید ستم، پیره زنان اسیر (کذا)
 یک ره نکرده آه اسیران اثر دریغ
 عریان به خاک خفته شهیدان بی کفن
 باشد کفن به جسم شهیدان مگر دریغ

* * *

شد بر سنان سر سروان بلند
 یک نیزه شد غبار زمین ز آسمان بلند
 خیل نجوم سرزده از مطلع بروج
 سر زد چه شد سر شهدا بر سنان بلند
 آه از دمی که تف گویای کربلا
 گردید بانگ العطش کودکان بلند
 آمده بگوش دختر زهرا صدای کوس
 گر خصم شد بدست امام زمان بلند

دستی بدل گرفته و دستی بر خجابه
 شد چون فغان اهل حرم از میان بلند
 شاه به خاک خفته و از پرچم شعاع
 خورشید کرده بر سر او سایبان بلند
 بانی این صندوق عنایت الله بن مهدیقلی سلطان قادی عمل آقا سید محمد
 نوایی ساکن قادیکلا، کاتب ملا حبیب فولاد ۱۲۹۴ / اطراف امامزاده داخل حصار و
 بیرون آن قبرستانی قدیمی است و دو اصله درخت آزاد که هرسال کنار جاده در
 محوطه خودنمایی می‌کنند.

۶) امامزاده عبدالحق: ۱

بنایی است نوساز، باکفشکن و مسجدی بزرگ متصل به آن و حسینیه و زائرسرا،
 که در زیراب سوادکوه واقعست. آنچه از قدیم باقی مانده در ورودی کنده کاری
 شده، که فعلاً پشت شیشه‌ای محفوظ داشتند. پهنای هر لنگه از در ورودی ۴۰ و
 بلندی آن ۱۸۰ سانتی متر است نوشته روی در حکایت از حادثه‌ای طبیعی در
 منطقه دارد که به شرح ذیل است:

«بسم الله الرحمن الرحيم، در سنه ۱۲۲۴ از قضای روزگار و حضرت آفریدگار و
 صانع لیل و نهار و رزاق نور و نار، زلزله عظمی و سوانح کبرا در این ولایتها واقع
 گردیده به حدی که اکثر بناهای قدیم را منهدم و ویران نموده از آن جمله این آستانه
 متبرکه، منوره مطهره را نیز بالمّرّه خراب و بعد توفیق آثار کربلایی طالب به اتفاق
 درویش اسماعیل و درویش حسین باعث و بانی عالی شده‌اند و عموم خلائق از

۱. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۴۱۳، دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی، ص

۲۹۰، تاریخ مازندران، علی بابا مهجوری، ج ۲، ص ۴۵۱.

ثواب زیارت این بزرگوار بهره مند شدند. ناد علیا مظهر العجایب، تجده عوناً لک فی الثواب کل هم و غم سینجلی، تا - یاعلی و یاعلی و یاعلی، یا قاضی الحاجات، یا سابق الدعوات، یا رفیع الدرجات، یا غافر الخطیئات،

بی ادب بر در مردان خدا پای منه ز انکه روح القدس اینجا به ادب می آید
 «بنبی عربی و رسول مدنی، و اخیه اسدالله مسمی بعلی، و بزهرآء بتول و بامّ ولدتها، و بسبطیه و شبلیه هما نجل زکی، و بذی العابد و الباقر و الصادق...»
 ضریحی مشبک، مرقد امامزاده راکه کاشیکاری است، پوشانده و این عبارت بر بدنه آن حک شده است: «این حفزه (خطیره) مرقد، این مزار کثیر الانوار حضرت امامزاده واجب التعظیم و لازم التکریم عبدالحق در یوم الجمعه پانزدهم شهر جمادی الاخر سنه ۱۱۲۱ فی عمل مادام العمری استاد سلطان محمد طهرانی، این ضریح به درازای ۳۶۰ و پهنای ۱۹۰ و بلندی ۱۴۰ سانتی متر است» ناصرالدین شاه در سفرنامه سال ۱۲۸۲ خود محل امامزاده عبدالحق را در «دیولیم» سوادکوه ذکر کرده که ظاهراً اشتباه است.^۱ حاجی زین العابدین شیروانی در رجب ۱۳۱۵ هـ می نویسد «محل امامزاده عبدالحق بر سر راه پل سفید و میانکلا است»^۲ مرحوم مهجوری می نویسد: «عبدالحق در زیراب سوادکوه قرار دارد و بارگاه و صندوق درهای آن از آثار باستانی است»^۳

«در سالهای اخیر مجدداً صحن و سرای امامزاده عبدالحق بازسازی، سنگ کاری و آیینه کاری شده ضریح منور آن تعویض شده، دو گلدسته بر سر در ورودی نصب شده و تحولات زیادی در محیط داخلی و خارجی آن صورت گرفته است. مطالب زیر روی ضریح جدید نوشته شده است: ضریح مطهر امامزاده عبدالله

۱. التدوین فی تبیین جبال شروین، اعتماد السلطنه، ص ۳۴.

۲. طرائق الحقائق، ج ۳، ص ۶۴۷.

۳. تاریخ مازندران، ج ۲، ص ۳۷۰.

ملقب به عبدالحق فرزند امام موسی کاظم علیه السلام، تولد ۱۷۳ و وفات ۲۰۵ قمری، که توسط هیأت امنای امامزاده و اداره اوقاف و امور خیریه قائمشهر در سال ۱۳۸۰ ساخته و نصب گردید. میناسازی طرفه نژاد، طراحی و ساخت بهنام کبیری، قلمزنی سید مرتضی احمدی، سوره هل اتی در اطراف بالایی ضریح، اسامی چهارده معصوم و بعضی از صفات خداوند در کناره‌های ضریح و در میانه بالایی ضریح اشعار زیر حک شده است:

باز این چه شورش است که در خلق عالم است

باز این چه نوحه و چه عزا و چه ماتم است

بازین چه رستخیز عظیمست در زمین

نی نفخ صور خاسته تا عرش اعظم است

این صبح نیزه بار دمید از کجا کزو

کار جهان و خلق جهان جمله درهم است

گویا طلوع می‌کند از مغرب آفتاب

کاشوب در تمامی ذرات عالم است

گر خوانمش قیامت دنیا بعید نیست

این رستخیز عام که نامش محرم است

در بارگاه قدس که جای ملال نیست

سرهای قدسیان همه بر زانوی غم است

جن و ملک و آدمیان نوحه می‌کنند

گویا عزای اشرف اولاد آدم است

کشتی شکست خورده طوفان کربلا

در خاک و خون تپیده به میدان کربلا

گر چشم روزگار بر او زار می‌گریست

خون می‌گذشت از سر ایوان کربلا

خورشید آسمان و زمین نور مشرقین

پرونده کتّار رسول خدا، حسین

«م»

۷) امامزاده سام و لام: ۱

امامزاده سام و لام بن یحیی بن جعفر بن امام زین العابدین در روستای ارفعه (ارفع ده) در ۱۸ کیلومتری پل سفید واقعست. امامزاده سام و لام همانند ملا خروشه، سوری واسه تا شان و گرد کول، بر قلّه کوه بنا نهاده شده است. بنای اصلی بقعه از سنگ و چوب بوده، در ورودی آن چوبی و ساده است از در اصلی وارد کفشکن و از آنجا وارد حرم می شوند حرم شامل دو قسمت اصلی است قسمت اول دارای شش ستون چهارسو با سر ستون‌های ظریف است.

واشانهای بنا بر سرکشی است که بر این ستونها متکی است متصل به صندوق ساده و چوبی بقعه ستونی عظیم چهارسو پخزده با سر ستون است سقف بقعه پل کوبی با دو رزپوش و سقف کفشکن فقط پل کوبی است یکی دو اتاق محقر برای متولی و زوار در جنب امامزاده تعبیه شده که بام بقعه تا چندی لت پوش بود و اخیراً حلب پوش (شیرونی) شده است.

«البته امروزه ساختار قبلی کاملاً عوض شده و به سبک جدید در آمده است و هیچ ستونی در کار نیست و چند شهید و الامقام از جنگ تحمیلی در جوار امامزاده مدفونند و یک چشمه آب سرد و گوارا در حیات آن قرار دارد» «م»

۸) امامزاده شاهبالو: ۲

این بنا در روستای دهیان، در ۲۵ کیلومتری جنوب پل سفید قرار دارد و از آثار

۱. از آستارا تا استار آباد، ج ۲، ص ۴۰۰.

۲. از آستارا تا استار آباد، ج ۴، ص ۴۵۶، دائرة المعارف بناهای تاریخی ایران، ص ۱۲۶، فرهنگ

جغرافیایی ایران، ج ۳، ص فرهنگ تشیع، ج ۳، ص ۳۵۵.

قرن هشتم هجری است. بنای امامزاده هشت ضلعی با گنبدی هشت ترک (هرمی شکل و گچ کاری) می باشد داخل بنا نیز هشت ضلعی که به گنبدی مدور ختم می شود و در فواصل معین، تزئینات کاشی کاری در آن مشاهده می شود نمای بیرونی بنا و گنبد ساده و گچ اندود است.

مسجدی وصل به مدخل بناست که دارای ابعاد $5/5 \times 5$ متر است این مسجد یک در ورودی کنده کاری شده دارد که پهنای لنگه ها از چهارچوب به چهارچوب ۹۶ سانتی متر و بلندی هر لنگه ۱۷۸ سانتی متر است و این عبارت روی لنگه های سمت چپ و راست نوشته شده است.

«صاحب الخیرات، افتخار الامرافى الزمان، شجاع الدین آقا سهراب بن آقا رستم روز افزون، فى التاريخ شهر رجب سنه سبع و تسعمائه (۹۰۷) عمل محمد بن استاد حسین نجار سارنى. بر بالای در پنجره ای مشبک، نورگیری چوبین با طرحی زیبا جاسازی شده است که بلندی آن ۱۱۶ و پهنای آن ۱۰۵ سانتی متر است این بقعه درب دیگری داشت که هر دو لنگه آن به سرقت رفت و فقط چارچوبش باقی است و کلماتی روی آن نوشته شده که به علت فرسودگی خوانده نشد.

در زیر گنبد اصلی، صندوقی تعبیه شده که درازای آن ۲۶۵ و پهنای آن ۱۱۹ و بلندی آن $12/5$ سانتی متر است و آیه ۲۵۵ سوره بقره بر آن حک شده سپس عبارت زیر آمده است: «امر به تجدید قبر و الصندوق، شیخ الجلیل، متابع الخلیل، قطب المله و الدین، الحسن بن محمد معروف به بالویه قدس الله روحه، ملک الامراء، عزالدولة و الدین، تاج الاسلام و المسلمین عماد الملوک سهراب مازندرانی و رستم بن شهر و لاش ادام الله معالیه فى التاريخ ذی الحجه سنه ثلث و ستین و ستمائه ۶۶۳» این صندوق هم چنین به خاطر داشتن کنده کاری های تزئینی که به شیوه خاص انجام شده حائز اهمیت هنری و صنعتی است. ضریحی چوبی با شبکه های درشت اطراف صندوق است که آیات ۲۵۵ - ۲۵۷ بقره (آیه الكرسی) بر آن نوشته شده است. این بنا به شماره ۳/۱۶۴۲ به ثبت تاریخی رسیده است.

۹) سید علی کیاسلطان لغور:

وقتی از شهر شیرگاه به طرف دهستان لغور حرکت کنیم و حدود ۴۰ کیلومتر از درون جنگل‌های انبوه پیش رویم و از روستاهای مرزیدره، عالمکلا، تمر، گالیکلا، آبندان و رئیسکلا بگذریم و به روستای امامکلا برسیم در سینه کوه ساختمانی زیبا با دو مناره بلند و دو گنبد پنج ضلعی سفالکاری شده نظرها را به خود جلب می‌کند که مقبره سید علی کیاسلطان می‌باشد.

این امامزاده در دو طبقه ساخته شده که طبقه زیرین سیمان، موزائیک و سفید کاری است به عنوان زائر سرا استفاده شده، و طبقه فوقانی که سنگ کاری و گچبری شده است به طور کامل جزو حرم امامزاده به شمار می‌آید. حرم امامزاده ۱۹ پنجره، دو در ورودی و ۹ ستون دارد بالای هر پنجره به صورت هلال گچبری شده و با خطی زیبا احادیث و معانی آن نوشته شده است.

کف امامزاده و دور داخلی آن تا یک متر سنگ کاری شده است. بالا سر ضریح گنبدی است که دور داخلی این کلمات نوشته شده است: «یا سید علی کیاسلطان، یا عادل، یا حلیم، یا برهان، یا جامع، یا دیان، یا حنان، یا علی کیاسلطان، یا جلیل، یا منان، یا قدیر، یا حکیم، یا رضوان، یا علیم، یا سلطان، یا ملیم، یا واحد، یا کفیل، یا رافع، یا سالم، یا جمیل، یا علی کیاسلطان، یا شافع، یا واسع، یا دلیل، یا سبحان، یا عظیم.»

ستون‌ها دارای دو طاق‌دیس آینه کاری است و این جملات بر آن نوشته شده است: «السلام علی رسول الله، السلام علی خیرة الله، السلام علیک یا بن رسول الله، السلام علیک یا ابا عبد الله، السلام علی البشیر النذیر، السراج المنیر، و رحمة الله و برکاته» طرف دیگر طاق‌دیس دعای تحویل سال و اسامی چهارده معصوم حک شده است. یکی از درها یک هاله و دیگری سه هاله‌ای و مشبک و کنده کاری می‌باشد. تمام دیوار و سقف امامزاده سفید کاری و گچبری شده و با آیات قرآن و احادیث و روایات مزین شده است. سنگ قبر امامزاده قبل از نصب ضریح، یک متر از کف

ساختمان بالا بوده و بر روی سنگ قبر این کلمات نوشته شده است: «الله، محمد، علی، فاطمه، حسن، حسین، مرقد مطهر حضرت سید علی کیاسلطان به سادات مرعشی از فرزندان امام چهارم زین العابدین علیه السلام منتسب است. شهادت حدود سال ۸۲۰ هجری قمری.»

یک شمشه هفت پر با نامهای علیم، حکیم، کریم، عظیم، رحمن، رحیم و الله، در وسط سقف امامزاده تعبیه شده و هفت گلدسته هفت پر چهار ضلعی که هفت سوره قرآن در آن نوشته شده که عبارتند از: فاتحه، فلق، نصر، عصر، توحید، قدر و ناس، دور این شمشه که حلقه مانند است یکصد و بیست بار واژه «الله اکبر» نوشته شده است.

سه منبر داخل امامزاده قرار دارد که یکی جدید است و دارای پنج پله و دیگری قدیمی است و چهار پله‌ای و روی آن نوشته شده: «استاد جلیل عموزاده، به سال ۱۳۷۲» منبر سوم بسیار قدیمی است و شبیه صندلی یک پله است. صندوقی آهنی و سنگین جهت جمع آوری نذورات در کنار مرقد قرار گرفته و چند شهید جنگ تحمیلی در کنار این امامزاده مدفونند.

امامزاده دارای تأسیسات آب لوله کشی، برق شهری، سرویس بهداشتی، پنج اتاق ۳×۴ به عنوان زائر سرا، وسایل آشپزخانه، یک اتاق برای کشتار قربانی و هدایای مردمی است. حسینیه‌ای زیبا و سنگ کاری شده در دو طبقه در کنار امامزاده قابل مشاهده است.

طبیعت زیبا، دشت سرسبز، جنگل‌های انبوه، رودخانه روان از مناظر طبیعی روستای امامکلا به شمار می‌آید. حضور زائران و هیأت‌های مختلف از جای جای استان مازندران به این مکان رونق خاصی داد اما همچنان این استان مقدس برای اغلب مردم منطقه به دلیل بدی جاده آسفالته شیرگاه به لفور و جاده انحرافی روستای امامکلا و بُعد مسافت ناشناخته است. این محل مکان بسیار مطبوعی برای تفریحات سالم در ایام تابستان است.

شایان ذکر است آستانه حضرت سید علی کیاسلطان از سال ۱۳۷۴ ش. شروع به تجدید بنا شده و پایان کار آن سال ۱۳۸۰ بوده که توسط افراد خیر و نیکوکار منطقه به اتمام رسیده است. در ضمن ضریحی زیبا در سال ۱۳۸۲ بر فراز این امامزاده نصب گردید. «م»

۱۰) حاج سید میران حسینی:

مرحوم حاج سید میران حسینی اصالتاً از منطقه سنگده سوادکوه بود و در نوجوانی وارد روستای اراتین شد و در همانجا تشکیل زندگی داد که ثمره این زندگی دو فرزند بنامهای سید میرآقا و سید قمر بودند این دو کودک در همان کودکی از دنیا رفتند و در قبرستان عمومی روستای اراتین «بورکلا» دفن شدند. حاجی سید میران بعدها به لفور رفت و در آنجا زنی اختیار کرد که ثمران دختری به نام سیدزهره است. حاجی هر ساله به اراتین می‌آمد و به زیارت قبور فرزنداناش می‌رفت و وصیت کرد که بعد از مرگش او را در کنار فرزنداناش دفن کنند که به وصیت او عمل کردند و امروزه مردم محل با همت ارادتمندان دیگر و با نظارت دختر بزرگوارش سید زهره بارگاه زیبایی بر سر مزار حاجی و فرزنداناش ایجاد کردند که تعداد زیادی از علاقمندان از مناطق مختلف استان مازندران هر ساله به زیارت این سید جلیل‌القدر و فرزنداناش که صاحب کراماتی نیز می‌باشند می‌آیند.

۱۰) امامزاده مطهر و آقا سید علی زنگیان:^۱

زنگیان دهی از دهستان ولویی سوادکوه است که با ارتفاع متوسط ۱۳۰۰ متر در ۲۰ کیلومتری جنوب باختر شهر پل سفید قرار دارد. دارای آب و هوای معتدل و

۱. سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی، آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ج

مرطوب است. روخانه شش رودبار که از کوه تلمه سنگ سرچشمه می‌گیرد از دو کیلومتری جنوب خاور آبادی گذشته و به رودخانه تالار می‌ریزد. کوه لالتا در شمال باختر آبادی است.

این محل دارای زیارتگاهی به نام آقا سید علی است در این زیارتگاه سه برادر یک جا مدفونند که فقط نام سید علی معروف است. بقعه مذکور در اتاقی گلی واقع شده و زیارتگاه اهالی مجاور می‌باشد دو اتاق ۳×۴ بعنوان زائرسرا در کنار این زیارتگاه تعبیه شده است. زیارتگاه دیگری در پائین روستا بر بالای تپه‌ای سنگی و صخره‌ای قرار دارد که به نام امامزاده مطهر مشهور است این امامزاده طبق گفتار اهالی، از نوادگان امام موسی کاظم (ع) به شمار می‌آید. «امامزاده مطهر دارای دو اتاق است اتاق اول ۲×۳ و اتاق دوم ۳×۵ ، که مزاری در وسط اتاق دوم قرار دارد و مطالبی روی ضریح چوبی کنده کاری شده تعبیه شده که بدین شرح است: قسمت جلویی آن رو به قبله آیه الکرسی نوشته و سپس قبله‌ای با این عنوان، هشت فقرات زمین توابع به موضع کلاریجان - زنگیان رودبار سوادکوه، لعنت خدا و رسول خدا و ائمه هدی به آن کسی که...، ملا محمد یوسف بن قاسم احمد الهروی، به روح الله و سید شمس الله، قسمت پشت به قبله ناد علیا مظهر العجائب، تجده عوناً لک فی النوائب، وقت لاراضیه امامزاده واجب التعظیم و لازم التکریم امامزاده مطهر، شهید علیه الرحمة و التحية و الغفران نوشته شده است.

درب ورودی اول دارای دو هاله $۴۵ \times ۱/۴۰$ سانتی متر است که بانی این در میرزا علی و نیز نامی از کلب اصغر و محمد علی نوشته شده است. درب ورودی دوم $۱ \times ۱/۹۰$ سانتی متر می‌باشد. این در نیز دو هاله‌ای و بر روی آن جمله «اللهم صل علی محمد المصطفی و علی المرتضی و البتول الزهرا و السبطين الحسن و الحسين و زین العباد علی و الباقر محمد و الصادق جعفر و کاظم موسی و الرضا

علی و التقی علی و النقی محمد و الحسن العسکری و محمد بن الحسن صاحب الزمان صلوات الله علیه و علیهم اجمعین» نوشته شده است. «م»

(۱) امامزاده سید شریف چرات:

چرات از دهکده‌های قدیمی و آباد تابستان نشین ولوی سوادکوه است که در غرب آلاشت قرار گرفته است بیش از زلزله ۱۳۳۶ که خرابی بسیار به صفحات مازندران آورده است این دهکده بسیار آباد بود و خاندانهای راجی، الوندی و ساروئی در آن زندگی می‌کردند. در سال ۱۳۵۶ تنها هفت خانوار در این دهکده ساکن بودند و خانه‌های خراب و نیمه خراب زیادی هنوز به چشم می‌خورد و اکنون تنها بیلاق برخی از چراتی‌ها می‌باشد. در تابستان حدود ۱۵ هزار گوسفند در کوهستان این دهکده علف‌چر دارند و زمستان را بیشتر در دهکده‌ها و زمینهای گیلخواران ساری ساکن هستند.

بر بالای دهکده چرات، سمت راست رودخانه، در محوطه‌ای محصور بنایی مستطیل شکل است و به امامزاده سید شریف چرات معروف است که دیوارهای آن را با گچ سفید کرده‌اند. بام بنا چندی است حلب پوش (شیرونی) شده است. نزدیک به بنای امامزاده مسجدی مستطیل شکل است که یک قسمت آن ایوان دارد.^۱

شاید تاریخ خاندان مرعشی مازندران قدیمی‌ترین سندی باشد که در آن از چرات یاد شده است. نویسنده آن می‌نویسد: در سال ۹۲۷ در بیلاق چرات عارضه‌ای برای میر علیخان روی داده از راه (اجداد کوه) متوجه مازندران شد تا خود را به کشک‌سرا برساند روز به روز مرض شدت می‌نمود و اطبا از علاج عاجز گشته در قریه بندپی دعوت حق را لبیک گفت.

(شرح مفصلی محمد حسن خان اعتماد السلطنه در کتاب مرآت البلدان، ج ۴ ص ۲۱۵ از کوههای اطراف چرات ذکر کرده است).^۱

۱۲) امامزاده عباسعلی:

بر قلعه کوهی مسلط به دهکده‌های ملرد و کرمان بنایی است با گنبد مخروطی و مسجد کوچکی متصل به در ورودی است که به تازگی آن را مرمت و سفیدکاری کردند. درختی ناشناخته در محوطه بقعه است که می‌گفته درخت فلفل است.

۱۳) امامزاده حسن:

بقعه مبارکه امامزاده حسن آلاشت واقع در منطقه ییلاقی شهرستان سوادکوه در فاصله تقریباً ۵۰ کیلومتری زیراب قرار دارد و دارای آب و هوای نسبتاً مناسب است. این بقعه دارای سرویس بهداشتی و دو زائر سراسر است. آنچه روایت است اینکه در قدیم دارای محوطه و حجرات حوزه علمیه بوده که طلاب در آنجا به تدریس و تحصیل مشغول بودند. این بقعه در منطقه ییلاقی و در سلسله جبال البرز واقع گردیده و از خرداد تا شهریور دارای زائر و محل سکنی بوده، اما در بقیه فصول به جهت سرمای شدید منطقه غیر قابل سکونت است. به گفته اهالی منطقه، امامزاده حسن معروف که در مجاورت روستای ییلاقی نجارکلا، قرار دارد از جمله سادات علوی است که بعد از هجرت امام رضا(ع) از مدینه به خراسان، به خاطر فشار بیش از حد در مدینه، مثل سایر سادات به سوی آن امام بزرگوار حرکت کرده بود. هیأت حاکمه از اجتماع و ازدهام سادات در کنار امام رضا(ع) وحشت داشتند لذا به عمال خود دستور دادند که این گونه افراد را از بین ببرند. امامزاده حسن به

۱. تاریخ مازندران، ملا شیخ علی گیلانی، تصحیح دکتر منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران،

منطقه سوادکوه رسید و با عمال هیأت حاکمه روبرو گردید.

اولین درگیری در روستای شیرکلا، سپس در روستای کارمزد و باری دیگر در روستای سرین و در نهایت در محل دفن امروزی، که معروف به امامزاده حسن است به شهادت رسید. بارگاه این امامزاده لازم التعظیم امروزه زیارتگاه ارادتمندان است. در طول سال، یک روز که ۲۶ عید ماه می باشد جمع کثیری با برنامه های متنوع سنتی - محلی در آنجا حضور پیدا می کنند و مسابقه کشتی لوجورا در آنجا برگزار می نمایند. ناگفته نماند دفن بزرگان و علماء در جوار این امامزاده واجب التکریم، موجبات احترام و تعظیم همگان را فراهم می آورد. قابل ذکر است که امامزاده حسن شیرکلا، کارمزد و سرین نیز نمادی از این همین امامزاده حسن الاشت می باشند.

بنای این امامزاده هشت ضلعی و گنبد آن کلاه درویشی است که مصالح آن سنگ و گچ بوده. و از تو و بیرون سفیدکاری است محیط این هشت ضلعی بالغ بر ۱۹ متر است. کفش کنی به طرف شرق دارد که در آن و در ورودی امامزاده شرقی است. صندوقی چوبین و ساده در وسط بناست. در قدیمی بنا را در سال ۱۳۵۰ شمسی کنده و بجای آن دری آهنی گذاشته بودند. مطالبی که بر در دو لنگه چوبین حکم شده است از این قرار است:

«انا فتحنا لک فتحاً مبیناً» وینصرک الله نصرأً عزیزاً، بعهد خسرو جم جاه ناصر الدین شاه تمام شد و در این آستان عرش بنا، کرد نجاری اش عباسقلی، هست استاد مبارک مقدم، در آن دم که بوده است ایام خوش، هزار و دویست بود و هفتاد و شش.

ای درت قبله اریساب کرم	پشت گردون پی تعظیم تو خم
آفتاب از پی تعظیم درت	هر سحر بر کشد از شرق علم
قدسیان بهر طواف در تو	نشناسند سراز پا و قدم
خادمان حرمت را باشد	فخر بر خیل عرب تا به عجم

بهر طوف حرمت خیل ملک
 هست چون کعبه حریم تو ولی
 پادشاهان به درت محتاجند
 شعر و نقاشی و خط را ای شه
 بانی در شده حاجی جعفر
 روز تا شب بسته کمر همچو خدم
 خارجی را نبود ره به حرم
 چون اسیران و فقیران به درم
 کرده میرزا تقی از صدق رقم ۱۴۷۶
 ای شهنشاه جهان فخر امم^۱

۱۴) امامزاده محمد تيلم:

به گفته اهالی، در قبرستان عمومی روستای تيلم، شخص بزرگوار و با کرامتی مدفون است به نام امامزاده محمد، که ملجأ و ملاذ مردم منطقه از دیرباز بوده و الآن با بازسازی و احداث مرقد مطهر و زائر سرا و تجهیز امکانات، در ایام تعطیلات خصوصاً تابستان، زائران زیادی به زیارت این امامزاده بزرگوار می آیند. از این امامزاده شجره مشخصی ذکر نشده ولی بسیار با کرامت و صاحب معجزات عدیده است.

۱۵) امامزاده حاضر پندرم:

پندرم از مناطق ییلاقی و خوش آب و هوای مردم مومج خیل به حساب می آید که در این منطقه امامزاده‌ای معروف به امامزاده حاضر مدفون می باشد که مورد احترام است. به نقل از اهالی این محله، امامزاده حاضر از نوادگان امام هفتم هستند.

۱۶) درویش حسین پارسى و کلاریجان:

گرچه قبر اصلی درویش حسین در روستای لدار بند پی می باشد لیکن مدتی در

روستای پارسی و کلاریجان اقامت داشته است. بعد از وفات آن بزرگوار واجب‌التعظیم، اهالی محترم روستای پارسی و کلاریجان به خاطر قدردانی از مقام شامخ ایشان، یادمانی در روستای خود بنا کرده و به نام درویش حسین نام‌گذاری کردند که امروزه زیارتگاه تمام اهالی محل و مردم منطقه می‌باشد. در ضمن چند امامزاده دیگر در روستای کلاریجان دارای بارگاه می‌باشند که عبارتند از: امامزاده محمد، سید جلال، و سید اشرف

۱۷) سه تن بزرگوار گزو:

در عمق جنگل‌های انبوه مناطق کارمزد و لفور، مرقد ساداتی وجود دارد که به سه تن بزرگوار گزو معروف است. به نقل از بعضی اهالی، نام سه تن بزرگوار (محمد، اسماعیل و ابراهیم) می‌باشد. پیدایش چنین مکان مقدسه در دل جنگل تداعی‌گر قیام علویان است که از مدینه وارد ایران شدند ولی متأسفانه تحت تعقیب عمال خلیفه زمان خود قرار گرفتند و به دلیل عدم امکانات مادی و حمایت‌های معنوی برای نجات خود حتی در مناطق متروکه و خالی از سکنه پناه برده بودند. مهاجمین بی‌رحم دست بردار نبودند و عاقبت مظلومانه و غریبانه به شهادت رسیدند و در همان مکان به خاک سپرده شدند.

این منطقه به دلیل انبوه درختان سر به فلک کشیده و صعب‌العبور بودن، سالیان سال به صورت محدود دارای زائر سرا و محل زیارتگاه بود که تولیت آن را فرزندان شیرعلی به نام‌های شهمیر، گتمیر و درویش علی بر عهده داشتند و با همکاری نعمت خان سرخ‌آبادی (اشرف‌السلطان) ساخته شد. ولیکن در سالهای اخیر توسط افراد خیر و هیأت امنای زحمتکش دارای ساختمان جدید، زائر سراهای مختلف، آب لوله‌کشی و سرویس بهداشتی شده و با ایجاد جاده در صدد برق‌رسانی به این

منطقه می‌باشند.

منطقه ییلاقی گزو دارای زمستان‌های سرد و سخت و بسیار برفگیر است اما تابستان‌های مطبوع و خوش آب و هوایی دارد لذا در فصل تابستان زائران زیادی از سراسر استان مازندران به این منطقه می‌آیند؛ خصوصاً شبهای چهارشنبه و جمعه با برگزاری دعای توسل و کمیل و نیز برنامه متنوع مداحی، سخنرانی و غیره، معنویت خاصی در منطقه حکمفرماست.

از جمله امامزادگان و ساداتی که در روستاهای سوادکوه مدفون بوده و دارای اسم و رسم و گاه دارای صحن و بارگاه نیز می‌باشند اما به دلیل فقدان اطلاعات کافی و موثق از ذکر جزئیات و شرح آنها در این مجموعه معذور گشته‌ایم و تنها به ذکر نام شریف این بزرگواران اکتفا می‌کنیم «م» که عبارتند از:

امامزادگان دهستان لغور:

امامزاده سید علی کیا و امامزاده کمالین در نفتچال، امامزاده بوبر (بابا) کیاسلطان و امامزاده مهدی در دهکلان، امامزاده علی در لغورک، امامزاده یحیی و امامزاده محمد تقی در اسبوکلا، امامزاده زکریا و امامزاده صالح در چاشتخواران، امامزاده محمد مهدی در میرارکلا، درویشی در امیرکلا، امامزاده عسکری در پاشاکلا، امامزاده شمس الدین و سید بوعلی کیا سلطان در گالشکلا، امامزاده سید علی کیاسلطان در امامکلا، امامزاده کرون در کفاک، امامزاده علی در چاکسرا، امامزاده الیاس در مرزیدره.

امامزادگان دهستان ولویی:

امامزاده علی و امامزاده قاسم در کارمزد، سید میر آقا، سید قمر و سید میران

حسینی و دختر پاک در اراتبن، امامزاده حسین و امامزاده یوسف در پالند، دختر پاک در گلیان، امامزاده شاه نور، سید احمد و سید مهدی در بالا آلاشت، سید محمد و سید جعفر در پائین آلاشت، آقا سید علی، امامزاده ابراهیم و امامزاده محمد در اوات. سید اسماعیل در دراسله، سید جعفر در انند، سید محمد هادی در شش رودبار، امامزاده ابوطالب در ممشی، امامزاده ظاهر و مطهر کلاک.

امامزادگان دهستان کسلیان:

شاه نظر و امامزاده عباس در بهمنان، سید میر آقا در ولوکش، امامزاده علی در اتو، امامزاده عبدالله در لولاک، امامزاده ابوطالب در مته کلا، امامزاده زین العابدین در پاشاکلا، امامزاده خانم در سنگ نیست، امامزاده ذوالفقار در کچید، سیدی در ززول، امامزاده‌ای در سوخته سرا. امامزاده صالح.

امامزادگان شیرگاه و حومه:

سید نصرالدین و سید زین العابدین در بشل، امامزاده یونس رضا در منگل، سید مراد در شیرجه کلا، امامزاده عسکری در کلیج خیل، امامزاده جفت برار در ایوک، سید کمال الدین در بورخیل، امامزاده حسن و امامزاده حمزه در چالی، سید تاج الدین در سر آبگردان شیرگاه.

امامزادگان زیراب و حومه:

امامزاده ابوطالب، امامزاده عبدالحق، درویش ماهرو در زیراب، امامزاده زین العابدین در لوسر، امامزاده ابراهیم در خردمندی چال، سید ابوالفضل در خواجکلا، امامزاده کمال الدین، امامزاده عبدالله، درویش کلیم و درویشی دیگر در سرخ کلا، امامزاده جمال الدین و امامزاده طاهر در کردآباد، سید مهدی در کنیجکلا.

امامزادگان پل سفید و حومه:

امامزاده حمزه در شورمست، درویشی در امافت، امامزاده حمزه در فلورد.
امامزاده یحیی در اوریم، امامزاده کمال الدین و جمال الدین در عباس آباد، زیارت
سر در وسیه سر - شیخه ستون در مالی دره - امامزاده اسماعیل در آریم، شاهزاده
حسین در اوزود، امامزاده عباس در بایع کلا و بایع کلا علم، امامزاده یحیی در رجه،
درویشی در لمزر، امامزاده حمزه در شورکچال، سید مصطفی سید تاج الدین در
اساس امامزاده اسماعیل شهدا در ارفعه.

تبرستان
www.tabarestan.info

فصل چهارم:

تبرستان

www.tabarestan.info

چشم اندازها
و مناظر طبیعی

تبرستان
www.tabarestan.info

- (۱) دریاچه شورمست
- (۲) دریاچه گل پل
- (۳) پل ورسک
- (۴) پل شاه عباسی شیرگاه
- (۵) پل دختر - کیجاپل
- (۶) پل شاهپور
- (۷) پل سفید
- (۸) پل راه آهن اوریم
- (۹) پل بالو
- (۱۰) پل جوارم
- (۱۱) آرامگاه اخوت
- (۱۲) کاروانسرای گدوک
- (۱۳) کلیسای اوریم رودبار
- (۱۴) راه باستانی سرتنگه
- (۱۵) پل شاه عباسی روستای ورسک
- (۱۶) رباط شاه عباسی
- (۱۷) پارک جنگلی جوارم
- (۱۸) بیلاق دراسله

۱) دریاچه شورمست:

این دریاچه در جنوب غربی پل سفید در ۵ کیلومتری جاده فیروزکوه در ارتفاعات بیشه‌ای دامنه البرز مرکزی قرار دارد و قریب ۱۴۰۰ متر بالاتر از سطح دریاست. این دریاچه ۵ متر عمق و بیش از یک هکتار وسعت دارد دسترسی آسان به آنها، محوطه اتراق و استراحت، مناظر زیبا، امکان صید ماهی و موارد دیگر جاذبه‌های قابل توجه برای استفاده توریستی این دریاچه محسوب می‌شود. آب دریاچه بر اثر بارندگی و درکف دریاچه ۸ تا ۹ چشمه تأمین می‌شود که در دو فصل زمستان و تابستان به دلیل سرما و گرما، سرریز ندارد ولی در دو فصل پائیز و بهار تا حدودی سرریز دارد.^۱

۲) دریاچه گل پل:

این دریاچه در جنوب شرقی قائمشهر بعد از روستای برنجستانک و سد خاکی زمزم در میان جنگل قرار گرفته و دارای دو حوضچه مجزاست. وسعت آن حدود ۲/۵ هکتار با عمق بین یک تا پنج متر است که به علت شیرینی آب به زیستگاه ماهیان و پرندگان آبی تبدیل شده است. این دریاچه چشم اندازه‌های جنگلی زیبایی دارد و محوطه استراحت مناسبی در اطراف آن تعبیه شده است. سکوت و آرامش و آسایش توأم با چمن زارهای طبیعی از خصوصیات این دریاچه است.^۲

۳) پل ورسک:

این پل در زمان رضاشاه بر روی دره ورسک منطقه عباس آباد سوادکوه احداث

۱. مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، ص ۴۶.

۲. مجموعه راهنمای جامع ایرانگردی، ص ۴۷۳.

۳. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۳۹۴ و ۴۰۴.

شده است ارتفاع آن از کف دره ۱۱۰ متر و دارای یک دهانه قوسی به طول ۶۶ متر است پل ورسک در شمار مهم‌ترین آثار فنی مهندسی راه آهن شمال و یکی از شاهکارهای صنعت پل سازی به شمار می‌آید که توسط مهندسین آلمانی ساخته شده است و در جنگ جهانی دوم به واسطه حمل کالا و تجهیزات جنگی متفقین به شوروی از طریق این پل، چون سهم عمده‌ای در پیروزی متفقین داشته «پل پیروزی» نامیده شد.^۱ شماره ثبت این بنا ۱۵۳۴ می‌باشد. **تبرستان**

۴) پل شاه عباسی شیرگاه:

درازای این پل ۵۷ متر و پهنای آن بدون در نظر گرفتن جان پناه‌ها ۵ متر، شامل دو دهانه است دهانه بزرگتر با طاق هلالی در جهت شمال و دهانه کوچکتر با طاق جناغی در جهت جنوب است. این پل در دوران صفوی و در مسیر جاده قدیم شاه عباسی که اصفهان را به اشرف البلاد (بهشهر) متصل می‌ساخت؛ بنا شده است. این پل بر روی رودخانه کسلیان که به «روشن تالر» معروف است بنا شده و مصالح اصلی آن آجر و ساروج و گچ می‌باشد. این پل در سال ۱۳۷۳ توسط سازمان میراث فرهنگی مازندران مرمت گردیده و شماره ثبت تاریخی آن ۳۶۶۲ می‌باشد.

۵) کبچاپل (پل دختر):

پلی مرتفع و طولانی است که اگر نباشد راه عبور و مرور سواد کوهی‌ها با مازندرانی‌ها مقطوع می‌شود. ناصرالدین شاه در سفرنامه خود در سال ۱۲۸۲ قمری از این پل یاد کرده و آن را پل دختر خوانده است حاج زین العابدین شیروانی در

۱. جغرافیای مفصل ایران، ربیع ربیعی، ص ۵۵، سیمای میراث فرهنگی مازندران، ص ۱۷۹.

۲. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۴۰۳، سیمای میراث فرهنگی مازندران، ص ۱۷۷، راهنمای آثار تاریخی فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۱۵.

۳. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۳۹۴ و ۴۰۴.

رجب ۱۳۱۵ قمری. این پل را دیده و در مورد آن نوشته است که بعد از میانکلا قرار دارد درازای این پل ۶۳ متر و پهنایش بدون احتساب جان پناها ۴۵۰ سانتی متر است این پل یک دهانه، بر روی درّه کسلیان نزدیک به پیوستن آن به تالار زده شده است و با اینکه در مسیر جاده شاه عباسی قرار دارد ولی بنای آن قدیمی تر به نظر می‌رسد مصالح آن از سنگ و ساروج می‌باشد.

۶) پل شاپور^۱

پل شاپور در کنار مسیر شیرگاه به قائمشهر و در سمت راست جاده اصلی با دو دهانه بر روی رودخانه تالار احداث شده است که دهانه اصلی و بزرگتر با طاقی از نوع قوس جناغی ثلاثی و دهانه کوچکتر آن دارای طاقی از نوع شاخ بزی است. به منظور تحمل فشار آب پایه‌های پل در دو طرف دارای موج شکنهای مثلثی شکل است و برای سبک نمودن بیشتر پایه‌ها در بالای آنها فضای تو خالی محصور در بین دو طاق ایجاد نموده‌اند که این امر در استحکام بدنه پل نیز مؤثر است. طول این پل ۲۹/۷۰ متر و عرض آن ۷ متر است و مصالح آن از سنگ و ملاط ساروج است و از بناهای دوره صفوی و قاجار می‌باشد. مرور زمان و بارش برف و باران و نیز برخورد آب تالار به کناره‌های آن و به واسطه آفات و بلایای طبیعی صدماتی به پل وارد شده که اخیراً تا حدودی تعمیراتی بر روی آن انجام شده و مرمت شده است. وجود آب تالار، دامنه‌های بسیار سرسبز و جاذبه‌های طبیعی؛ این مکان را برای جذب توریست فراهم کرده است. در ایام تعطیلات به ویژه ایام نوروز بیشتر مسافری در اطراف این پل اتراق می‌کنند. شماره ثبت تاریخی بنا ۳۶۶۱ می‌باشد.

۱. از آستارا تا استار آباد، ج ۴، ص ۴۰۹، سیمای میراث فرهنگی مازندران، ص ۱۷۵، راهنمای آثار تاریخی فرهنگی استان مازندران سوادکوه، ص ۱۵.

(۷) پل سفید:

پل سفید پیش از روی کار آمدن صفویان وجود نداشت ولی در چند کیلومتری آن، آبادی بزرگی بود که به آن قلعه «قابرن» می‌گفتند و شخصی به نام قبرن بر آنجا حکومت می‌کرد و ملوک الطوائفی راه انداخته بود که توسط حکومت صفوی برچیده شد از این زمان به عمران و آبادی آن توجه گردید و پل دو دهانه‌ای بر روی تالار ساخته شد و به دلیل سفید بودن این پل، آن را پل سفید نامیدند.^۱ درازای پل ۲۵ متر و پهنای آن ۴۵۰ سانتی متر است پلی است دو دهنه بزرگی دهانه رودخانه تالار که یک دهنه آن بزرگتر و دهنه دیگر آن کوچکتر است با گذشتن از روی این پل جاده شاه عباسی از طرف چپ آب تالار به طرف راست آمده است، به قول رضاقلی میرزای هدایت پلی وسیع و محکم است ناصرالدین شاه در سال ۱۲۸۲ قمری که سفر اول او به مازندران بوده است این پل را دیده و می‌نویسد که این پل در دهکده پل سفید سوادکوه و از بناهای شاه عباس می‌باشد.^۲

حاج زین العابدین شیروانی در سال ۱۳۱۵ قمری پل سفید را دیده و درباره آن می‌نویسد از کاروانسرا تا سر پل هفت فرسنگ است و از پل سفید به پایین جزو زیرآب است.^۳

(۸) پل راه آهن اوریم:

این پل در نزدیکی روستای اوریم ساخته شده است بعد از پل ورسک، در شمار مهم‌ترین پل‌های راه آهن شمال است. دارای ۱۱ دهانه ۵ متری و یک دهانه قوسی بزرگ ۶۰ متری است.

۱. پژوهشی در نام شهرهای ایران، ایرج افشار سیستانی، انتشارات روزنه، چاپ اول ۱۳۷۸ ص.

۲. سفرنامه ناصرالدین شاه به نقل از التدوین، ص ۳۲.

۳. طریق الحقایق، جلد سوم، ص ۶۴۷.

۴. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۲۰.

۹) پل بالو: ۱

این بنا در کنار مسیر شیرگاه به زیراب و در حاشیه تالار قرار گرفته است. این پل که با مصالح آجر و ساروج ساخته شده است به علت شکستگی بخش اعظم آن از میان رفته، ولی دو دهانه سالم با طاق جناغی یکی به عرض ۳ متر و ارتفاع ۴/۷۵ متر و دیگری به عرض ۴/۵ متر و ارتفاع ۵/۵۰ متر از آن باقی مانده است. با توجه به نوع معماری، این پل احتمالاً متعلق به قبل از دوره صفوی است. این راه ظاهراً از راه اصلی شاه عباسی به سمت راست رودخانه تالار جدا می‌شده و به طرف لفور می‌رفته است. بیشتر بدنه غربی آن برقرار و پابرجاست و داخل آن اطاق‌کهایی برای استراحت چارپا داران دارد.

از پایه شرقی، بنیاد و شالوده آن باقی مانده. از روی این پل به ورجال و لرزنه و لفور می‌رفته‌اند.^۲

۱۰) پل جوارم: ۳

این پل در کنار مسیر شیرگاه به زیراب، در سمت چپ جاده و در حاشیه جنگل بر روی شعبه‌ای از رودخانه تالار احداث شده است. طول آن ۹ متر و پهنای آن ۴/۵۰ متر است که دارای یک دهانه با طاق جناغی است برای ساخت پل از سنگ و ساروج استفاده کرده و نمای بیرونی آن را نیز با سنگهای ریزه تراش مکعبی تزئین کرده‌اند. این پل به همراه ۶ دهانه پل دیگر که از ورسک تا روستای بشل وجود دارد. در امتداد جاده شاه عباسی در زمان صفویه ساخته شده است.

۱. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۲۱.

۲. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۴۰۴.

۳. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۱۶.

۱۱) آرامگاه اخوت:

این آرامگاه در کنار جاده فیروزکوه و حد فاصل دوآب و پل سفید قرار دارد. راه آهن شمال در فواصل ۱۳۰۶ - ۱۳۱۹ احداث شده است و به هنگام احداث تونل شماره شش در ناحیه دوآب، عده‌ای از کارگران صدیق راه آهن جان سپردند و در این مکان مدفون شدند. برج یادبودی به احترام آنان توسط «لونچر» مهندس آلمانی راه آهن احداث گردید و متن آن به این شرح است: «آرامگاه اخوت، کارگران و مستخدمین راه آهن دولت ایران قسمت دوآب ۲۸ دی ماه ۱۳۱۹ یادگار ابدی به کارگران صدیق از طرف لونچر»

۱۲) کاروانسرای گدوک:

در جاده سوادکوه به تهران در منطقه گدوک، در سمت چپ جاده، کاروانسرای بزرگی از دوره شاه عباس صفوی به یادگار مانده است در ورودی بنا که در سمت شمال غربی آن قرار دارد، شبیه دلان بزرگی است که در دو طرف آن صدفه‌های متعددی تعبیه شده است و در پشت آنها نیز اصطبل قرار دارد. این کاروانسرا که در فصل بارش مداوم برف زمستانی، کاروانیان را پناه می‌داد به دلیل واقع شدن در منطقه کوهستانی با پلان سرپوشیده احداث شده و به غیر از ورودی اصلی، از همه سو بسته است. مصالح عمده این بنا، سنگ، آجر، گچ و آهک است و در تزئین نماهای داخلی و خارجی آن از آجر بندکشی شده استفاده شده است. شماره ثبت تاریخی این بنا ۲۷۹۵ می‌باشد.

۱. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۱۸، از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص

۱۳) کلیسای اوریم رودبار^۱:

این بنا در زمان ساخت راه آهن شمال جهت اجرای مراسم مذهبی کارشناسان خارجی ساخته شده است. کلیسا شامل یک اتاق به ابعاد $۴/۲۰ \times ۵/۲۰$ متر و ارتفاع ۴ متر می باشد و درون آن یک محراب و چهار عدد شمعدان سیمانی دیده می شود. مصالح آن شامل سنگ و سیمان است.

تبرستان

www.tabarestan.info

۱۴) راه باستانی سرتنگه^۲:

این اثر در کنار جاده منتهی به خطیرکوه و شهمیرزاد و در نزدیکی رودخانه تالار ساخته شده است. این جاده قدیمی با تراشیدن کوه و به وسیله سنگ لاشه و ساروج ساخته شده است. از این راه قدیمی الان نزدیک به ۵۰ متر باقی مانده است. عرض آن $۱/۸۰$ متر و ارتفاع آن از کف دره، ۴ متر است. این راه در دوران اسلامی احتمالاً بر روی آثار راهسازی پیش از اسلام ساخته شده است.

۱۵) پل شاه عباسی روستای ورسک^۳:

این پل در داخل روستا و تقریباً زیر پل راه آهن ورسک قرار دارد. این اثر شامل دو پل قدیم و جدید است که کاملاً به یکدیگر متصل شده اند پل قدیمی احتمالاً در دوره صفوی و با مصالح سنگ و ساروج ساخته شده در دوره پهلوی اول این پل تعریض شده به این ترتیب، نمای شرقی پل صفوی و نمای غربی آن متعلق به دوره پهلوی است. جهت پل شمالی - جنوبی بوده و در نمای شرقی آنکه قدیمی تر است دو موج شکن دیده می شود. پل قدیمی $۶/۲۰$ متر عرض و با احتساب پل جدید

۱. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۲۲.

۲. راهنمای آثار تاریخی - فرهنگی استان مازندران، سوادکوه، ص ۱۶.

۳. همان. ص ۱۷.

عرض فعلی آن ۱۰/۲۰ متر می باشد. طول آن نیز ۱۰/۲۰ متر و ارتفاع آن از سطح دره ۷/۷۰ متر است هر دو پل دارای یک دهانه با طاق جناغی هستند. از خصوصیات بارز این اثر تلفیق دو نوع پل سازی متعلق به زمانهای متفاوت بدون آسیب رساندن به یکدیگر است.

۱۶) رباط شاه عباسی:

این رباط بر سر راه گدوک - عباس آباد قرار دارد. دارای اتاقها و صفه های متعدد در دو طرف شمالی - جنوبی است و در عرض کاروانسرا که ۳۰ متر است مال بند می باشد. از در اصلی که وارد می شویم صفه های متعدد در چپ و راست است. روبروی در اصلی سه اتاق منفرد وجود دارد که ظاهراً شاه نشین است. کاروانسرای پر وسعت است که ضلع شرقی آن ۵۰ متر است.

۱۷) پارک جنگلی جوارم:

محوطه زیبا و پهناور جوارم در ۳۸ کیلومتری قائم شهر و ۸ کیلومتری شمال شهر زیراب در جانب شرقی جاده سوادکوه و رود تالار قرار دارد و مسیر دسترسی به آن با یک پل و یک مسیر فرعی خاکی از جاده اصلی منشعب می گردد. در میان جاذبه های طبیعی فراوان سوادکوه، جوارم آماده ترین مکان برای بیتوته مسافران است که برای آن در آینده نیز برنامه هایی در دست تدوین است. ۲۰ الی ۳۰ هکتار از آن توسط سازمان جنگلها و مراتع کشور جهت اجرای طرحهای توریستی واگذار گردیده و پروژه آن نیز در موافقت نامه طرح ملی آماده سازی و

۱. از آستارا تا آستار آباد، ج ۴، ص ۴۲۸.

۲. راهنمای برنامه ریزی سفر در مازندران، روح الله اسحاقی و محمد رضا شیدفر، نشر سازمان ایرانگردی و جهادی استان مازندران، چاپ دوم، سال ۱۳۸۲، ص ۱۲۵.

بهبودی قطبهای سیاحتی ایران منظور شده است .
در حال حاضر جنگل جوارم، از آب آشامیدنی برخوردار بوده و این امر به همراه فضای بسیار زیبای آن با دهها جاذبه طبیعی و جاده و راه آهن سراسری، عوامل بیتوته گردشگران را به ویژه در فصل تابستان فراهم آورده است .

۱۸) ییلاق در اسله:۱

این منطقه زیبا و خوش آب و هوا با چشمه و آبشارهای فراوان، آب گوارا در شمال ایران (آب گلاب دره) دارای شهرت فراوانی است . مسیر دسترسی به آن از پلیس راه سوادکوه آغاز می شود که به دوراهی آزادمهر و جاده آلاشت معروف است . پس از طی ۷ کیلومتر از جاده آسفالتی که به یک دوراهی دیگر در دهستان لاله بند می رسیم که از آنجا از مسیر آلاشت جدا شده و به طول ۲۴ کیلومتر ادامه می یابد تا به در اسله می رسد که امروزه حدود ده کیلومتر از این جاده نیز آسفالت شده و در آینده نزدیک نیز مابقی آن آسفالت خواهد شد. در اسله مجموعه کاملی از جاذبه های گوناگون طبیعی، گیاهی و جانوری است آبشار آن در داخل یک تنگه در انتهای ییلاق در اسله با آب فراوان و آبشارهای کوچک و بزرگ، هوای بسیار مطبوع به ویژه در تابستان هر بیننده ای را مسحور و راضی نگه می دارد.

فصل پنجم:

تبرستان

www.tabarestan.info

آداب و رسوم
و سنتهای محلی

تبرستان

www.tabarestan.info

- (۱) شب چله.
- (۲) کاشت، داشت، برداشت.
- (۳) کشتی لوچو.
- (۴) تیرماه سیزده.
- (۵) عید ماه ۲۶.
- (۶) روزه بندونی.
- (۷) خواستگاری تا عروسی.
- (۸) دود کردن گلپر (کولک).
- (۹) کایرگیری.
- (۱۰) تیرک سری.
- (۱۱) مغنه جنگی.
- (۱۲) تشکیل صندوق ذخیره آخرت.

۱) شب چله:

از اول مردال ماه که برابر با دی ماه شمسی است تا ده روز بعد از شهویر ماه که برابر با بهمن ماه است چله بزرگ، و از یازدهم بهمن تا آخر آن چله کوچک است دو روز آخر چله بزرگ و دو روز اول چله کوچک به چهار چهار معروف است و معتقدند که این چهار روز با هم دعوا و کشمکش دارند و این چهار روز نمودار بدی یا خوبی فصل است و هر طوری این چهار روز بگذرد فصلها نیز به همان نحو می‌گذرد فرضاً اگر روز اول چهار چهار باران بیارد فصل بهار بارندگی زیاد خواهد بود و اگر آفتابی باشد بهار هوا خشک است یا اگر ابری و مه آلود باشد هوا معتدل خواهد بود. سه روز دیگر نیز به همین ترتیب محاسبه می‌شود.

بعد از چله کوچک، عجوز بجوز و شتر چله (پیرزنا چله) می‌آید که مدت آن هفت روز است و هوا در این مدت به شدت سرد و برفی می‌شود.^۱ به نظر می‌رسد که منظور از شب چله همان «شب یلدا» باشد یلدا عید پیروزی نور بر ظلمت (روز بر شب) است که از دوره اشکانیان جزو عید رسمی بوده و مردم ایران و فرا مرز ایران (کشورهای مختلف همسایه ایران) این عید را جشن می‌گرفتند و نوعی تفاهم اجتماعی بین تمام مردمان برقرار می‌شد. از آنجا که در ایام قدیم چون از رادیو، تلویزیون، ویدئو، رایانه، و سایر ابزار، خبری نبود لذا دور هم نشینی و نقل داستان و حکایت از طرف بزرگترها بیشتر مرسوم بوده است. البته امروزه شب یلدا بسیار پررنگ و لعاب شده و خوردن هندوانه و انواع آجیل و شیرینی امری رایج و متداول شده است.

۱. مردمان ایران (مردم‌شناسی و آداب و رسوم اقوام ایرانی) عبدالحسین سعیدیان، انتشارات علم و زندگی، چاپ اول، ۱۳۷۵، ص ۸۵۳.

۲) کاشت، داشت، برداشت

اقتصاد روستا و روستایی بر کشاورزی استوار است. این قشر فعال و مولد جامعه بدترین و سخت‌ترین کارها را انجام می‌دهند تا خود و هموعان آنان در رفاه و آسایش باشند یکی از کارهای سختی که افراد روستائی با آن دست و پنجه نرم می‌کنند کشت محصولات متنوع، خصوصاً جو و گندم است. در کاشت و برداشت این دو محصول که جنبه غذایی نیز دارند مراحل و پست‌سازگذاشت که بدین قرار است:

الف) گوبند سر:

قبل از هر چیز زمین را باید شخم زد از آنجا که در روستا وسایل اتوماتیک کم بود از ابزار اولیه بدین کار می‌پرداختند. ابتدا صاحب زمین دو گاو نر (جونکا) عاریه می‌گرفت آنگاه جت و ازال (گاو آهن) تهیه می‌کرد جت را روی دوش دو گاو نر می‌انداخت و دو طرف جت را به ازال محکم می‌بست گاو آهن روی ازال سوار بود که با حرکت گاو، زمین‌ها را شخم می‌زد در حالی که یک نفر پیشاپیش کارنده بذر می‌پاشید (تیم می‌داد) و چند نفر از پشت سر، گلوله‌های خاک را خرد (کلو) می‌کردند.

بعد از آنکه زمین‌ها به طور کامل کاشته می‌شد اعضای خانواده، خصوصاً مردان جمع شده و زمین را به طور دقیق با اجار و پائه پرچیم می‌کردند که مبادا گاو و گوسفند یا حیوانات دیگر به آن خسارت وارد کنند. زمین کشت شده بیست تا بیست و پنج روز بعد جوانه (تغ - نوج) می‌زد و سبز می‌شد این جوانه‌ها در بهار رشد کرده و قد می‌کشید به هنگامی که ساقه‌ها خوشه می‌بست محصول پاکسز شده به مراقبت و نگرانی بیشتری نیاز داشت.

ب) شوپه:

وقتی محصول خوشه بست و زمان رسیدن آن نزدیک شود کشاورزان برای حفظ

و حراست آن به نگهداری در شب هنگام می پردازند که به آن شب پایی (شوپه) می نامند بدین گونه که خانه‌ای (کیمه‌ای) با شاخ و برگ درختان و خار و بوته‌ها در گوشه‌ای از زمین درست می کنند و در آن شب تا صبح به نگهداری می نشینند و سرو صدا راه می اندازند تا خوکها بترسند و وارد مزرعه نشوند.

شب پایی معمولاً توسط مردان صورت می گرفت گاه در گوشه و کنار زمین آتش روشن می کردند و یا سگی را در نقطه‌ای از زمین می بستند همه این کارها برای این بود تا از ورود خوک (ظالم) به داخل زمین و لطمه زدن به محصول جلوگیری نمایند. بعدها یک شکارچی محلی را به عنوان میرشکار اجیر می کردند تا مزارع همه کشاورزان را مواظبت کند و در برابر این کارش از آنان مزد بگیرد.

ج) کرگیری:

بعد از اینکه وقت دروی محصول فرارسید تمامی اعضای خانواده جمع می شدند و آنها را به وسیله دره (داس) درو می کردند. هر کارگر با چند بار حرکت داس، یک مُشت (چنگ) ساقه درو می کند و سپس هر ده چنگ را در یک دسته و به وسیله چند ساقه به هم می پیچند که به آن (کر دسته) گفته و به مجموعه کُرْها (کسو) می گویند.

بعد از آنکه تمام محصول درو شد کسوها را در خرمنگاه جمع می نمایند اگر بنا باشد یک یا دو ماه بعد عمل خرمن کوبی را انجام دهند کرها را روی چهار پایه‌ای از چوب به نام (کופا) می چینند. به وقت خرمن کوبی مقدار مشخصی از کرها را که می خواهند در یک وهله بکوبند و آن را یک (جینگ) می نامند از کر کופا پایین می ریزند و آن دسته‌ها را در محل خرمن کوبی (جینگا سر) به صورت دایره می گسترند و هر دسته را باز می کنند. و یک نفر در وسط جینگا افسار دو اسب را گرفته و روی ساقه‌ها حرکت می دهد و با تکه چوب نازکی به اسب اشاره کرده در حالی که می گوید «آبیه بیه بیه» اسبها به صورت مرتب به دور خود می چرخند و باعث جدا شدن دانه از ساقه می شوند. دو سه نفر با چوبهای یک یا دو شاخه‌ای به نام «لیفا» خرمن را پشت و رو کرده، گاه‌های جدا شده از دانه را به کناری هدایت

می‌کنند وقتی این جینگ تمام شد جینگ دیگری را هازه داده آن را نیز می‌کوبند تا بدین ترتیب تمام کرها خرمن شود.

د) هپاتن:

دانه‌های جدا شده را در وسط خرمن جمع می‌کنند و با پارویی چوبی به نام «فی» به هوا می‌پاشند تا خرده‌کاه‌ها از دانه جدا شود. اگر احیاناً آشغال یا خرده‌کاهی روی دانه‌ها جمع شود با جارویی از شاخه‌های انار (تلی سازه) آن را بر می‌دارند و گندم یا جوی تمیزی به دست می‌آورند.

ه) کیله کردن:

پیمانانه (کیله) ظرفی چوبی و استوانه‌ای با سه پایه کوچک است که برای وزن کردن جو، گندم، برنج، و مانند آن به کار می‌رود. کیله در نقاط مختلف مازندران در اندازه‌های گوناگون ساخته شده، و معادل‌های متفاوتی دارد. در برخی مناطق مقیاس هر کیله ۶ کیلوگرم و در نقاط دیگر ۷-۸-۹ و ۱۲ کیلوگرم است. در غرب مازندران یک کیله ۱۳/۲۰۰ کیلوگرم در نظر گرفته می‌شود. «کیله سری» آیینی است که طی آن برای هر مرتبه خالی کردن کیله درون کیسه اشعاری خوانده می‌شود که به یک نمونه آن اشاره می‌کنیم:

«اول به نام خدا، دوم برکت دنه خدا، سوم دین محمده، چهارم نام محمده، پنجم پنج تن آل عبا، ششم قبر مصطفی را صلوات، این هفته این هفت، این هفته این هشت، این مشت این مشت، ده برکت دنه خدای بی منت» اولین کیله‌ای که در خرمن کیله می‌شود «مال خداست» و به افراد نیازمند داده می‌شد.^۱

«البته امروزه با وجود دستگاه‌های متعدد و کمباین‌های مختلف تمام این رسوم به هم خورده و به باد فراموشی سپرده شد» (م).

هر یک کیسه محصول را یک «لینگه» و هر دو لینگه را یک «خروار» می‌نامند هر

۱. مجموعه مقالات، در گستره مازندران، دفتر دوم، بنیابی و درگاهی، نشر رسانش، چاپ اول، بهار

خروار یک تاجه اسب است که بر آن سوار کرده به خانه می آورند. زنان روستایی جو و گندم‌ها را به وسیله طبقی چوبی به نام «دونه پاچ» بوجاری و تمیز می کنند و به پشت بام می برند تا در موقع نیاز از آن استفاده نمایند. اگر قرار باشد گندم را آرد کنند آن را به آسیاب (اسیو) برده و از آن آرد تهیه می کنند.

۳) کشتی لوجو:

لوجو از دو کلمه لو و چو ترکیب شده که هر یک دارای معنای جداگانه‌ای است و در حالت ترکیبی و در اصطلاح، لوجو نام یکی از کشتی‌های محلی استان مازندران است که در حالت رسمی خود در مواقع و ایام بیکاری و فراغت روستائیان در یک یا چند روز متوالی که ممکن است تا دو هفته نیز برسد انجام می گیرد. این کشتی بیشتر در اعیاد مذهبی و ملی هم چون عید غدیر، عید فطر، عید قربان، ولادت‌های ائمه اطهار علیهم السلام، عید مبعث، عید نوروز، قبل از نشا و بعد از درو کردن شالی یا به هنگام تشکیل بازارهای محلی، در مراسم عید ماه ۲۳- ۲۴- ۲۵- ۲۶ و برگزاری عروسی‌ها انجام می شود.

در این کشتی هر گونه ضربه زدن به بدن یا سر و گردن حریف، گرفتن گوش و انگشتان دست نیز خطا محسوب می شود در پایان به افراد برتر جوایزی از قبیل گوسفند، گوساله، پستی و پول نقد اهداء می شود.^۱

۴) تیرماه سیزده:

تیرماه، ماه چهارم از ماه‌های باستانی طبری است شب سیزدهم این ماه که به «لال شو» (شبی که لال به در خانه‌های مردم اهالی می آید) معروف است جایگاه خاص و دیرینه‌ای در بین مردم سوادکوه داشته است. لال شو به روایتی به پاس

دلاوری‌های آرش انجام می‌شده و شیش (ترکه یا چوبی از درخت توت که لال با آن اهل خانه را می‌زند) نمادی از آن تیری است که آرش بر چله کمان نهاد و با قدرت تمام پرتاب کرد. اما بعید به نظر نمی‌آید که این عمل همانند کارهای گذشتگان با افسانه و اسطوره توأم شده است.

مردم محلات و روستاها در غروب دوازدهم تیرماه (شب سیزدهم) آماده سیزده شو می‌شوند به این صورت که زنان هر خانه به پخت نان شیرین (رزنون - کچیله نون)، پیسه‌کنده (نوعی حلوا که از آرد، شکر، گردو، دوشابله (دشو)، کنجد و برنج پخته به دست می‌آید)، حلوا ی آرد برنج، پشت زیک (نوعی حلوا از کنجد و شکر) و تهیه تخمه و آجیل می‌پردازند. مرد خانه نیز میوه‌هایی از قبیل سیب، پرتغال، نارنگی و انار از بازار تهیه می‌نماید و همه این کارها برای شب نشینی و دور هم نشینی صورت می‌گیرد که افراد به خانه اقوام و فامیلان خود می‌روند و با گفتن چیستان، داستان، حکایت و لطیفه به شادی و سرور می‌پردازند.

در شب تیرماه سیزده گروهی از جوانان و نوجوانان عمل «لال شو» را انجام می‌دهند که این عمل از ترکیب سه نفر انجام می‌شود. ۱- لال ۲- لال مار (کیسه دار) ۳- چوبدار، البته دو یا سه نفر دیگر این سه نفر را همراهی می‌کردند و به هنگام رسیدن به در خانه‌های مردم اشعار مربوطه را قرائت می‌کردند وقتی صاحب خانه متوجه حضور لال در منزل خودش می‌شد در را به روی آنان باز می‌کرد لال که چوب بلند و نازکی در دست دارد بدون اینکه حرفی بزند وارد خانه می‌شود و با آن چوب بر سر تک تک افراد می‌زند. مردمان روستا معتقدند که کتک خوردن از دست لال سلامتی را برایشان به ارمغان می‌آورد.

بعد از خروج لال از منزل، چوبدار یک تکه حدود یک متری از چوب نازک توت را که قبلاً مهیا کرده بود به داخل خانه پرت می‌کند که مردم روستا این چوب را تا سال آینده نزد خود نگه می‌دارند و می‌گویند این چوب میمون و مبارک است.

سپس صاحب خانه بر حسب شأن و مقام خویش هدیه‌ای نقدی یا غیر نقدی به کیسه دار (لال مار) می دهد این کار در منازل تمام اهل محل انجام می شود و پس از پایان کار، هدایای به دست آمده را بین خود تقسیم می نمایند. قابل توضیح اینکه در زمان های دور، لال شخصی موقر و متین بود و هنگام غروب روز دوازده تیرماه به حمام می رفت و خودش را از کثافات و پلیدی ها پاک می کرد و با خود عهد می کرد که از زمان شروع (لال شو) تا پایان آن سکوت کرده و حرفی نزند.

نکته دیگر اینکه لال برای اینکه تا حدودی برای مردم ناشناخته باشد صورتش را می پوشانید. باید خاطر نشان کرد که در هر محلی یک لال مشخص وجود داشت و در شب تیرماه سیزده همه منتظر او بودند تا به خانه های آنان بیاید اما امروزه نه تنها لال غسلی نمی کند و نیز بیشتر از هر روز دیگر حرف می زند؛ تعدادشان نیز زیاد شده به طوری که هر کوچه و محله برای خود لالی دارد که در صورت برخورد دو دسته در بین راه و کوچه موجب بروز دعوا و مرافعه می گشته است.

دسته چند نفره لال به هنگام ورود به منزل اشخاص، اشعاری می خوانند تا صاحب خانه را متوجه خود کنند این اشعار بدین شرح است: «لال انه، لال انه، پیسه کنده خوار انه، زیراب برار انه، سال آتا وار انه، پارسال بورده امسال انه، با چوغا پشلوار انه، چله بزن دیکه بزن، گتی و کچیکه بزن، هل نشوئه هلون نوه، لال نشوئه گوم نوه»

اعتقاد مردم مازندران اینست که حضرت علی (ع) در شب تیرماه سیزده به دنیا آمده است در یک رباعی منسوب به امیرپازواری چنین آمده است:

یارون بوینین، م مدعا بموئه تیرماه سیزده شو علی دنیا بموئه

صلوات برسین پیغمبر خدا بموئه ختم پیغمبر، موار کوا بموئه

یعنی یاران ببینید که مدعایم آمده، در شب سیزده تیرماه علی (ع) به دنیا آمده

است بر محمد صلوات بفرستید چون خاتم پیغمبران برای مبارکباد آمده است.^۱ البته این حرف صحیحی نخواهد بود زیرا ولادت علی(ع) در ماه قمری نزد ما معلوم است و تیرماه سیزده ماه طبری مازندرانی است و ایندو با هم تفاوت دارند شاید در یکسال شب تیرماه سیزده با شب سیزده رجب مقارن شده باشد (م).

(۵) عید ماه:

همان گونه که ماه‌های سال شمسی و قمری ۱۲ ماه است و هر ماه نام خاصی دارد در منظر مردمان مازندران و نیز مردم منطقه سوادکوه، سال باستانی دارای ۱۲ ماه است که نام‌های آن عبارتند از:

فروردین ماه	سیو ماه:
اردیبهشت ماه	کرج ماه:
خرداد ماه	هره ماه:
تیر ماه	تیر ماه:
مرداد ماه	مردال ماه:
شهریور ماه	شویر ماه:
مهر ماه	مر ماه:
آبان ماه	اون ماه:
آذر ماه	ارک ماه:
دی ماه	د ماه:
بهمن ماه	وهمن ماه:
اسفند ماه	عید ماه:
پنجه دزدیده شده	پتک:

در این گاه شماری ۱۲ ماه ۳۰ روزه وجود دارد و ۵ روز به عنوان (پتک) به آنها می‌افزایند که روی هم ۳۶۵ روز می‌شود. چهل روز اول تابستان را که گرم‌ترین وقت سال است «تاوسون چله» و چهل روز اول زمستان را چله بزرگ «گت چله» و بیست روز بعدی را چله کوچک «خورد چله» و هفت روز بعد از خورد چله را «عجوز» و هفت روز بعدی را «بجوز» و دهه آخر زمستان را «شتر چله یا پیرزنا چله» می‌نامند. در عید ماه که یکی از ماههای باستانی است مراسمی از قدیم الایام در منطقه سوادکوه انجام می‌شود که به نام عید مردگان معروف است. اگر چه در اغلب مناطق سوادکوه فقط ۲۶ عید ماه مشهور است ولی در برخی روستاها در روزهای دیگری این مراسم انجام می‌شود مثلاً در روستای بشل ۲۳، در روستای بشل، چاکسر و مهدی آباد ۲۴، در منگل ۲۵، و در امامزاده حسن و چندین محله دیگر ۲۶ و حتی در بعضی روستاها ۲۷ عید ماه برگزار می‌شود.

بالاخره هر روزی را که در نظر بگیریم اهالی محله‌های آن محل و اهالی مجاور بر سر مزار اهل قبور جمع می‌شوند و هرکسی به نیت اموات خویش خیرات می‌کند و برخی ناهار آماده کرده از مهمانان پذیرایی می‌کنند. در گذشته نه چندان دور این جور مجالس دارای معنویت خاصی بود قرآن سوادان بر مزار در گذشتگان قرآن تلاوت می‌کردند مداح و سخنران به مداحی و سخنرانی می‌پرداختند و برای شادی روح همه رفتگان فاتحه می‌خواندند اما امروزه بیشتر رنگ و لعاب مادی گرفته و جنبه تفریحی به خود گرفته است. در کنار این مراسم، دست فروشان و خرده فروشان اقلامی را برای فروش به این مکان‌ها می‌آورند تا به فروش برسانند حتی در امامزاده حسن کشتی لوچو نیز انجام می‌شود.

توصیه و سفارش به همگان اینست که اولاً به برخی از سنتها و رسوم قدیمی پای بند باشند، ثانیاً هر چه بیشتر بر خلوص و معنویت آن بیفزایند ثالثاً هر کاری را در

جای خودش انجام دهند به قول معروف هر سخن جایی و هر نکته مکانی دارد فلذا سلیقه‌ای عمل نکنند و از تحریف این آداب چندین صد ساله پرهیز نمایند.

۶) روزه بندونی:

هرگاه بچه‌ای (دختر یا پسر) در سن کودکی برای اولین بار موفق به روزه گرفتن شود پدر و مادر و یا پدربزرگ و مادربزرگ آن بچه هدیه‌ای به رسم یادبود و یادگاری به او می‌دهند تا هم نوعی چشم روشنی برای کودک باشد و هم موجب تشویق و دلگرمی فرزندشان شود تا بتواند خود را با سختی‌ها عادت دهد و در انجام تکالیف موفق و کوشا باشد. شایان ذکر است این روزه بندونی بسته به وضعیت مالی افراد متفاوت است بعضی گوساله یا گوسفند و یا زمین را به این بچه می‌دهند و برخی پول به عنوان هدیه می‌دهند. به کسی که برای اولین بار یک ماه مبارک رمضان را روزه بگیرد می‌گویند که او روزه خود را «بَس» کرده است.

۷) خواستگاری تا عروسی:

طبق حدیث نبوی که فرمودند: «النکاح سنتی فمن رغب عن سنتی فلیس منی» یعنی ازدواج سنت منست پس هر کس که از آن اعراض کند و روی برگرداند از من نیست؛ ازدواج یکی از سنتهای رسول خداست که در قرآن مجید نیز نسبت به آن تأکید شده و باعث بقای نسل آدمی و پیوند میان آدمیان می‌شود. حال این امر نیکو در اغلب مناطق، خصوصاً سوادکوه دارای مقدماتی است که به برخی از آنها اشاره می‌شود.

الف) پروانه:

ابتدای کار ازدواج از اینجا آغاز می‌شود که کسی به نمایندگی از طرف داماد به خانه عروس می‌رود و موضوع علاقه پسر نسبت به دختر را با دختر و خانواده‌اش در

میان می‌گذارد و در همین رابطه با همدیگر صحبت‌هایی می‌کنند اگر جواب اولیه دختر و خانواده‌اش مثبت باشد ولی به عللی می‌خواهند این کار را به تأخیر بیندازند مثلاً می‌گویند پدر عروس مسافرت است باید برگردد، دختر می‌خواهد درس بخواند یا یکی از اقوام دختر فوت کرده و به احترام خانواده او باید صبر کرد؛ در این صورت یک هدیه‌ای از طرف پسر به خانواده دختر می‌دهند تا این نشانه از طرف پسر برای دختر باقی بماند و دختر را به خواستگاران دیگر ندهند. به این هدیه که قبل از شروع ازدواج به عروس آینده داده می‌شود «پروانه» می‌گویند. (پروانه یعنی علامت و نشانه)

ب) کباب خوری:

بعد از آنکه رسماً پسر از دختر خواستگاری کرد و جواب طرفین برای این امر مثبت بود مراسم کباب خوری انجام می‌شود و آن بدین نحو است که خانواده درجه یک داماد و عروس در خانه عروس دعوت می‌شوند خانواده عروس شام تدارک می‌بینند و گوسفندی را که از قبل تهیه شده بود آماده و کباب کرده بین مهمانان تقسیم می‌کنند. طبق رسوم، تمامی خرج این شام از طرف خانواده داماد تهیه و تدارک می‌شود. در این جلسه است که میزان مهریه، زمان و مکان عقدکنان و عروسی و غیره مشخص می‌گردد. البته امروزه قبل از هر کاری دختر و پسر هر کدام جداگانه به گروه خون رفته تا خدای نخواستہ طرفین مشکل ژنتیکی نداشته باشند اگر مشکل وجود نداشت بین آن دو عقد دائم برقرار می‌شود سپس برنامه بعدی یکی بعد از دیگری انجام می‌شود.

ج) عقدکنان:

در این مراسم که در بعضی از روستاها همراه با عروسی و در بعضی از جاهای دیگر جداگانه انجام می‌شود خانواده عروس برای داماد و خانواده داماد برای عروس به بازار رفته و وسایلی از قبیل ساعت، کفش، انگشتر یا طلاجات، انواع

وسایل آرایش، انواع لباس و غیره خرید می‌نمایند. در این زمان سعی هر دو خانواده اینست که اولین چیزی که برای شروع زندگی می‌خرند قرآن باشد؛ به امید آنکه قرآن سرلوحه زندگی این دو جوان نوشکفته شود نه آنکه زینت لب طاقچه یا ویترین منزل باشد!

پس از خریدهای متنوع در روز جشن عقدکنان که اغلب در خانه عروس انجام می‌شود سفره عقد از طرف خانواده عروس ترتیب داده می‌شود و مهمانان دو طرف در این محفل، شادی و خوشحالی شرکت می‌نمایند و عاقبتاً با دیگر عقد رسمی را جاری می‌سازد و در دفترش یادداشت می‌کند و عروس و داماد عرق ریزان پای دفتر را امضا می‌کنند سپس طلازنی آغاز می‌شود که طلازنها همگی از خانواده داماد می‌باشند بعد از اتمام طلازنی به صرف میوه و شیرینی می‌پردازند. لازم به ذکر است که تمامی مخارج عقدکنان بر عهده داماد می‌باشد.

د) عروسی:

حداقل مدت فاصله بین عقد و عروسی از چهار ماه تا یک سال و گاه کمتر و بیشتر است و این مقدار فاصله برای شناخت عروس و داماد از اخلاق یکدیگر و نیز آشنایی با خانواده و فامیلان هم دیگر بسیار لازم و مفید است. البته باید متذکر شد که بعضی از افراد خانواده عروس یا داماد به عنوان دلسوزی یا از روی نصیحت چیزهایی را به عروس و داماد تلقین می‌کنند که متأسفانه باعث اختلاف و درگیری طرفین می‌شود که باید پرهیز شود.

به هنگام عروسی دو نفر مرد از طرف داماد و دو نفر زن از طرف عروس افرادی که مد نظر دو طرف هستند را به صورت شفاهی برای شرکت در عروسی دعوت می‌کنند بدین صورت که «فلانی گفته امشوی شام و فردا ناهار شم خدمت درمی» پس بیشتر اوقات برای یک شام و یک ناهار دعوت می‌شدند. اغلب این مجالس در شب جمعه و روز جمعه برگزار می‌شود.

وقتی مهمانان به مجلس عروسی آمدند مردها بعضی از بازی‌های محلی مانند کتک‌کا، بورده بورده، شاه وزیرکا و غیره انجام می‌دهند و زنها با ترانه‌های محلی، لگن زدن و غیره به شادی و شغف و سرور می‌پردازند.

قبل از ناهار عروس و داماد را به حمام و آرایشگاه می‌برند و لباس نو بر تن آنها می‌کنند. راهنمایی داماد توسط داماد پی‌یر (ساقدوش)، و راهنمایی عروس با عاروس مار است. پس از صرف ناهار هدیه‌شوندون در حیاط منزل داماد انجام می‌شود بدین شکل که سفره‌ای در یک محیط باز و صاف (مثل حیاط) پهن کرده انواع میوه فصل و شیرینی روی سفره می‌چینند و یک صندلی در کنار سفره می‌گذارند و در حالی که داماد لباس دامادیش را پوشیده روی صندلی می‌نشیند. یک نفر به عنوان اعلان‌کننده کنار داماد می‌ایستد و فامیلان درجه یک و دیگر مدعوین را به دادن هدیه دعوت می‌کند.

به اولین کسی که هدیه‌اش را می‌آورد «سر هدیه» می‌گویند که معمولاً عمو، دایی، پدربزرگ، و در برخی جاها پدرزن داماد می‌باشد. وقتی اعلان‌کننده پول را از هدیه‌کننده می‌گیرد مبلغ را از او می‌پرسد و با صدای بلند می‌گوید: «فلان فلانی صد هزار تمن، ون پسر عروسی، اگر مجرد باشد می‌گوید ون تن عروسی» یکی پس از دیگری هدایای خودشان را می‌آورند و در پایان پولها شمرده و کل مبلغ را اعلام می‌نمایند. این هدیه نوعی کمک به عروس و داماد است تا زندگی جدیدشان را آغاز کنند البته این نوعی قرض است که باید جبران شود.

بعد از جمع‌آوری هدیه از طرف خانواده داماد برای عروس‌سیار (عروس‌کشون) به خانه عروس می‌روند و طبق مراسمی داماد دست عروس را می‌گیرد که اگر منزل داماد نزدیک باشد عروس‌کشون پیاده انجام می‌شود. و اگر مسیر طولانی باشد با ماشین گلکاری شده این مراسم انجام می‌گیرد و فامیلان دو طرف، عروس و داماد را تا منزلشان مشایعت می‌کنند و به شادی و سرور می‌پردازند و بر سر آنها نقل می‌ریزند.

در صورتی که مسافت خانه عروس و داماد زیاد باشد و قرار باشد شرکت کنندگان در مجلس را جابجا کنند و پلی در بین راه باشد رانندگان برای گرفتن «پل سری» از همدیگر سبقت می‌گیرند و راه ماشین عروس و داماد را سد کرده و مانع از رفتن آنها به منزل می‌شوند و داماد باید هدیه‌ای به آنها بدهد تا راه را باز کنند که برخی مواقع این کار باعث تصادف و صدمات می‌شود.

ه) کلک سری:

پس از آوردن عروس به خانه داماد، بعد از اینکه عروس به داماد به در خانه رسیدند گوسفندی را زیر پای آنها خیرات می‌کنند که در زبان محلی بدان «کلکسری» می‌گویند از نظر شرعی این قربانی نوعی خیرات است و باید بین فقرا تقسیم گردد. اما متأسفانه برخی از جوانان این گوسفند را با شگردهای متعدد می‌ربایند و چند نفری آن را می‌خورند.

بعد از ذبح گوسفند، عروس وارد حیاط منزل داماد نمی‌شود تا هدیه‌ای از سوی پدر شوهر دریافت کند که به این هدیه «لوش بنی» گفته می‌شود. وقتی عروس و داماد وارد حیاط می‌شوند از طرف خواهر یا مادر داماد پولهای خرد یا کاغذی را روی سر آن دو می‌ریزند که بچه‌ها برای جمع کردن آن به زیر پای عروس و داماد می‌روند. سپس داماد، عروس را به طرف حجله خانه هدایت می‌کند دم در اتاق عروس، ظرفی پر از برنج قرار می‌دهند تا عروس آن را لگد بزند و برنجه را بریزد، اگر عروس به مادر شوهرش علاقمند باشد آهسته به آن ظرف لگد می‌زند اما اگر نسبت به او حساس و بدبین باشد لگد محکمی به ظرف می‌زند و تمام برنجه را در اطراف پخش می‌کند.

پس از اتمام عروسی و انجام زفاف، عروس باید در اولین روز آغاز زندگی در خانه شوهر؛ به خانواده داماد صبحانه بدهد؛ لذا افرادی با تجربه و خبیره عروس را در مهیای صبحانه کمک می‌کنند؛ عروس سفره می‌اندازد و وسایل صبحانه از قبیل

چای، شیرینی، حلوا که بدان «مارچی» گفته می‌شود بر روی سفره می‌چیند افراد خانه بر سر سفره حاضر می‌شوند و پس از صرف صبحانه هر کسی به اندازه وسع خود مبلغی روی سفره عروس می‌گذارد.

در فردای عروسی از طرف خانواده عروس غذایی تدارک دیده می‌شود و آن غذا را در غروب به در منزل داماد می‌فرستند که به این غذا «مارکاسه» گفته می‌شود که این غذا به اندازه افراد منزل داماد است و در حکم اینست که پدر و مادر داماد به دو زوج جوان اجازه دهند برای عرض سلام به خانه پدر و مادر عروس بروند.

دو روز پس از عروسی، داماد تعدادی از اقوام نزدیک خود و همسرش را برای صرف شام دعوت می‌کند که این شام به وسیله عروس تهیه شده و به نام «دیس کله» معروف است. به هنگام دیس کله، شوهرکتر (کنگیر) را از دست عروس می‌گیرد تا برنج شل شود و آبروی عروس برود عروس از داماد خواهش می‌کند کترا را بدهد داماد می‌گوید تا فلان قدر مهریه را کم نکنی نمی‌دهم عروس مقداری از مهریه را به داماد می‌بخشد و آن‌گاه کترا را گرفته، به ادامه کار می‌پردازد.

(و) رونما:

بعد از یک یا دو روز پس از عروسی، عروس و داماد برای عرض سلام به خانه فامیلان درجه یک خود می‌روند و از آنها سرکشی می‌کنند صاحبخانه پیوندشان را به آن دو تبریک گفته و عروس هدیه‌ای به نام خلعت که مناسب شأن صاحبخانه باشد به آنها می‌دهد و صاحبخانه به هنگام خداحافظی مبلغی پول به عروس هدیه می‌کند که به این هدیه رونما (پاگشا) می‌گویند.

شایان ذکر است که رسوم دیگری همانند موارکبا، چتر سری، سرتاشی، حنا بندون، پس مجمه، خرج بار و غیره جزو مراسم عروسی به شمار می‌آید.

(ز) سیسمونی:

پس از اینکه چند ماهی از شروع زندگی جدید گذشت و آثار بارداری در عروس

پدیدار گشت مادر عروس و وسایل مورد نیاز یک کودک را اعم از لباس، پوشاک، لحاف و غیره تهیه می‌کند تا بلافاصله پس از تولد نوه‌اش آن را مورد استفاده قرار بدهد. گاه اتفاق می‌افتد مادر عروس حتی تمام اقلام مورد نیاز یک کودک را که تا سن هفت سالگی بدان نیازمند است تهیه می‌کند خصوصاً اگر آن نوزاد، اولین نوه آنان باشد. البته اقوام عروس و داماد نیز پس از تولد نوزاد چیزی به عنوان کادو و چشم روشنی به خانه‌شان می‌آورند.

ح) کلاسری:

وقتی نوزادی در خانواده‌ای به دنیا آمد در و همسایه و فامیلان جهت عرض تبریک به خانه‌اش می‌آیند و تولد نوزادش را به او و خانواده‌اش تهنیت گفته، آرزوی سعادت و سربلندی برای کودک و مادرش می‌نمایند و در پایان مبلغ پولی به بچه می‌دهند که به این هدیه «کلاسری» می‌گویند.

ط) چله زنی:

اگر دو نفر در یک روز یا در یک هفته عروسی کنند و دو عروس همدیگر را ببینند و یکی از آن دو تا مدتی حامله نشود می‌گویند او چله افتاده پس برای از بین بردن آن باید چله بزند لذا به اهل فن مراجعه می‌کند. گاه چنین است که او را به حمام می‌برند و بعد از استحمام، غسل می‌دهند که چهل کاسه آب توسط چهل تاس بر می‌دارند و بیست کاسه را بر سرش می‌ریزند و ده کاسه آن را بر دوش چپ و ده کاسه دیگر را بر دوش راستش می‌ریزند. و گاه این طور است که هفت نخ به اندازه قد آن عروس انتخاب می‌نمایند و دعاهایی بر او می‌خوانند عروس باید آن نخها را در آبی بجوشاند و با آن غسل کند تا از چله رهایی یابد.

در پایان این نکته قابل ذکر است که امروزه بیشتر این رسومات فراموش و ترک شده و جای آن را چیزهای بی‌ارزش و ضد ارزش گرفته و عروسی را به مجلسی زشت تبدیل کرده و مقام و منزلت خانواده‌های محترم را مخدوش کرده و این محفل

میمون و مبارک و حلال را به مجلس فساد و حرام تبدیل کرده است و همت همه جانبه را می طلبد تا نسبت به آداب و رسوم آباء و اجدادی خود، البته با امکانات و ابزار جدید پایبند باشیم و با خیر و خوشی این جور مراسم را به سرانجام برسانیم.

۸) دود کردن اسپند (کولک):

در اینکه چشم برخی از اشخاص شور است یک امر مسلم می باشد چنانچه خداوند کریم به رسول خودش پیامبر اکرم (ص) امر کرد برای اینکه از چشم زخم افراد در امان باشد آیات آخر سوره قلم را بخواند تا از بلاهای در امان بماند لذا به دو آیه آخر سوره قلم، دعای چشم زخم اطلاق می شود. اهالی منطقه سوادکوه نیز برای ابراز انزجار از افراد چشم شور، برخی کارها را انجام می دهند که یک نمونه اش دود کردن اسپند (کولک، گلپر) است.

به هنگامی که کدبانوی خانه می خواهد گلپر دود کند اشعاری را می خواند و جملاتی را برگلپر قرائت می کند آن گاه آن را بر روی ذغال گذاخته و یا بر روی اسپند دود کر می گذارد و بر بالای آتش می گیرد عطر و بوی آن فضای خانه را عطر آگین می کند و به گفته اطبا برای ضد عفونی خانه و برخی بیماری ها مؤثر است.

اشعاری که قبل از دود کردن گلپر می خوانند بدین شکل است که کمی گلپر را در داخل دست قرار داده و آن را در زمان خواندن اشعار دست به دست کرده و باید مواظب باشند که گلپر بر زمین نریزد که گفته می شود این گلپر ها در حکم چشم افراد شورند و باید در آتش ریخته شود اشعار عبارت است از: «شنبه زا، یکشنبه زا، دشنبه زا، سه شنبه زا، چارشنبه زا، پنج شنبه زا، جمعه زا، چشم غریب، چشم آشنا، چشم گت، چشم خورد، چشم زن، چشم مرد، چشم پرنده، چشم چرنده، همه بوره کولک، کولک بوره کله، بترکه چشم حسود و بخیل» و گلپر را بر روی آتش می ریزند و بر اثر شدت حرارت گلپر ها می پزند و برخی خارج از آتش پرت

می‌شوند که گفته می‌شود اینها چشم شور است و آنها را جمع کرده دوباره در آتش می‌ریزند. و در روز جمعه اشعار فوق را نمی‌خوانند چون می‌گویند روز جمعه گلپر شمرده شده می‌باشد.

۹) کایگیری:

از آن جایی که انسان اجتماعی خلق شده و به تنهایی قادر نیست تمام کارهای روزمره‌اش را انجام دهد لذا ضمن اینکه در هر کاری باید به اهل فن مراجعه کرد در برخی از کارها باید همکاری و همیاری نمود و به کمک یکدیگر شناخت. این آیین همکاری و کمک متقابل گرچه در همه امور قابل امکان است ولی (کایگیری) یا همان همکاری دسته جمعی در امر نشاکردن برنج رایج و متداول بوده و تاکنون نیز ادامه داشته است.

و آن بدین شکل است که صاحب زمین چند نفر از همسایه را به کمک خودش فرا می‌خواند آنان صبح بر سر زمین او حاضر می‌شوند دو نفر علفچه‌های شلتوک را از ریشه در آورده، آن را در تمام نقاط زمین پخش می‌کنند بقیه کایر علفچه‌های شلتوک را از هم جدا کرده هر دو سه ساقه را در یکجا در فاصله‌های معین در زمین آماده شده نشا می‌کنند صاحب زمین در آن روز یک ناهار چرب و نرمی برای کارگران درست می‌کند که بدان «نشا پلا» یعنی پلوی نشا می‌گویند.

زمانی که محصول رسیده باشد نیز صاحب زمین دوباره کایگیری می‌کند کایران در یک روز محصول را درو می‌نمایند وسیله درو داس (دره) می‌باشد و هر چنگی که درو می‌کنند در نقطه‌ای از شالیزار قرار می‌دهند و بعد از ظهر همان روز برای بستن کسو (هر ده پانزده چنگ را روی هم گذاشته و با چند ساقه برنج آنها را محکم کرده به صورت یک دسته در می‌آورند که بدان کسو گفته می‌شود) دوباره سر زمین حاضر می‌شوند و کسوها را در یک نقطه مشخص به نام «خرمن» جمع می‌کنند. حال

صاحب زمین یا همان موقع توسط اسب یا کمباین محصول درو شده را خرمن کوبی می‌کنند یا کسوها را برای مدتی روی کوفه (چهار پایه‌ای از جنس چوب و در حدود یک و نیم متر) جمع کرده تا در زمان مقتضی آن را خرمن نمایند (البته امروزه وجود ابزارهای پیشرفته همه رسم و رسومات را به هم زده است)

در مجموع به این همکاری «قرضی» می‌گویند و صاحب زمین موظف است تمام کسانی که به کمک او آمده‌اند را راضی کند بدین صورت که یا مزد آن روز را به خودشان بدهد یا خود شخصاً قرضی آنها را پس دهده

۱۰) مغنه جنگی:

در ایام گذشته نه چندان دور، وقتی بچه‌ها به هنگام عید نوروز به دیدار بزرگترها می‌رفتند بزرگترها سعی می‌کردند به خردسالان و نوجوانان عیدی بدهند گاهی عیدی پول بود و گاه اشیای دیگر، در برخی اوقات مادر بزرگها به نوه‌های خود تخم مرغ پخته که قبلاً تهیه و رنگ آمیزی شده بود می‌دادند.

در بین راه که نوجوانان به دوستان و هم سن و سالان خود برخورد می‌کردند و از وجود تخم مرغ در دست همدیگر مطلع می‌شدند با هم مسابقه‌ای می‌گذاشتند که به «مغنه جنگی» معروف است. نحوه انجام بازی بدین شکل بود که یک نفر یکی از تخم مرغ‌ها را در دست خود قرار می‌داد به طوری که قسمتی از تخم مرغ از لای انگشت شصت و سبابه‌اش نمایان بود حریف بایستی با تخم مرغ خودش ضربه‌ای به تخم مرغ در دست دیگری می‌زد هر کدام از تخم مرغ‌ها که می‌شکست بازنده شده و تخم مرغ شکسته به برنده تعلق می‌گرفت.

۱۱) تیرک سری:

خانه‌ها در مازندران به صورت شیروانی (حلب پوش) ساخته می‌شود لذا «تیرک

سری» در ساختن خانه‌هایی که به صورت شیروانی ساخته می‌شوند مصداق پیدا می‌کند و آن موقعی است که پایه و ستون ساختمان ساخته و سقف زده از وسط و مرکز سقف چوبی به ارتفاع ۲ متر که همین چوب معروف به تیرک است بلند می‌کنند و چهار طرف سقف را به صورت اُریب و شیب با چوب‌های دیگری به نام لت بند و دوشکش و هلابه هم وصل می‌کنند آن‌گاه بالای آن را با سیمکا یا حلب، شیرونی می‌کنند.

به هنگام برپا کردن تیرک، صاحب منزل ناهار مفصلی ^{دارک} می‌بیند و افرادی از خویشان و اقوام خود را دعوت می‌کند و به میمنت بلند کردن تیرک، تیرک سری می‌دهد اطرافیان دعوت صاحب خانه را پذیرفته و در جشن شرکت می‌کنند و به صاحب خانه منزل نو را تبریک می‌گویند صاحب خانه علاوه بر سور هدایایی نیز برای نجار و شاگرد او تهیه کرده و در اختیارشان قرار می‌دهد.

۱۲) تشکیل صندوق ذخیره آخرت:

از اینکه همه انسانها یک روز پا به عرصه گیتی نهند و در یک روز باید از این دنیا سفر کرده و به دنیای باقی بشتابند امری مسلم و بدیهی است چون «کل من علیها فان و یبقی وجه ربک ذوالجلال و الاکرام»^۱ بنابراین در روز مرگ، که صاحب عزا به سوگ نشسته، پذیرایی از مهمانان و شرکت کنندگان در مجلس از جمله دغدغه‌های صاحب عزاست به همین خاطر به تازگی رسمی در اکثر روستاهای سوادکوه به وجود آمده به نام «طرح تشکیل صندوق آخرت» این صندوق توسط اهل یک محل تشکیل می‌شود و دارای هیأت مدیره است و هر عضوی به هنگام تشکیل صندوق، مبلغی را به عنوان حق عضویت اولیه به هیأت مدیره صندوق تحویل داده سرمایه اولیه صندوق جمع آوری می‌شود و در زمان فوت یک نفر،

مبلغ معینی به عنوان کمک نقدی و بلاعوض به صاحب عزا داده می‌شود تا مشکلش در چنین شرایطی حل شود.

قابل ذکر است که در برخی از روستاها مراسم سوم و هفتم توسط صندوق ذخیره آخرت تدارک می‌شود و تمام کارهای آن مراسم توسط اعضای صندوق انجام می‌گردد فلذا خانواده مصیبت دیده هیچ دخالتی در برگزاری مراسم ندارد و دغدغه‌ای هم وجود ندارد. وقتی مراسم تمام شد اعضای صندوق مبلغ تعیین شده را پس از فوت هرکس باید بپردازند. این صندوق دارای اساسنامه بوده و موجودی هرکس در دفترچه‌اش ثبت می‌شود در ضمن این کمک به کسی تعلق می‌گیرد که در این صندوق عضویت داشته باشد. تشکیل چنین صندوق‌هایی و عضویت در آن موجب برکات مادی و معنوی است که همگان را به شرکت در آن توصیه می‌نمائیم.

فصل ششم:

تبرستان

www.tabaristan.info

اعتقادات
و باورهای مذهبی

تبرستان

www.tabarestan.info

اعتقادات و باورهای مذهبی

اگر زن حامله گوشت غاز بخورد شوهرش نیز باید از آن گوشت بخورد در غیر این صورت چشم فرزندش چپ (لوچ - پت) می‌شود.

اگر کسی بی جهت قیچی را به هم بزند و باز بسته کند دعوا می‌شود.

اگر نیم خورده آب کسی را دیگری بخورد گوشه لبش زخم می‌شود.^۱

اگر شب خانه را جارو بزنند خیر و برکت از آن خانه می‌رود.

اگر بر دیوار و سقف خانه‌ای تار عنکبوت (ونده کلی) باشد برای صاحب خانه

فقر به دنبال می‌آورد.

اگر طفل خردسالی تب کرد مادر نباید او را دست بزند زیرا تشنج می‌کند.^۲

اگر مهمان به خانه کسی آمد و نمی‌رود داخل کفش او نمک می‌ریزند تا زودتر

رفع زحمت کند.^۳

اگر کسی روی سگ یا گربه آب بریزد دستش زگیل (گندبوک) می‌زند.

۱. برای درمان آن، شب چاقو یا فلزی را بیرون از اتاق می‌گذارند و صبح ناشتا آن فلز را بر روی زخم می‌گذارند تا خوب شود.

۲. این اعتقاد طبق اصول پزشکی نیز ثابت شده است.

۳. وقتی صاحب خانه دید میهمانان نمی‌روند بچه‌اش را کول کرده این اشعار را می‌خواند «لالا لالا فیروزه، مهمان یک روز دو روزه» مهمان حاضر جواب نیز در پاسخ می‌گوید «لالا لالا گوساله، مهمان یک سال دو ساله». در شعر دیگری صاحبخانه می‌گوید: ای گربه دشو بشو، مهمان یا یک شو یا دشو، مهمان در جواب می‌گوید: ای گربه خش خط و خال، مهمان بماند تا بسال.

اگر کسی مشغول خوردن آب یا غذاست و در گلویش گیر کند، می‌گویند سوغات می‌خوری.

اگر زن حامله، مرده‌ای را ببیند چشم بچه‌اش شور (گیرا) می‌شود یا به هنگام خواب چشمانش باز می‌ماند.

اگر دو عروس در یک روز عروسی کنند و یکدیگر را ببینند چله می‌افتند.

اگر زن حامله سوار بر الاغ شود بچه‌اش (خر دندان) می‌شود.

اگر کسی توی قابلمه یا ماهیتابه غذا بخورد عروسی‌اش بارانی می‌شود.

اگر در فرق مردی دو موی سفید باشد (دارای دو فرق باشد) دوزن می‌گیرد.

اگر کسی در سر و صورت کسی تف بیندازد روی دستش زگیل می‌زند.

اگر کسی عازم سفر است و آدم بد یمنی از جلوی او بگذرد می‌گوید: «مره سگ

پیش بخرده».

اگر طفل یا نوزادی سسکه کند می‌گویند: (مچر دزدیده).^۱

اگر پس‌گردن بچه را بوس کنند بچه (قهر کر) می‌شود.

اگر کف پای کودک را بوس نمایند بچه رشد نکرده و بزرگ نمی‌شود.

اگر مرغ ماده همانند خروس بخواند (قوقولی قوقو کند) باید آن مرغ را کشت.^۲

اگر حیوان حلال گوشتی به واسطه گرگ زخمی شود و آن گوشت را زن حامله

بخورد چشم بچه‌اش شور می‌شود.

اگر زن حامله هوس میوه یا غذایی کرد ولی بدان دسترسی پیدا نکرد دهان

بچه‌اش به هنگام خواب باز می‌ماند.

اگر خاک قبر کسی اضافه بیاید می‌گویند شخص دیگری به دنبالش می‌میرد.

اگر خورشید ظل بگیرد (کسوف پیش آید) مرگ و میر زیاد می‌شود.

۱. برای رفع سسکه نوک بینی نوزاد را سیاه کرده یا تکه‌ای نخ می‌گذارند.

۲. برخی می‌گویند مرغ ماده عاشق خروس شده و این گونه ابراز احساسات می‌کند.

اگر کسی روی آرد یا گندم بنشیند شادی «میمون» می شود.
اگر بخواهند طفل خردسال زودتر راه رفتن را یاد بگیرد او را سوار سگ می کنند.
اگر زن حامله به شیرینی جات علاقمند باشد بچه اش پسر و اگر به ترشیجات
مایل باشد بچه اش دختر خواهد بود.

اگر کسی که می خواهد میوه یا غذایی را به طرف دهانش ببرد از دستش بیفتد
می گویند: «فلانی دله و سه».

اگر روی چای در استکان «چای ساس» قرار بگیرد میهمان می آید.

اگر بچه ای خانه یا حیات را جارو کند مهمان می آید.

اگر کسی بی جهت زیادی بخندد می گویند این خنده گریه در پی دارد.

اگر داروک (قورباغه درختی) شروع به خواندن کند هوا بارانی می شود.

اگر قورباغه ای را بکشند هوا بارانی می شود.

اگر رثوک (روباه) زوزه بکشد کسی می میرد.

اگر قشنی کلاج (زاغ) روی خانه کسی بنشیند و غارغار کند تفأل بد می زنند.

اگر کسی چشمش شور است برای بی اثر کردن آن باید در کفشهایش نمک پاشید

یا آب دهان برایش ریخت.

اگر شال (شغال) زوزه بکشد و سگ در جوابش پارس کند هوا آفتابی خواهد

بود.

اگر ظرفی در خانه بشکند می گویند دفع بلا شده است.

اگر کسی خریزه با ماست بخورد می گویند برایش بد است.^۱

اگر کف پای کسی یا پشت کسی خارش کند می گویند دلش کتک می خواهد.

اگر کدبانوی منزل، خانه را جارو بزند و آشغال را پشت در جمع کند می گویند

۱. در برخی جاها در چنین مواردی این شعر را می خوانند «اگه خانی بوی خلاص، بخه خروازه با

شیطان در آنجا جمع می‌شود.

اگر کسی تخم مرغ را به دست کسی بدهد بینشان دعوا می‌شود.
اگر کسی از روی قابلمه غذا قدم بردارد (گوم بگیرد) آن غذا خورده نمی‌شود.
اگر در خانه‌ای حیوان اهلی باشد می‌گویند بلای آسمانی بر حیوانات وارد می‌شود.

اگر کسی به پشت دراز کشیده، دیگری از رویش قدم بردارد دچار دل درد می‌شود.

اگر زن زائو تنها به جایی برود باید به همراه خود تکه آهن یا فلزی داشته باشد.
اگر زن زائو در ده شبانه روز اول بچه را تنها بگذارد بچه را آل می‌برد.^۱
اگر کسی آماده سفر است، خودش یا دیگری عطسه کند می‌گویند باید صبر کرد
عده کمی می‌گویند باید عجله کرد. (در زبان محلی به یک عطسه «صور» و به دو
عطسه «جخت» می‌گویند، لذا اگر در حین سفر کسی یک عطسه آورد می‌گویند باید
صبر کرد و اگر دو عطسه آورد می‌گویند باید به سفر ادامه داد).

اگر دست یا پای کسی خار برود و بخواهند شب هنگام آن را با سوزن درآورند
می‌گویند شب خار به جای اینکه درآید پایین تر می‌رود پس شب باید صبر کند تا
خار شوهر کند «تلی شی بکنه» و بهتر در بیاید.

اگر روی مژه کسی چیزی باشد و یا بار داشته باشد برایش مهمان می‌آید.
استخوان‌های گوشت قربانی را باید در دل زمین دفن کنند.
ادرار کردن رو به قبله باعث می‌شود که زمین انسان را لعنت کند.
ادرار کردن در آب روان، چشمه و خزانه حمام موجب فقر می‌شود.
اضافه آوردن غذا در بشقاب موجب ناشکری و ناسپاسی است.
آب و آینه روشنایی، آرد و نان برکت است.

۱. کنایه از اینکه بچه جن زده شده و می‌میرد.

برنج خام خوردن خوب نیست.

به هنگام آبکش کردن برنج، یا ریختن آبجوش در جایی باید (بسم الله) گفت. بچه‌ای که (گلس) می‌کند به او جگر سیاه (گلسن سیو) می‌دهند.^۱ به هنگام خشکسالی در تابستان، منبر را داخل رودخانه خشک می‌گذارند تا هوا بارانی شود.

برای قطع بارش پیایی، اسم چهل کچل را نوشته، بر شاخه‌ای آویزان می‌کنند تا هوا آفتابی شود.^۲

به هنگام سقوط نوزاد از بلندی ملائکه او را گرفته و مانع از وارد آمدن ضربه زیاد بر نوزاد می‌شوند.

به پشت خوابیدن خواب پیامبران است، دمر خوابیدن خواب شیاطین است، به چپ و راست خوابیدن خواب ملائک و فرشتگان است.

۱. گلس همان آبی است که از لب و دهان کودک جاری می‌شود.

۲. در میان مردم سوادکوه علاوه بر «کل نویسی» رسم است به هنگام دروی محصول مانند گندم جو و برنج اگر هوا بارانی شود و بارش قطع نشود و محصولات آنها مورد تهدید واقع شود عمل «خروا خیرون وا» را انجام می‌دهند این کار بدین صورت انجام می‌گیرد که تعدادی از جوانان و نوجوانان اهل محل جمع می‌شوند و یک نفر از آنها لباس کهنه و مندرس می‌پوشد و دسته جمعی به در خانه اهالی محل می‌روند و شخصی که لباس کهنه بر تن دارد زیر پله، داخل گل و لای غلت می‌خورد و مابقی این شعر را می‌خوانند: «خروا، خیرون وا، بینج توتک لله وا، هرکی اماره دونه ندا، وشون خنه ره بارون له بدا» آن‌گاه صاحب خانه به عنوان تبرک به آنها برنج، یا هدیه دیگری می‌دهد این کار را در منزل همه اهالی روستا انجام می‌دهند و در پایان برنجها را جمع و شیر تهیه کرده و شیربرنج درست می‌کنند و دسته جمعی آن را می‌خورند این عمل را به این اعتقاد انجام می‌دهند تا باران بند بیاید و مردم بتوانند محصولات خود را جمع آوری کنند. شایان ذکر است آئین طلب آفتاب در مناطق مختلف سوادکوه با عناوین مختلف و انواع گوناگون رایج بوده که البته امروزه به فراموشی سپرده شده است. به هنگام خشکسالی نیز رسومی در سوادکوه وجود دارد به عنوان مثال اگر در تابستان بارش کم شود و شالیزارها خشک گردد منبری را در داخل رودخانه خشک می‌گذارند و نذر می‌کنند اگر باران بیاید آشی پخته در بین اهالی محل پخش کنند با این امید که باران به موقع بیاید و محصولات از خشک شدن نجات یابند).

به بچه‌ای که شب ادراری دارد و یا شلوارش را خیس می‌کند جمعه او را پشت در برده، گوشش را گرفته، می‌گویند «جیش ددر».

به هنگام پرکندن مرغ وقتی آبجوش روی آن می‌ریزند نباید حرف زد زیرا پر پس نمی‌دهد.

به بچه‌ای که لکنت زبان دارد و یا دیر حرف می‌آید تخم کبوتر می‌دهند.

بچه خردسال را نباید زد چون اگر تو یک بار برنی ملائکه ده بار او را می‌زند.

به سر بچه‌ای که پدر دارد نمی‌زنند چون یتیم می‌شود (پیر دار و چه سر دله ره نزنه).

پس از اینکه مهمانها از خانه رفتند نباید بلافاصله خانه را جارو کرد.

تنها خوابیدن و تنها به جایی رفتن بد است.^۱

خوردن دو غذایی که با هم ناسازگارند موجب کک و مک (سی سگ) شدن صورت می‌شود.

خانه‌ای که در آن سگ باشد ملائکه داخل نمی‌شوند.

خانه‌ای که در آن مرغ و خروس و کبوتر باشد ملائک در آنجا رفت و آمد می‌کنند.

خانه‌ای که در آن خروس سفید باشد را خوش یمن می‌دانند.

دعوا کردن جلوی مهمان خوب نیست.

در سر سفره غذا ابتدا بزرگترها دست به غذا می‌برند.

دختر باید با چادر سفید به خانه بخت رود و با کفن خارج شود.

درختی که محصول نمی‌آورد، در شب تیرماه سیزده با داس و تبر، برای تهدید به

قطع کردن. به پای درخت می‌روند تا سال بعد درخت ثمر دهد.

دهن دره کردن «دان بلار» حسود است و به دیگران سرایت می‌کند.

دست خط را نباید در آتش سوزاند چون انسان کور ذهن می‌شود.

۱. بر طبق روایات کراهت دارد انسان به تنهایی در خانه‌ای بخوابد و یا تنهایی سفر برود.

راننده یا فردی که آهسته راه می‌رود می‌گویند دارد عروس می‌برد.
راننده‌ای که بد رانندگی می‌کند و با سرعت زیاد می‌رود می‌گویند دارد سر
می‌برد.

زن حامله‌ای که صورتش پر از جوش باشد می‌گویند بچه‌اش دختر است.
زن غرغرو، شوهرش کم عمر است.

زن بد اخلاق، شوهرش زود پیر می‌شود.

زنی که دوقلو حامله است وسط شکمش خط دارد.

زنی که موی سرش را بیرون بریزد و پرندگان از آن خانه بسازند موجب سردرد آن
زن می‌شود.

زنی که چادرش را پشت و رو سر کند می‌گویند شوهرش زن دیگری می‌گیرد و یا
اینکه سفر زیارتی می‌رود.

سر سفره غذا قهر کردن کار بدی است، اگر دختر قهر کند بدتر است.^۱

سر سفره غذا نباید بی‌جهت بلند شد و یا برای تازه واردین بلند شد چون
بی‌احترامی به سفره است و سر سفره غذا نباید با یکدیگر احوالپرسی کرد.

شکار کردن شانه بسر «هدهد» و پرستو «چلچلا» خوب نیست.^۲

شخص نمازگزار اگر در جلوی چیزی یا کسی باشد جلوی مهرش را تسبیح قرار
می‌دهد تا مابین او و آن چیز یا شخص حائل باشد.

شب در جای تاریک و ترسناک رفتن موجب جن‌زندگی می‌شود.

کسی که موقع راه رفتن زمین می‌خورد می‌گویند «کله دگته نون بخرده».^۳

۱. در این مورد به دختری که قهر کرده می‌گویند: قَرِ کَرِ دِلِه شی ونه آتا کلا یژشی ونه.

۲. عقیده بر این است که این پرنده‌گان با توجه به حلال بودنشان به خاطر اینکه اولین ایمان آورندگان به
ولایت حضرت علی علیه السلام می‌باشند لذا شکار آنها مکروه است.

۳. وقتی نانوا نانی را به تنور بچسباند و نان نپخته داخل تنور بیفتد به آن نان کله دگته نون می‌گویند.

کسی که از بچه‌های مردم عیب جویی کند به سر بچه هایش می‌آید.^۱
 کسی که به هنگام پوست کندن پیاز از چشمانش اشک می‌آید مادر آزار است.
 کسی که منزل دیگری مهمان شود در حالی که صاحب خاته سر سفره غذا
 نشسته باشد به مهمان می‌گویند مادر زنت تو را دوست داشته است.

کسی که مشغول نقل خبری برای عده‌ای است و یک نفر عطسه کند، می‌گویند
 دروغ نگو.

کسی که پوست پیاز و تخم مرغ را بسوزاند جن زده می‌شود.
 کسی که شب با جوراب می‌خوابد یا جوراب بالای سرش باشد خوابهای
 پریشان می‌بیند.

کسی که ترسید باید به وی آب قند «در رزه او» داد.
 کسی که زیاده از حد صحبت می‌کند می‌گویند «سگ کله بخردی» کله سگ
 خوردی.

کسی که سر بزیر و مرموز است به او «بن مول» می‌گویند.^۲
 گوش سگ را می‌برند تا زیرک و گیرا شود.
 موقعی که کدبانوی منزل چای جلوی مهمانها گذاشت و قند را فراموش کرد به او
 می‌گویند دندان ما سفید است.

می‌گویند فلان چیز را نشمرید کم می‌شود.
 موقعی که دوغ را داخل آش می‌ریزند باید آن را با ملاقه (کترا) در یک جهت به
 هم زنند تا آش نبرد.

موقع درست کردن حلوای آرد برنج نباید خنده کرد چون حلوا به هم نمی‌چسبد.

سرشونه ته وچونه.

۱. شعری در این زمینه چنین می‌گوید: خنده نزن کسونه

۲. این مطلب را به صورت شعر چنین توضیح می‌دهند:

بترس از ابر سفید و آدم نرم»

«ترس از ابر سیاه و آدم گرم»

مهمان حبیب خداست و روزی اش را با خود می آورد.
 مرغی که کرچ شد و روی تخم خوابید به هنگام رعد و برق تکه آهنی کنار تخمها می گذارند تا جوجه داخل تخم «جیک مرد» نشده و نمیرند.
 نباید ریزه های نان را لگد کرد چون باعث از بین رفتن برکت و کوتاهی عمر می شود.

نباید نان را با یک دست نصف کرد و یا با چاقو برید و یا روی آن چیزی گذاشت.
 ناخن گرفتن در شب و روزهای دوشنبه و چهارشنبه بد است.^۱
 وقتی بچه ای را به دنبال کسی می فرستند به او می گویند تف ریختیم تا خشک نشده باید برگردی وگرنه کچل می شوی.

وقتی شکارچی اولین پرنده اش را صید کرد و با چاقو سرش را برید چاقو را در زمین فرو می کند و می گوید جفتت را بیار به این امید که پرندگان دیگری نیز صید کند.

وقتی کسی سال به سال خانه اقوام خود نمی رود می گویند پشت سرش تیله شکستند.

وقتی کسی می خواهد کفش خود را در آورد و کفشها روی هم قرار گیرند می گویند مسافرت در پیش دارد.

هنگام تناول غذا، هرگاه سگ یا گربه ای به انسان نگاه کند باید لقمه ای به آنها داد.

هنگام ماه یا خورشید گرفتگی «خسوف و کسوف» زن حامله به هر کجای بدنش دست بزند همان قسمت از بدن بچه اش سیاه می شود.

هرگاه کسی از سفر زیارتی حج و کربلا برگردد و دیگری کفش او را بلافاصله بپوشد همان سفر نصیب او می شود.

۱. مستحب است در روزهای پنج شنبه و جمعه ناخن بگیرند.

هرگاه کسی بخواهد بین دو نفر اختلاف ایجاد کند دو ناخن انگشت شصتش را به هم می‌ساید.

هرگاه هنگام صرف صبحانه چند استکان در یک ردیف قرار گیرند مهمان می‌آید.

هنگامی که ماه یا خورشید بگیرد تیر شلیک می‌کنند یا با فاشق بر زیر دیک و قابلمه می‌کوبند.

هرگاه شب هنگام ببینند نوری به طرف قبرستان یا مسجد و حسینیه‌ای می‌رود صلوات می‌فرستند.

هرگاه کف دست راست کسی خارش کند می‌گویند پول به دستش می‌آید و اگر دست چپش خارش کند پول از دستش می‌رود.

هرگاه خروس جلوی در ورودی خانه «نال سر» یا روی پله و بالکن «درون» قوقولی قوقو کند می‌گویند مهمان در راه است.

تذکر: ممکن است یک یا چند تا از این باورها صحیح و یا غلط باشند. «م»

فصل هفتم:

تبرستان

www.tabarstan.info

سرگرمیها
و بازیهای محلی

تبرستان
www.tabarestan.info

سرگرمیها و بازیهای محلی

- (۱) اغوز کا (اغوز بازی)
- (۲) هفت سنگ کا
- (۳) کمر بند کا
- (۴) سنگ کا (تیپ کا)
- (۵) وسط کا
- (۶) چشم دوسکا (گوم پنجیک کا)
- (۷) (الک کا) الک دولک
- (۸) سنگ سنگ را
- (۹) کلورد کا
- (۱۰) پاپه لوس کا
- (۱۱) لیبکا (آمپور کا)
- (۱۲) پرپر پرپر میچکا پر
- (۱۳) مغنه کا
- (۱۴) اینک را، اونک را
- (۱۵) ببو قرداش
- (۱۶) زنگله زبر زو

توجه:

«کا» در زبان محلی به معنای سرگرمی و بازی است فلذا به صورت موصوف در پی هر کلمه آمده نوع آن بازی را روشن می‌سازد مثل هفت سنگ کا (هفت سنگ بازی) و جالب است بدانیم صفت و موصوف در زبان محلی مازندرانی برخلاف صفت و موصوف در زبان فارسی و موافق با زبان انگلیسی است به عنوان مثال در جمله «سیب سرخ» سرخ صفت و سیب موصوف است اما همین جمله در زبان محلی «سرخ س» یا همان سرخ سیب تلفظ می‌شود که اول صفت و بعد موصوف می‌آید.

در شهرستان سوادکوه در هر روستا و منطقه میان جوانان بازی‌های مختلفی انجام می‌شده که برخی قابل تصویر و نوشتن است اما برخی دیگر را فقط می‌شود بر زبان جاری کرد ولی روی کاغذ آوردن آن مشکل است لذا به آنهایی که قابل نوشتن نیستند فقط اشاره می‌شود و در مورد بقیه در حد توان توضیحاتی داده خواهد شد.

هدف ما زنده کردن یاد و خاطره دوران گذشته و نیز حال و هوای نوجوانان و جوانان آن روزگار می‌باشد لذا شاید این مطالب برای فرزندان امروزی (که پسران جز فوتبال و برخی بازیهای تصویری و دختران جز خاله بازی و عروسک بازی چیزی نمی‌دانند) چندان خوشایند و جالب نباشد اما آنهایی که الان پا به سن گذاشته‌اند در گذشته این بازیها را انجام می‌دادند و یا آن بازیها را به چشم دیده‌اند قطعاً جالب توجه خواهد بود و فرزندان این دوره را با برخی از گذشته‌های تاریخی خودشان آشنا می‌کند.

(۱) اغوزکا (اغوز بازی)

اغوز بازی «گردو بازی» از جمله بازیها و سرگرمیهای رایج بین نوجوانان منطقه

سوادکوه بوده است. حداقل نفرات برای این بازی دو نفر است و به چند صورت؛ دس دله کا، کل بکلی (پک کا)، سربسری (کشت کا)، آرچین کشت، و غیره انجام می‌شود. در این بازی طبق قرارداد هر کدام از بازیکنان یک یا چند کشت گردو را روی زمین و در کنار هم می‌کارند.

نوع چینش گردوها در روستاهای سوادکوه متفاوت است در برخی جاها به صورت خطی است و در بعضی نقاط دیگر به صورت هم‌پور می‌باشد. پس از کاشتن گردوها بازی به دوروش در هداکا و اینسراونسرکا انجام می‌شود. اگر بازی به شیوه در هداکا آغاز شود اولین بازیکن یک فاصله خاصی را انتخاب کرده می‌گوید من اینجام، دیگران نیز یکی پس از دیگری به اندازه توان جایی را انتخاب می‌کنند هر کسی که فاصله‌اش با گردوهای کاشته شده بیشتر باشد به اصطلاح دارا (برتر و بالاتر) است. باید نفر اولی باشد که به گردوهای کاشته شده شلیک نماید و به همین ترتیب ادامه دارد تا نوبت به نفر آخر برسد.

اما اگر بازی به شیوه اینسراونسرکا آغاز شود همگی از فاصله‌ای در حدود ۱۵ یا ۲۰ متری می‌ایستند و به طرف کاشته‌ها نشانه می‌روند باز هم هر کدام که دارا شد زودتر به سوی هدف شلیک می‌کند. در این مدل از بازی، هم از پائین (بن درمه) و هم از بالا (سر درمه) کشت می‌برد.

به گردوی بزرگی که با آن کاشته‌ها را هدف قرار می‌دهند شغله یا تیرک می‌گویند. که گاه از گردوهای کاملاً گرد و بزرگ تهیه می‌شود و گاه گردویی را از وسط نصف کرده داخل آن را خالی نموده و در آن خورده شن و ماسه می‌ریزند و با چسب آن را محکم می‌کنند. هر کدام از بازیکنان برای اینکه بازیکن رقیب نتواند به هدف بزند و کل یا کشت نبرد گردویی زیر بغلش قایم می‌کند و این جملات را بر زبان جاری

می‌کند «هوتمه، هوت علی، زیر بغلی، سرپه ری، کل نوری، به حق مرتضی علی» یا در جاهای دیگر می‌گویند «من کلبن بکامه، من کور چیند کامه» این جملات اشعارگونه را به این امید می‌خوانند تا حریف قادر به شکار گردوها نشود.^۱

(۲) هفت سنگ‌کا:

این بازی گروهی بین دو دسته سه یا چهار نفری انجام می‌شود و نحوه انجام آن بدین گونه است هفت سنگ یا چوب صاف حدوداً به اندازه نعلبکی و یک توپ (از جنس پارچه یا پلاستیک) که به اندازه توپ گلف است تهیه می‌کنند. سنگها را روی هم قرار می‌دهند و یک نفر از گروه اول پشت سنگها می‌ایستد نفرات گروه دوم با توپ از یک فاصله معینی به سوی سنگها نشانه‌گیری می‌کنند تا چینش سنگها را خراب نمایند. اگر هیچ کدام از این گروه به هدف نزنند نوبت به گروه مقابل می‌رسد. اما اگر به هدف زده و سنگها را بریزند گروه اول که پشت سنگها قرار داشتند وظیفه دارند با توپ افراد گروه دوم را بزنند و گروه دوم نیز وظیفه دارند سنگها را روی هم بچینند.

اگر یکی از نفرات گروه دوم مورد هدف توپ گروه اول قرار بگیرند بازی را می‌بازند و باید بازی را به گروه اول واگذار کنند اگر گروه دوم موفق شوند سنگها را روی هم بچینند برنده اعلام شده گروه اول وظیفه دارند نفرات گروه دوم را به فاصله ۱۵ تا ۲۰ متر «کول سواری» بدهند.

(۳) کمر بند‌کا:

این بازی گروهی با دو دسته چهار نفری انجام می‌شود شیوه بازی بدین نحو است که یک مربع در اندازه ۳×۴ روی زمین مسطح می‌کشند چهار کمر بند در چهار

۱. با اضافات به نقل از علی (ع) در فرهنگ مردم مازندران، علی صادقی، ص ۶۰.

گوشه آن قرار می‌دهند و هر نفری مواظب یک کمربند می‌شود این گروه داخل مربع هستند و گروه مقابل بیرون از مربع و در فضای زمین بازی جولان می‌دهند و سعی دارند کمربندها را از حریف برابند.

گروه اول که داخل زمین هستند وظیفه دارند از کمربندها محافظت کنند و گروه دوم که بیرون هستند سعی دارند با سماجت آن کمربندها را بگیرند بدون اینکه تسلیم شوند اگر گروهی که خارج زمین هستند بدون خطا کمربندها را از دست رقیب بگیرند برنده هستند اما اگر گروهی که داخل زمین هستند یکی از افراد حریف را دستگیر کرده و به پای او ضربه‌ای بزنند برنده شده و جای دو گروه عوض می‌شود.

هرگاه گروهی که موفق به ربودن کمربندها گردید شایسته جایزه می‌شوند و جایزه آنها اینست که نفری یک کمربند گرفته و به جان افراد داخل زمین می‌افتند آنان وظیفه دارند فقط کمر به پایین را بزنند حریف با چنگ و دندان مواظب خودش است تا کتک کمتری بخورد این کار آنقدر ادامه دارد تا گروه بازنده یکی از یاران برنده را دستگیر کرده به داخل زمین آورد و پایش را بزند در این حالت بازی تمام شده و دوباره بازی را آغاز می‌کنند.

۴) سنگ کا (تیپ کا):

این بازی حداقل با دو نفر آغاز می‌شود تعداد سه یا پنج سنگ مدور به اندازه لوبیا چیتی یا حبّه قند تهیه می‌کنند و طی چند مرحله این بازی را انجام می‌دهند که در مرحله‌های مختلف متفاوت است اما به طور کلی به صورت زیر انجام می‌شود سنگها را با یک دست روی زمین می‌ریزد و یک دانه از سنگ را انتخاب کرده به هوا می‌اندازد و در هر نوبت سنگها را یکی یکی می‌گیرد در مرحله دوم همان کار قبلی را می‌کند و را جفت جفت می‌گیرد در مرحله سوم اول یکی را و بعد سه تا را می‌گیرد

در مرحله چهارم یک سنگ را هوا انداخته و چهار سنگ دیگر را به یکباره به زمین گذاشته و به یکباره باید بگیرد مرحله پنجم عوض بدل، مرحله ششم آب پاش گلاب پاش و نشک بشک (نشکن بشکن) و مرحله هفتم موج و مرحله هشتم عروس انجام می شود. به هنگام عروس انگشت اشاره دست چپ را روی انگشت وسط قرار داده، آن وقت انگشت وسط و شصت را روی زمین می گذارند به طوری که شبیه دروازه می شود سپس با دست راست سنگها را مقابل دست چپ می پاشد. حریف یکی از سنگها را به عنوان عروس انتخاب می نماید بازیکن بدون اینکه دستی به عروس بزند باید بقیه سنگها را داخل دروازه بیرون کند و نوبت آخر به همان سنگ عروس می رسد. که باید از داخل دروازه خارج شود. کسی که تمام مراحل فوق را پشت سر بگذارد یک امتیاز می آورد و بدین گونه بازی تداوم پیدا می نماید. «شایان توجه است که بازی سنگ کا (تیپ کا) همان بازی معروف یک قل دو قل می باشد»

۵) وسط کا:

این بازی گروهی فقط با یک توپ انجام می شود که باید حداقل چهار نفر باشند و یک فاصله دو یا سه متری را در نظر می گیرند یک گروه وسط بازی در محوطه قرار می گیرند و گروه دیگر دو طرف زمین قرار می گیرند و گروهی که در بیرون زمین هستند با توپ سعی می کنند که نفرات داخل زمین را با توپ هدف قرار بدهند و هرگاه توپ به بدن یکی از افراد داخل زمین برخورد از دور بازی خارج می شود تا یک نفر در زمین باقی بماند و آن یک نفر اگر ده دور بازی کند و توپ به او نخورد دوباره یارانش داخل زمین می شوند و دوباره بازی از نوع آغاز می شود. اگر نفر آخر با توپ هدف قرار گیرد آنها از دور بازی خارج شده و گروه دوم وارد زمین می شوند و بازی ادامه پیدا می کند.

باید گفت اگر در بین بازی افراد درون زمین بتوانند توپ را با دست خودشان بگیرند آن یک «بُل» محسوب می‌شود که به تعداد «بُل» می‌تواند در صورت برخورد با توپ دوباره در داخل زمین باشد و یا یارانش که در بیرون زمین هستند را وارد زمین کند به این بازی وسط کا گفته می‌شود که معادل فارسی آن «دژبال» است.

۶) چشم دوسکا (گوم پنجیک کا):

این بازی نیز گروهی است و تعداد خاصی در آن مد نظر نیست نحوه بازی بدین صورت است که یک نفر به عنوان «ماره» باید انتخاب شود نحوه انتخاب ماره به صورت «پلم، پلیم، پم» و یا طرق دیگر انجام می‌شود. وقتی ماره انتخاب گردید در یک مکان ثابتی می‌ایستد و چشمانش را می‌بندد و بقیه در جایی قایم می‌شوند وقتی همه قایم شدند ماره به دنبال افراد می‌چرخد و کسانی را که پیدا کرد به مکان اصلی که چشم بسته بود برگشته، می‌گوید «جیک جیک یا سوک سوک» اگر یک نفر از افراد که قایم شده بود به آن مکان ثابت آمد و ماره را غافل گیر نموده و جیک جیک کند ماره بازنده شده دوباره باید چشم نگه دارد اما اگر ماره همه را دید و جیک جیک کرد نفر اولی که دیده شده باید چشم نگه دارد و بقیه قایم شوند جالب است بدانید که وقتی ماره چشم می‌بندد تا دیگران قایم شوند چند بار این اشعار را می‌خواند:

«ده بیست سی چهل پنجاه شصت هفتاد هشتاد نود صد، پنجاه به پنجاه همه جابجا، روز روشن پاپلی منگوره بدوشن» یا می‌گوید: «ده بیست سه پونزه، هزار و شصت و شونزه، هرکی می‌گه شونزه نیست، هفده هجده نوزده بیست» و در پایان می‌گوید «بیام» این کلمه را به کار می‌برد تا با زیرکی خود جای مخفی افراد را شناسایی کند. این بازی در فارسی همان بازی «قایم باشک» می‌باشد.

۷) الک دولک (الک کا):

الک کا یا همان بازی الک دولک، با دو تکه چوب، که یکی حدود بیست سانتی متر و دیگری یک متر است انجام می شود. طریقه بازی بدین روش است که یک چاله کوچکی در زمین تعبیه می کنند یک نفر به وسیله الک ضربه ای بر دولک وارد می کند و آن را پرتاب می کند آن گاه الک را به صورت عمودی روی چاله قرار می دهد طرف مقابل بازی باید الک را به سوی دولک پرتاب کند که اگر به دولک برخورد کرد او برنده است ولی اگر به دولک برخورد نکرد شخص اول باید الک را از زمین برداشته سه بار بر دولک ضربه بزند در این وقت اگر به دولک نخورده و یا زمین برخورد کند در اصطلاح کک کرده و بازنده است و اگر الک در هر سه بار به دولک برخورد و از جای اولیه اش فاصله بگیرد از همان نقطه تا سر چاله باید توسط دولک اندازه گیری شود هر عددی به دست آمد جزو امتیاز به حساب می آید در پایان هر کدام که امتیازاتش بیشتر گردید برنده است.

۸) سنگ سنگرا:

این بازی توسط چند نفر انجام می شود و آن بدین شکل است که یک نفر به عنوان ماره انتخاب می شود و بقیه در یک ستون در کنار هم قرار می گیرند و دو دست خود را در پشت سر خودشان حلقه کرده نیمه باز نگه می دارند ماره حبه سنگی را در دست خود گرفته و در حالی که می خواند «سنگ سنگرا، سنگ سنگرا، بردار و برو» به داخل دستان بازیکنان اشاره کرده تا بالاخره این سنگ را داخل دست یکی از نفرات قرار می دهد آن بازیکن باید به طور یواشکی به طرف جلو حرکت نموده و چند متر جلوتر مقابل دیگر بازیکنان بایستد البته دیگر افراد باید متوجه باشند که ماره سنگ را دست چه کسی قرار داده وقتی آن نفر می خواهد فرار کند باید پایش را بزنند تا بازی از نو آغاز شود.

ماره درگوش تک تک افراد رفته نام خاصی برای هر کدام انتخاب می‌نماید به عنوان مثال اگر افراد پنج نفر باشند به ترتیب نامشان را دوچرخه، موتور سیکلت، زیان، رنو و پیکان قرار می‌دهد سپس رو به نفر مقابل کرده می‌گوید عمو عمو، او جواب داده می‌گوید بله عمو، ماره می‌گوید کدام یک از این پنج تا را می‌خواهی و نام آن پنج نفر را می‌برد هر نامی را که آن فرد اختیار کند آن شخص باید برود و او را از همان مکان تا جای خود کول کند در این هنگام بازی تمام شده، از نو آغاز می‌شود.

۹) کلوردکا:

این بازی دو نفره انجام می‌شود بدین صورت که هر یک از این دو نفر سه سنگ صاف به اندازه سینی یا بشقاب انتخاب می‌کنند و هر کدام را با فاصله ۲۰ تا ۳۰ سانتی متر پشت سر هم روی زمین می‌کارند فاصله بین این دو شخص حدود ۳۰ تا ۴۰ متر است. وقتی سنگها را با فاصله معین پشت سر هم قرار داده‌اند طبق قرارداد و نوبت، هر کدام تعداد سه یا چهار سنگ کوچک برداشته به طرف سنگها که در زمین کاشته شده نشانه می‌روند هر کدام زودتر با سنگ کمتر به هدف زده و آن را از حالت ایستادگی در آورد برنده است و یک امتیاز کسب می‌کند و دوباره بازی از نو آغاز می‌شود این بازی ضمن اینکه برای تقویت بازو مفید است نشانه روی افراد به طرف هدف را نیز تقویت می‌کند.

۱۰) پاپه لوس کا:

طرز تهیه پاپه لوس دو نوع است یک نوع آن را از پوست گوسفند تهیه می‌کنند بدین صورت که پوستی که دارای پشم بلند باشد تهیه می‌کنند و آن را در حالی که حدود یک سکه بیست و پنج تومانی است برش می‌زنند.

برای اینکه وزن پوست سبک است و نمی‌توان با آن بازی کرد کمی قیر یا یک ماده چسبناک به زیر پوست می‌مالند و سکه یا درنوشابه را به آن می‌چسبانند که این پاپلوس آماده می‌شود.

نوع دیگر پایه لوس را از پارچه یا نخ کاموایی درست می‌کنند که طرز درست کردن آن چنین است: پارچه یا نخ‌ها را به اندازه حدود ده سانتی متری برش می‌دهند و به طور ضربدر و یک در میان روی هم قرار می‌دهند وقتی پارچه یا نخ‌ها به اندازه کافی آماده شد وسط آن را با نخ‌ی به طور محکم می‌بندند این پاپلوس آماده است اما برای اینکه وزنش سنگین شود و با وزش باد به این سو و آن سو نرود آن را کمی خیس می‌کنند.

اما نحوه بازی به دو صورت است روپا، غیر روپا، در روپا یک پای بازیکن ثابت است و با پای دیگر بازی می‌کند و این پای که بازی می‌کند نباید با زمین برخورد کند و با همان پا، و با روی پا به پایه لوس ضربه می‌زند و هر ضربه که به پاپلوس می‌زند یک امتیاز حساب می‌شود و هر کس بتواند ضربات بیشتر به پاپلوس بزند برنده میدان خواهد بود.

اما روش غیر روپا اینست که هر دو پا بر روی زمین است و این روش نیز به دو شکل انجام می‌گیرد ضربه با درون پا که یک امتیاز دارد و ضربه به صورت پشت پا «پشت کاب» که ده امتیاز دارد بازیکن ماهر در این روش کسی است که چندین پشت کاب را پیایی و بدون مکث بزند و ماهرتر کسی است که از دو جهت چپ و راست بتواند پشت پا بزند.

در هر دو روش روپا و غیر روپا، اگر پایه لوس بر روی زمین بیفتد بازی به حریف واگذار می‌شود و امتیازهای به دست آمده در هر دوره با هم جمع می‌شوند و در پایان مجموع امتیازات به دست آمده را حساب می‌کنند تا برنده بازی معلوم شود و طبق قرار، یک فاصله‌ای را برای سواری در نظر می‌گرفتند و بازنده مجبور بود این

فاصله را به برنده سواری بدهد. باید گفت که پایه لوس کا، نوعی ورزش است که بازیکن در تکاپوست و برای تقویت ماهیچه‌ها و عضلات بسیار مفید است. لازم به ذکر است که هر چه پاپلوس پارچه‌ای نخ کش‌تر باشد جنس پاپلوس از نظر کیفیت مرغوب‌تر خواهد بود.

در حین بازی پاپلوس، چه در روش روپا و یا غیر روپا، اگر بازیکن تعادلش به هم بخورد و قادر به ادامه بازی نباشد می‌تواند پاپلوس را در حالی که در روی هوا معلق است با دستانش بگیرد تا از دور بازی خارج نشود اما هر چه امتیاز در این مرحله آورده صفر شده و مجدداً با شروع بازی امتیازات از اول حساب می‌شود از آن جایی که بازی پاپلوس فقط با پا انجام می‌شود لذا امتیازات را با نام پا شمارش می‌کنند بدین ترتیب که هر دو بار ضربه‌ای به پاپلوس زده می‌شود یک پا حساب می‌کنند و در حین شمارش می‌گویند، این یک پا، این دو پا، این سه پا و...

(۱۱) آمپورکا (لیب‌کا):

این بازی معمولاً دو نفره و به دو شیوه انجام می‌شود در شکل اول، هفت خانه به شکل مربع روی زمین می‌کشند سه تا در یک ردیف و چهار تا در یک ردیف دیگر، به ترتیب خانه‌ها را شماره بندی می‌کنند خانه شماره چهار، جای استراحت و خانه شماره هفت جهنم است. یک سنگ شش یا هفت سانتی متری به شکل مربع یا مستطیل انتخاب می‌کنند و مقابل خانه اول می‌ایستند و سنگ را می‌اندازند و با یک پا شروع می‌کنند و با ضربه‌ای سنگ را از خانه‌ها به ترتیب عبور می‌دهند و در خانه چهارم استراحت کرده و بعد ادامه می‌دهند در خانه ششم باید به سنگ ضربه محکم بزنند که سنگ از خانه هفتم عبور کرده و از زمین بازی خارج شود و دور اول تمام شود و در ادامه سنگ را به خانه دو، سه، چهار، پنج و شش برده این بازی را ادامه می‌دهند.

بعد از این نوبت به یک ضرب، دو ضرب و سه ضرب می‌رسد که در این مرحله در یک ضرب یک ضربه و در دو ضرب، دو ضربه و در سه ضرب، سه ضربه در هر خانه باید به سنگ بزنند اگر در موقع انداختن سنگ به درون زمین یا در هنگام بازی سنگ بر روی خط قرار بگیرد و یا پای بازیکن روی خط برود و یا پایش روی زمین قرار بگیرد و یا اینکه سنگ در داخل خانه هفتم واقع شود بازیکن سوخته و باید جایش را به بازیکن دیگر بدهد وقتی تمام این مراحل انجام شد یک بار بدون سنگ و با چشم بسته از خانه اول به خانه دوم و سوم و چهارم می‌رود و در خانه چهارم چشمانش را باز می‌کند و باز چشم را بسته و تا آخر ادامه می‌دهد در این مرحله زمانی که با چشمان بسته حرکت می‌کند می‌گوید:

«آ، آ، آ» و «وا» و «وا» در خانه چهارم گفته و چشمانش را باز می‌کند سپس می‌گوید «آ، آ، آ، آ» و از خانه چهارم تا ششم را طی می‌کند.

دوباره سنگ را در دست گرفته لی لی کنان از خانه اول، دوم و سوم به بیرون زمین می‌رود قسمت زاویه زمین ایستاده و سنگ را به طرف جهنم (خانه هفتم) می‌اندازد و دوباره از خانه اول با چشمان بسته می‌رود و در خانه چهارم چشم را باز می‌کند و سنگ را خوب در نظر می‌گیرد و باز چشم را بسته و ادامه می‌دهد و در خانه هفتم باید به سنگ ضربه بزند که سنگ بیرون از زمین برود بعد از این بازی کن پشت به زمین ایستاده و این اشعار را می‌خواند: «خانه بگیرم، کج، صحیح، نه خانه اجاره، خانه اجاره» یعنی اجازه می‌دهی خانه بگیرم، آیا کج ایستاده‌ام یا نه درست ایستاده‌ام؟ آن گاه سنگ را از بالای سرش پرت می‌کند که اگر بیرون از زمین یا بر روی خط یا خانه هفتم بیفتد سوخته و گرنه خانه‌ای که در آن سنگ قرار گرفته برای بازیکن خواهد بود و با خانه‌ای که گرفته، بازیکن مقابل در هنگام بازی باید از صاحب آن خانه اجازه بگیرد تا وارد خانه‌اش شود و اگر اجازه وارد شدن خانه را نداشته باشد و داخل خانه شود سوخته است. که به این بازی در زبان فارسی «لی

لی» گفته می‌شود. شایان ذکر است که بازی دیگری هم وجود داشت به اسم «رشتی بازی» که شبیه لی لی است با این تفاوت که دارای نه خانه است.

۱۲) پرپر پرپر میچکا پر:

بچه‌ها به صورت دایره وار می‌نشینند و یک نفر به عنوان «ماره» انتخاب می‌شود پس انگشت سبابه‌اش را به زمین می‌زند و می‌گوید «پرپر پرپر میچکا پر» و دیگر اعضا می‌گویند «میچکا پر» و باید همه دست خودشان را بالا بیاورند و دوباره ماره چیز دیگر می‌گوید و آنها باید تکرار کرده و دست را بالا آورند. اعضا باید حواسشان جمع باشد که اگر ماره از چیزی که پر نمی‌زند اسم برده آنها دست بالا نکرده و آن کلمه را نگویند و هرکس حواسش جمع نباشد و به اشتباه پاسخ دهد می‌سوزد آن گاه فرد خطا کار را در وسط به پشت می‌خوابانند و دسته جمعی دستهای خود را روی پشتش می‌گذارند و با شمارش یک دو سه همگی دستها را بلند کرده بر پشت او فرود می‌آورند و این گونه فرد خطا کار تنبیه می‌شود و بازی دوباره ادامه می‌یابد که به این تنبیه «تاب تاب خمیر» گفته می‌شود که وقتی می‌خواهند تنبیه کنند می‌گویند: «تاب تاب خمیر، شیشه با پنیر، دست کی بالا». (البته نوع تنبیه را خود اعضا تعیین می‌کنند مثلاً: سوزن، قیچی، مشت و...)

۱۳) مغنه کا:

در مراسم عروسی جوانان معمولاً در یک اتاق جمع می‌شوند و با بازیهای متنوع به خنده و خوشحالی می‌پردازند از جمله، کتک کا، بورده بورده، گل پوچ، شاه وزیر کا و غیره می‌باشد یکی دیگر از بازیهایی که در عروسی انجام می‌شود مغنه بازی است.

نحوه بازی بدین شکل است که یک نفر ماره انتخاب شده تخم مرغی را آماده

می‌کند یک نفر را به خارج اتاق می‌فرستد آن‌گاه تخم مرغ را زیر کلاه یکی قایم کرده از شخصی که خارج از اتاق است می‌خواهد به داخل اتاق بیاید. ماره از او می‌خواهد با نگاه کردن به افراد، بفهمد تخم مرغ زیر کلاه کیست آن وقت بایستی با کف دست ضربه‌ای بر سرش بزند. اگر آن شخص درست تشخیص بدهد و ضربه‌اش در واقع به تخم مرغ بخورد تخم مرغ شکسته و بر سر و صورت آن فرد می‌ریزد و باعث خنده و شادی سایر بازیکنان می‌شود.

گاهی مواقع در این بازی ماره شیطنت می‌کند و نسبت به کسی که حساس است و دق دل دارد از این فرصت به دست آمده استفاده می‌کند و تخم مرغ را زیر کلاه او قایم می‌کند و با شخصی که خارج اتاق است تباری کرده می‌گوید من تخم مرغ را زیر کلاه فلانی قرار می‌دهم، آن وقت ماره آن فرد بیرون اتاق را به داخل فرا خوانده و می‌گوید بگرد و پیدا کن، او برای اینکه وانمود کند که از هیچ چیز اطلاعی ندارد به چهره تک تک افراد نگاه می‌کند تا با چهره‌شناسی مکان تخم مرغ را تشخیص بدهد آن‌گاه مقابل فردی که تخم مرغ زیر کلاهش پنهان است ایستاده و ضربه‌ای بر سرش می‌زند تخم مرغ می‌شکند و تمام سر و صورت و لباس او را کثیف می‌کند و همگان را به قهقهه و خنده وا می‌دارد و این گونه، ماره از بد خواهش انتقام می‌گیرد.

۱۴) اینک را، اونک را

این بازی همانند بازی اتل مثل توتوله انجام می‌شود. بدین شیوه که چند کودک در کنار هم می‌نشینند و پاهای خود را دراز می‌کنند یک نفر سرگروه اشعاری را می‌خواند و در هر بند به یکی از پاهای افراد اشاره می‌کند و با گفتن آخرین جمله دستش روی هر پای که قرار گرفت آن پا باید جمع شود این بازی ادامه می‌یابد تا یک پا باقی بماند که صاحب این پا بازنده است. اشعاری که در این بازی خوانده می‌شود بدین شرح است: «اینک را اونک را، درزن بزن گنگ را، گنگ مرد جوونه، از

حاجی حاجیونه، حاجی برفته اردو، اردو کناره انه، شاه نقاره انه، شا خانم تبرزین، ان گش ترره ب لرزین» آخرین پایبی که باقی مانده بازنده شمرده شده و او را به پشت خوابانده و می‌گویند کارد، چنگلی، پچلیک، هر کدام را که انتخاب کرد اطرافیان همان را بر پشت بازنده انجام می‌دهند. بازی در اینجا تمام شده از نوع آغاز می‌شود.

۱۵) بیوقرداش:

این بازی توسط دو نفر انجام می‌شود و تماشاگران اطرافشان نشسته هر دو را تشویق می‌نمایند. بازی بدین شکل انجام می‌شود که یک سینی گرفته روی زمین قرار می‌دهند و هر کدام یک طرف سینی را با یکی از دستان خود نگه می‌دارند آن وقت چشم یکی از بازکنان را خوب می‌بندند و دستش یک ترکه می‌دهند. کسی که ترکه در دست دارد می‌گوید بیوقرداش؟ فرد مقابل جواب می‌دهد بله قرداش او می‌گوید مواظب کتکم باش.

در این موقع فردی که چشمانش بسته است بعد از آنکه جواب داد بله قرداش و منتظر کتک بازیکن مقابل است بدن خود را دور از دسترس حریف قرار می‌دهد. آن گاه کسی که ترکه به دست دارد اگر با چشمان بسته به فرد مقابل ضربه بزند که برنده است ولی اگر به هدف نزند دوباره چشمانش را می‌بندند و باید دوباره بازی را تکرار کند.

۱۶) زنگله زیر زو:

ابتدا توپک را به فاصله‌ای پرتاب می‌کنند یک نفر به دنبال آن حرکت کرده در حالی که می‌گوید زنگله زیر زو، و کلمه زو را آنقدر می‌کشد تا به آن توپک برسد و بایستی بدون معطلی به جای اولش برگردد در هر جایی که نفسش بند بیاید می‌سوزد و از همان جا باید به طرف همبازی خودش سواری بدهد.

تبرستان

www.tabarestan.info

فصل هشتم:

تبرستان

www.tabarstan.info

موسیقی

در ایران و سوادکوه

تبرستان

www.tabarestan.info

راویان موسیقی ایران^۱

فرهنگ بعنوان کلیتی در هم تافته مهمترین دستاورد بشری است که شامل دانش، اعتقادات، هنر، اخلاق و روحیات، حقوق، آداب و رسوم و هرگونه توانایی و کارایی و عاداتی است که انسان بعنوان عضوی از جامعه، آنها را کسب می‌کند. در دیدگاه ذهنیت‌گرایی، نیز، فرهنگ مجموعه‌ای از دانش و اعتقادات است که به ادراکات و تجربیات انسان نظم می‌بخشد و شیوه عملی حیات مردم شناخته می‌شود.

موسیقی بعنوان هنری انتزاعی در این جهان آرمانی سهمی متعالی دارد. طبق نظر فیلسوفانی نظیر «شوپنهاور» یکی از دستاوردهای مهم فرهنگ بشری، موسیقی است. در واقع، چه از دیدگاه کلی فکر و چه با نگاه ذهنی‌گرا، همچنین با رویکردهای مختلف تعریف و مفاهیم فرهنگ از قبیل تعاریف توصیفی، روان‌شناختی، تاریخی و ساختاری، موسیقی پدیده‌ای فرهنگی محسوب می‌شود که با عناصر و اجزای فرهنگ تعامل و کنش متقابل دارد.

تمدن بشری، در طول تاریخ و در سیر رشد و تکامل خود، سنتهای کلاسیک نظامی، اجتماعی و فرهنگی را به میراث فرهنگی بدل می‌کند. با این حال، گروهی میان سنت و میراث تمایز قائلند و میراث را جنبه ابزاری و نمادهای خارجی سنت (چون معماری و آیین‌ها و مراسم) بر می‌شمارند. عبارت موسیقی بعنوان میراث

فرهنگی دو مدخل دیگر نیز دارد تنوع قومی و در نتیجه آن تنوع فرهنگی در جامعه ایران ویژگی بارزی است.

بیانیه جهانی جامعه سازمان «یونسکو، درباره گوناگونی فرهنگی بر این مسأله صحه گذاشته است دوازده ماده این بیانیه هویت و تنوع و چگونگی فرهنگ را میراث مشترک انسانی بر شمرده‌اند در بخشهایی از آن آمده: همانگونه که تنوع زیستی برای طبیعت ضروری است، تنوع فرهنگی هم بعنوان مرجع تبادل و نوآوری و خلاقیت برای انسانها ضروری می‌باشد. تنوع فرهنگی دامنه انتخابهایی را که بر همه گشوده شده است وسیع تر می‌سازد. این امر یکی از ریشه‌های پیشرفت است که هم به سادگی سرآمد رشد اقتصادی شناخته شده است و هم ابزاری برای دسترسی بیشتر به عقلانیتی رضایت بخش و احساسی و اخلاقی و هستی معنوی مورد توجه قرار گرفته است. تنوع اقوام موجود در ایران، تنوع موسیقایی گسترده‌ای را سبب شده است این تنوع، پراکنش فرهنگی، تبادل عناصر فرهنگ از نقطه‌ای به نقطه دیگر، فرهنگ پذیری، پهنه فرهنگی، رابطه فرهنگ و زیستگاه و گونه فرهنگی، رابطه فرهنگ و پهنه جغرافیایی را پدید می‌آورد.

ارتباط شگفت‌آور این مجموعه یکی از فرهنگهای شفاهی بسیار بزرگ و متنوع آسیا را بوجود آورده است در پدیده‌ای نظیر موسیقی، تنوع سازها مجموعه اجرایی هر قوم با صورت بندی متفاوت، اما با ریشه‌های متفاوت، فرهنگ ملی قوم ایرانی را شکل داده است. به واقع، در مورد موسیقی نواحی، با میراث در خور توجهی از فرهنگهای گوناگون مواجهیم همچنین ارتباط و کنش ادبیات و زبان و اسطوره ایرانی این کل یکپارچه را پیوندی محکم‌تر داده است. برای نمونه، شاهنامه خوانی، بعنوان یک سنت لایه‌های مختلفی از اقشار مختلف اجتماع را درگیر می‌کند. شاهنامه خوانی عشایر و نواحی مختلف، سنت نقالی و شاهنامه خوانی زورخانه صورتهای مختلفی از یک میراث مشترکند.

بخش دیگری از حضور موسیقی، جلوه‌های هنر سنتی بعنوان هنری معنوی است. در گذشته، هنر سنتی با کانونهای معنوی مرتبط بود و موسیقی نیز از این قاعده مستثنی نبود هر چند امروزه گسستهایی را در این زمینه بوضوح می‌توان مشاهده کرد. موسیقی اهل حق کرمانشاه و موسیقی دراویش قادریه و نقش بندیه و بخشی از موسیقی آیین جنوب ایران بازتاب تداخل امری والا و هنری سنتی - آیینی بنام موسیقی است. اهمیت راویان موسیقی در فرهنگ ایران نه فقط به سبب داشتن موسیقی، بلکه به سبب میراث داری فرهنگ و معنویت قوم خود، و به واقع نمادی از خرد جمعی فرهنگ است پس با مرگ هر یک از آنان، قسمتی از این خرد در معرض فراموشی و حتی نابودی قرار می‌گیرد.

موسیقی در سوادکوه^۱

موسیقی سوادکوه را می‌باید در قالب موسیقی مناطق مرکزی مازندران بررسی کرد. از همین رو تقریباً همه نغماتی که در مناطق مرکزی مازندران رایج است در سوادکوه نیز مورد استفاده قرار می‌گیرد. یک بخش از موسیقی سوادکوه مطلقاً آوازی و روایی بوده و شامل داستانها، افسانه‌ها و روایاتی است که بازگو کننده ذوق، زیباشناسی و آرمان خواهی مردم سوادکوه می‌باشد. این گروه از نغمات با مضامین غنایی، تاریخی و گاه مذهبی بروز یافته و شعر خوانان و نقالان آن را در شب نشینی‌ها و مراسم جشن و سرور برای مخاطبین خود می‌خوانند. در این میان تبری که بعدها به امیری شهرت یافت مشهورترین نوع آواز در همه مناطق سوادکوه است و تقریباً همه نقالان خوش الحان در هر مراسم و مجلسی از این آواز استفاده

۱. فرهنگ مردم آلاشت و سوادکوه، کیوان پهلوان، انتشارات آرون چاپ اول، ۱۳۸۲، صص ۱۶۵ -

می‌کنند. گروه دیگر، نغمات سازی است و اختصاص به نی چوپانی دارد. منشأ این قطعات مربوط به زندگی و روابط دامپروری داشته و بازگوکنندهٔ حالاتی از زندگی دامداران منطقه و آرزوها و آمال آنهاست. به غیر از نی چوپانی (لله‌وا) تعداد دیگری از نغمات موسیقی سوادکوه مربوط به مراسم جشن و سرور بوده و توسط سرنا و نقاره بیان می‌شده است. این گروه از قطعات طی دو سه دهه اخیر متروک گردیده و کمتر مورد استفاده قرار می‌گیرد. زنان سوادکوه نیز موسیقی مختص خود را داشته‌اند که عموماً بصورت لالایی‌ها (گهره سری) و یا نوازش (نواجش) تبلور می‌یافته است.

ترانه‌ها نیز از دیگر نغمات آوازی سوادکوه است که هم توسط زنان و هم مردان خوانده می‌شده است. در زیر عمده‌ترین نغمات و آوازهای مردم سوادکوه در گروه‌های آوازی و سازی معرفی می‌شود.

تبری - توری

تبری از قدیمی‌ترین و عمومی‌ترین انواع موسیقی آوازی سوادکوه است. برخی از شعرای مازندران به ویژه امیر، اشعاری هماهنگ با آوای تبری سروده‌اند که مورد استقبال توده‌های مردم قرار گرفت. به همین خاطر این آواز در حال حاضر بیشتر به نام امیری شناخته می‌شود.

کل حال

این مقام حالت کوتاه شده‌ای از تبری بلند است که در سوادکوه رواج دارد. کل حال از نظر مایگی با امیری‌های بلند منطبق است.

کتولی

کتولی از آوازهای قدیمی مازندرانی است که در سراسر سوادکوه رواج دارد. کتولی دارای یک فرم و سه نوع است که نوع اول و دوم آن در سوادکوه معمول است. هر سه نوع کتولی در مایهٔ دشتی است.

دشتی حال

این مقام از انواع کتولی است که در برخی از مناطق سوادکوه متداول است. به رغم تفاوت‌های ساختاری، دشتی حال با کتولی نوع اول هم مایه است.

کل حال یا عاشق لیلی

این آوا حالت کوتاه شده‌ای از کتولی است که متصل به آن خوانده می‌شود و دارای دو نوع است. کل حال نسبت به کتولی ضربه‌ی تر بوده و با شتابی بیشتر اجرا می‌شود. کل حال در مایه دشتی است و شباهتی با کرد بیات دارد.

گهره سری یا گاره سری

به لالایی‌های سوادکوه گهره سری گفته می‌شود. این آواز توسط زنان خوانده شده و موسیقی آن دارای فرمهای متفاوتی است.

اشعار گهره سری معمولاً به صورت فی البداهه سروده شده و خود را با موسیقی هماهنگ می‌سازد. بیشتر لالایی‌های سوادکوه در شور و دشتی است.

نواجش - نوازش

این آواز که در تعزیز بستگان و یا نوازش کودکان خوانده می‌شود در سراسر سوادکوه معمول بوده است. نوازش غالباً توسط زنان و گاهی نیز مردان خوانده می‌شود و شعر آن نیز فی البداهه سروده می‌شود. اشعار نواجش فی البداهه و موسیقی آن از نظر مایگی در شور و دشتی قرار دارد.

موری

موری به معنی مویه است. این آوا توسط زنان و در مرگ بستگان و عزیزان از دست رفته خوانده می‌شود. موری دارای فرمی واحد است و از نظر مایگی در شور قرار دارد. اشعار موری فی البداهه سروده می‌شود و این آواز در سراسر سوادکوه معمول است. کسی را که مویه یا موری می‌کند «موری‌گز» می‌گویند. موری‌گرها معمولاً صدایی رسا و حافظه‌ای قوی دارند و اشعارشان را بیشتر در رثای کسی که

تازه مرده است می خوانند ، ولی برای آنکه موری گر در داغ همه شریک شود ، نام تک تک حاضرین را می گوید و از بستگان مرده او شعری می خواند تا حالت عزای مجلس شدیدتر شود .

نوروز خوانی

از دوران پیش از اسلام نوروزخوانی در بسیاری از مناطق ایران و از جمله مازندران بافرمهای گوناگونی رایج بوده است . به دلیل برخی شرایط و مقتضیات تاریخی این آواز هنوز در معدودی از نواحی این منطقه به گوش می رسد . از اواسط اسفند ماه مطابق با اونه ماه تبری ، نوروزخوان به همراه یک همخوان به دهکده های دور دست سوادکوه مسافرت نموده و با موسیقی و اشعاری ویژه نوروز را بشارت می دهد . نوروزخوان به منازل روستاییان مراجعه کرده و با نام بردن از یکایک صاحبان خانه برایشان آرزوی شادکامی و خوشبختی نموده و نوروز را تبریک می گوید و در مقابل انعام و یا اجناسی را به عنوان صلّه دریافت می کند . این مراسم آوازی تا اواخر اسفندماه ادامه می یابد .

پس از اسلام نوروزخوانی با مدح و منقبت ائمه در هم آمیخت و از این حیث اشکالی نوبافت ، ضمن اینکه رفته رفته موسیقی آن نیز از موسیقی مناطق دیگر ایران تأثیر پذیرفت . نوروزخوانی از نظر فرم بر دو نوع است :

نوع قدیمی نوروزخوانی دارای حالاتی ابتدایی است و قسمت اول آن تنها در چهار پرده خوانده می شود و فضایی از نوآرا در ذهن منعکس می سازد .

قسمت دوم این آواز نیز در چهار پرده محدود بوده و گرایشی به سه گاه دارد . نوع دیگری از نوروزخوانی در قسمت اول به حصار در چهارگاه و در بخش دوم به گوشه رهاب در شور شباهت دارد .

طالبیا

از قدیمی ترین منظومه های داستانی موسیقی سوادکوه به شمار می آید . برخی

شعر این منظومه را منتسب به ستی النسا خواهر شاعر پرآوازه طالب آملی دانسته‌اند. فرم موسیقی و اشعار منظومه طالبا در همه مناطق سوادکوه یکسان است.

چارویداری حال - چارویداری

این آواز آن چنان که از نامش پیداست در بیان زندگی و تلاش چارپاداران سوادکوهی است که راهها و کوره راههای صعب العبور را جهت حمل بار و مراودات اقتصادی در می‌نور دیده‌اند. این آوا در مایه سون قرار داشته و با فرم واحدی تقریباً در سراسر مناطق تبری زبان رایج است.

نجما

نجما از افسانه‌های عاشقانه و منظومی است که از موسیقی مناطق مرکزی ایران الهام یافته و در سوادکوه رایج است. اتفاقات داستان نیز بیشتر در فارس و کرمان می‌گذرد. این منظومه داستان دو دلداۀ جوان به نام نجما و رعناست. فرم و اجرای آن آوازی و روایی است. افسانه این منظومه با مضامین نسبتاً یکسان در فارس، خراسان، افغانستان و پاکستان نیز موجود است. این منظومه از نظر مایگی از سه گاه آغاز شده و در شور فرود می‌آید.

حقّانی

حقّانی از دیگر نمونه‌های موسیقی رایج در سوادکوه است، که تحت تأثیر موسیقی سایر مناطق و بویژه جنوب البرز و کومش پدید آمده است. شعر این منظومه بیشتر با روایات و احادیث مذهبی شیعیان در هم می‌آمیزد. حقّانی همواره با کلمه «الله» آغاز شده که این خود بر تقدس و جنبه‌های مذهبی آن می‌افزاید. حقّانی دارای یک فرم و یک نوع بوده و در مایه شور قرار دارد.

صنم

ساختمان و مضمون این آوا با حقّانی منطبق است و تفاوتی با آن ندارد. تنها

تفاوت حقانی و صنم کلام آغازین آنهاست. حقانی با کلمه «الله» و صنم با واژه صنم شروع می‌شود.

سوت

سوتها مجموعه‌ای از منظومه‌های آوازی، حماسی و غنایی سوادکوه است که در رثا، سوگ و یا فراغ افراد سروده شده و توصیفی از ناکامی‌ها، سلحشوری‌ها و دلدادگی‌هاست. خاستگاه زمانی و اجتماعی سوت‌های موجود مربوط به سده‌های ۱۰ تا ۱۳ هجری است که از نظر مضامین تحت تأثیر شرایط و مقتضیات اجتماعی و روابط تولیدی ملوک الطوائفی و فئودالیزم قرار دارد. این منظومه‌ها که در تعداد پرشمارند، از نظر فرم و ساختار نغمه از ویژگیهایی برخوردارند که از جمله آن می‌توان از توالی و تکرار چندین باره جملات ملودیک نام برد. بسیاری از سوتها حاوی داستان تاخت و تاز ترکمنها به سواحل جنوبی خزر بوده که با همه جنبه‌های ارزشمند تاریخی و منطقه‌ای طی سده گذشته متروک و فراموش شده‌اند. در جریان تحولات اجتماعی کشور و در آغاز دگرگونی ساختار اجتماعی و سیاسی دوران معاصر و بروز وسیع پدیده‌ی یاغی‌گری در البرز شمالی بسیاری از سوتها در اوصاف زندگی و سرگذشت یاغیان و گردن‌کشان سروده شده است.

شاباجی

شاباجی منظومه‌ای عاشقانه است که در اکثر عروسی‌ها خوانده می‌شود و بیشتر روایی - توصیفی است تا ریتمیک و ضربی.

هژبر سلطان

امیر مؤید که زمان قاجار والی مازندران بود هنگام سردار سپهی رضاخان با پسرانش هژبر سلطان و صمصام و همقطارانش سالها بخشی از نواحی کوهستانهای مرکزی مازندران را دستخوش ترکتازی خود نمود. سرانجام امیر مؤید به تهران رفت و پسرانش به میان ترکمنان رفتند و پس از مدتی دستگیر شدند و در حین اعزام به

تهران از سوی مأموران دولتی، در منطقه کلاک به شهر به قتل رسیدند. منظومه هژبر سلطون در توصیف زندگی او سروده شده است.

حسین خان

حسین خان باسری یا حسین عرب از یاغیان نامدار مناطق کوهستانهای مرکزی مازندران بوده است. حسین خان از نظر قومی وابسته به باسری‌های فرس بوده که به دلیل سرکشیهای مداوم علیه حکومت مرکزی از چند قرن پیشتر به جنوب البرز کوچانده شدند. ترکتازی‌های حسین خان در کوهستانهای مرکزی و جنوبی البرز مضمون این سوت را تشکیل می‌دهد.

مشتی

مشتی پلوری معروف به مشت‌بیگ از یاغیان پرآوازه و از معدود یاغیان خوشنام مازندران بوده است. داستان مبارزات او علیه حشم داران بزرگ و خوانین و مرگ خیانت‌آمیز او منجر به خلق یکی از زیباترین سوت‌های مازندرانی گردیده است. این سوت در مایه شور است.

رشیدخان

رشیدخان از قدرتمندترین یاغیان دوران خود بوده و بخش‌های وسیعی از کوهستانهای سوادکوه را تحت تأثیر نام و آوازه خود قرار داده است.

ریز مقوم

ریز مقامها که در سوادکوه به کیجاجان شهرت داشته‌اند از نظر فرم مشابه تصانیف و ترانه‌ها هستند. ریز مقامهای قدیمی‌تر سوادکوه که بر اساس موسیقی آوایی مازندران ظهور یافته‌اند از نظر ساختاری منطبق با موسیقی آوازی بوده‌اند؛ با این تفاوت که نسبت به آواها از سرعت و شتاب بیشتری برخوردارند.

ریز مقامهای جدیدتر شباهت زیادی به سوتها دارند و شعر آنها نیز غالباً فهلویات است. مضامین در ریز مقامها عموماً عاشقانه است. اما برخی نیز از جنبه‌های توصیفی طنز، هجو و یا مضامین معیشتی برخوردارند. ریز مقامها در

سوادکوه پر تعداد بوده و صدها ترانه را شامل می‌شده‌اند. مشهورترین و عمومی‌ترین ریز مقامها به شرح زیر است:

۱- طیبه‌جان

این ریز مقام در کلیه مناطق مازندران رایج بوده و به دو شکل عمده خوانده می‌شده است. این ریز مقام در مایه شور است.

۲- لاره

لاره از ریز مقامهای مشهور و متداول در مناطق مختلف مازندران است. این مقام نیز در مایه شور است.

۳- ماه‌ننه

ماه‌ننه از ریز مقامهای عاشقانه و قدیمی مازندران است. این ریز مقام در ابو عطا است و شباهتی به خسرو و شیرین دارد.

۴- گلی‌جان

گلی‌جان از ریز مقامهای متداول و عمومی در سراسر مازندران و سوادکوه است. این ریز مقام در مایه شور است.

۵- بانو‌جان

بانو‌جان از ریز مقامهای متداول در مناطق مرکزی و شرقی مازندران است. این ریز مقام در مناطق شرقی تحت تأثیر موسیقی و لهجه گوداری است.

قطعات مربوط به سرنا در سوادکوه

پیش نوازی

این قطعه نغمه‌ای کوتاه، غیر متریک و آزاد است که در آغاز قطعات، مراسمی توسط سرنا به اجرا درآمده و حالت خبرسازی داشته است. پیش نوازی را به خطا پیش نمازی نیز گفته‌اند. این نغمه در مایه سه‌گاه است.

کتولی

نغمه‌ای غیر متریک و آزاد است که عیناً از موسیقی آوازی به سرنا انتقال یافت. این نغمه در فواصل بین قطعات مراسمی شاد نواخته می‌شود. کتولی‌هایی که توسط سرنا نواخته می‌شود از نظر فرم تفاوت‌های چندانی با کتولی‌های آوازی ندارد.

کل حال

کل حال نیز نغمه‌ای آزاد است که از موسیقی آوازی به قطعات سرنا انتقال یافته و معمولاً در مراسم جشن و سرور و در آغاز و یا در فواصل اجرای چند نغمه سرورآمیز نواخته می‌شود. کل حال سرنا از نظر فرم و ساختار تفاوت چندانی با کل حال‌های آوازی ندارد.

یک چوبه

یک چوبه تکه‌ای است که در رقصها و ورزشهای بومی و با همراهی دسرکوتن توسط سرنا نواخته می‌شده است. این تکه از نظر مایگی در شور قرار دارد. یک چوبه هنوز هم در مجموعه نغمات سرنا در جشنها و عروسیها استفاده می‌شود.

د چوبه

این نغمه در ورزشهای بومی توسط سرنا و همراه با نقاره نواخته می‌شده است. این تکه هنوز در گشتیهای بومی و مراسم جشن و سرور مورد استفاده می‌باشد.

سه چوبه

سه چوبه نغمه‌ای شاد و مهیج است که در مراسم سرورآمیز و جشنها مورد

استفاده قرار می‌گیرد.

چارچوبه

از نغمات شاد و پرتحرک سرنا، چارچوبه است که در مراسم جشن و سرور به اجرا در می‌آید. این قطعه در مایه شور قرار دارد.

گبرگه - گواگر

گبرگه هنگام قرار گرفتن ساقدوش کنار داماد توسط سرنا و با همراهی دسرکوتن نواخته می‌شده است. در حال حاضر موارد کاربرد این قطعه متروک است. گبرگه از نظر مایگی در ابو عطا قرار دارد. این گمان نیز وجود دارد که نام این قطعه از ساز مشهور و قدیمی گورگه برداشت شده باشد.

سماحال

از تکه‌های پرشتاب مربوط به رقص سماحال می‌باشد که در مراسم عروسی نواخته می‌شده است. این تکه در مایه سه‌گاه قرار دارد.

روونی

روونی از تکه‌های مربوط به مراسم عروسی است که بر روی اسب نواخته می‌شده است. این تکه در دستگاه سه‌گاه است.

جلوئی (جلوداری)

این قطعه به هنگام آوردن عروس از کوچه‌های دهکده تا به منزل داماد نواخته می‌شده است. موارد کاربرد این قطعه نیز متروک گردیده است. این تکه از نظر مایگی در شور قرار دارد.

رزه کاری یا مشقی

از تکه‌های پایانی جشنهای عروسی رزه کاری بوده که در سه‌پرده نواخته می‌شده است. این نکته در دستگاه سه‌گاه است.

قطعات مربوط به لَیله و ادر سوادکوه

کوک داری / سیلم

کوک داری به معنی کبک دری است. این تکه شباهت نزدیکی با آواز و پرواز این پرنده به هنگام برخاستن و پرواز کردن دارد. نسل سیلم در کوهستانهای مازندران در حال انقراض است و شاید به همین علت نوای کوک داری نیز در ساز چوپانان که تر جاری است. کوک داری از نهیب آغاز و در نوادامه یافته و خاتمه می یابد.

تریکه سری / کمر سری

تریکه مرغزارهای ناچریده و بکر را گویند که در حد فاصل مناطق کوهستانی کم درخت و جنگلهای انبوه قرار داد که چوپانها در تابستان گوسفندان را جهت چرا به آنجا می برده اند. این قطعه جهت ترغیب گوسفندان به چرا نواخته می شده است. کمر سر نیز به کمرکش کوه گفته می شود. تریکه سری (کمر سری) در مایه شور و دشتی نواخته می شود و به رهاب در سه گاه وارد می شود.

شتری / شتر حال

این تکه که ساختمان ملودی آن به تریکه سری نزدیک است مبین حالات حرکت شتران است. این نغمه از عراق آغاز، گاهی به شور و گاهی نیز به نواختن می شود.

مش حال

نام این تکه به معنای حال و هوای میش است که در شرایط مختلفی در استنگاه و یا هنگام چرای دام نواخته می شده است. مش حال از نظر مایگی در دشتی و ابوعطا جای گرفته و به گوشه لیلی شباهت دارد.

بورسری

بورسری به گوسفند سیاه پیشانی سفید گفته می شود. این قطعه به هنگام چرای دام نواخته می شده است.

همره بردن / گله‌ره بردن

نام اصلی این قطعه فراموش شده و نام فعلی آن از مضمونی افسانه‌ای برداشت گردیده است. بر اساس این افسانه دزدان به گله حمله‌ور شده و گله از وحشت پراکنده می‌شود. یاغیان از چوپان می‌خواهند تا گله را یکجا گرد آورد. چوپان نی را به دست گرفته تا در ظاهر گوسفندان را به آرامش فراخواند ولی در واقع با ساز خود به دختر عمویش پیام می‌رساند و به او تفهیم می‌کند که مورد حمله دزدان قرار گرفته است. دختر عمو نیز با دریافت پیام به وسیله این نغمه، اهالی را خبر کرده و به کمک چوپان می‌شتابد. این تکه در مایه شور و در یک فرم نواخته می‌شود.

سلک حال

در گویش تبری سلک به گوسفند یکساله گویند. این قطعه شادباشی به چوپان است که بزّاش یک سال را به سلامت پشت سر نهاده است.

بازی حال

این تکه به معنی توصیف بازی و نمایش است که تحت تأثیر بازیهای بومی پدید آمده است.

پر جایی حال

این تکه در بیان حالات رقص موسوم به پر جایی یا فیروزجایی است و مضمونی سرورآمیز دارد.

نقره سری

نقره سر در کوهستان به مکانی گفته می‌شود که اولین تابش خورشید آن را روشن سازد. در عین حال نام برخی از مراتع آفتاب‌گیر کوهستان را نقره سر گویند.

دشتی حال

این تکه مشابهتی تمام باکتولی مناطق مرکزی دارد تنها در برخی از حالات با آن متفاوت است.

چپونی حال (کرده حال)

این تکه حکایت از زندگی چوپانان دارد که روزگار را با کوچهای مداوم در دشتها، جنگلها و کوهستانها سپری می نمایند.

خارک حال (کوسما)

خارک حال به معنی حال خوش و رقص و شادی است. این تکه از وجد و شغف چوپانها و گالشها بوده و مبین شادی پس از بازگشت از چرای دام به استنگاه و نزد خانواده است.

کتولی

از موسیقی آوایی کهن به موسیقی سازی راه یافته است. این مقام همچنان در میان چوپانان از عمومیت برخوردار است و در شرایط مختلف نواخته می شود.

کل حال

کل حال به معنی حالت کوتاه شده ای از کتولی است که در پی آن متصل به کتولی نواخته می شود. این مقام نیز از موسیقی آوازی به موسیقی سازی سوادکوه راه یافته و از عمومیت برخوردار است. کتولی و کل حال از نظر مایگی وزن، فرم و نوع با کتولی و کل حال آوازی منطبق است.

توری (تبری - امیری)

این مقام از موسیقی آوازی به موسیقی سازی انتقال یافته و دارای دو نوع است. توری همچنان میان نوازندگان رواج داشته و در شرایط مختلف نواخته می شود.

کیجا کرچال

این تکه به احتمال از موسیقی مهاجرین درزی الهام یافته و با پذیرش برخی از تزیینات و حالات موسیقی بومی مازندران به موسیقی سازی منطقه سوادکوه راه

یافته است. این تکه راوی چگونگی زندگی زنان و دختران در کارگاههای گلیم بافی است.

عباس خونی

این تکه برگرفته از موسیقی آوایی و مذهبی تعزیه است که با پذیرش برخی از تزیینات موسیقی بومی با موسیقی سازی سوادکوه راه یافته است، و در حال حاضر نیز توسط لَیله و نواخته می شود.

عاروس یار

این تکه از موسیقی مراسمی (سرنا) به قطعات چوپانی اشتغال یافت.

جلوداری (جلویی)

این تکه از مقامات سازی کهن سرنا برداشته شد، و با اندک تغییراتی به قطعات موسیقی چوپانی افزوده شده است.

طالبها

این قطعه سازی نیز از شبه مقام آوازی طالبها برداشت، و به مقامات سازی موسیقی چوپانی افزوده شده است؛ از همین رو ساختار آن با طالبهای آوازی مطابقت کامل دارد.

نجما

این مقام نیز از مقامات آوازی سوادکوه برداشت شده و با تغییرات ناچیزی به موسیقی چوپانی افزوده شده است. نجما از نظر ساختاری یا نجمای آوازی منطبق است.

چگه سما

از رقصهای ریتمیک و تند سوادکوه است که با صدای تشت لاک همراهی می شود. این رقص در اکثر مراسم عروسی اجرا می شود و معمولاً دو نفر خانم این رقص را اجرا می کنند.

سما

نوعی رقص است که معمولاً توسط یک نفر خانم اجرا می‌شود و لباس خاصی به نام «چرخ‌خی شلوار» دارد که به عنوان دامن کوتاه است. [رجوع شود به عکسهای شماره ۵۷ تا ۶۴ در بخش تصاویر].

منابع و مآخذ:

- ۱ - سید جلال موسویان، جستاری در جغرافیای سوادکوه، نشر مؤسسه مهشاد، چاپ اول، بهار ۱۳۷۱.
- ۲ - عبدالرفیع حقیقت، فرهنگ تاریخ و جغرافیایی شهرستانهای ایران، انتشارات کوش، چاپ اول، ۱۳۷۶.
- ۳ - ربیع ربیعی، جغرافیای مفصل ایران، نشر اقبال، چاپ ۱۳۶۲.
- ۴ - حسن زنده دل و دستیاران، مجموعه راهنمای جهانگردی، استان مازندران، نشر ایرانگردان، ۱۳۷۹.
- ۵ - علی فلاح، روزنامه کار و کارگر، شنبه، بیستم تیرماه ۱۳۷۷.
- ۶ - نجفعلی پسیان و خسرو معتضد، از سوادکوه تا ژوهانسبورک، نشر ثالث، چاپ دوم، ۱۳۷۸.
- ۷ - عباس شایان، مازندران، جغرافیای تاریخی و اقتصادی، ج ۱، چاپ دوم، تهران، بهمن ۱۳۳۶.
- ۸ - مهرالزمان نویان، وجه تسمیه شهرها و روستاهای ایران، سازمان چاپ خواجه، چاپ اول، ۱۳۶۵.
- ۹ - غلام حسین ساحل، دائرة المعارف فارسی، ج ۱، انتشارات فرانکلین، چاپ اول، ۱۳۴۵.
- ۱۰ - اردشیر برزگر، تاریخ تبرستان ج ۱، نشر تابان، چاپ اول، تهران ۱۳۲۹.
- ۱۱ - سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، فرهنگ جغرافیایی، آبادیهای کشور جمهوری اسلامی ایران، ساری، ج ۲۸، سال ۱۳۷۰.
- ۱۲ - عبدالحسین سعیدیان، سرزمین و شهرهای ایران، انتشارات علم و زندگی، چاپ دوم، ۱۳۷۷.
- ۱۳ - عبدالحسین سعیدیان، شناخت شهرهای ایران، انتشارات علم و زندگی،

چاپ اول، ۱۳۷۹.

۱۴ - روح الله اسحاقی زاده و محمد رضا شیدفر، راهنمای برنامه‌ریزی سفر در مازندران، نشر سازمان ایرانگردی - جهانگردی در استان مازندران، چاپ دوم، ۱۳۸۲.

۱۵ - نصرت الله مشکاتی، فهرست بناهای تاریخی و اماکن باستانی ایران، اولین نشریه سازمان ملی حفاظت آثار باستانی ایران، وزارت فرهنگ و هنر، اسفند ۱۳۴۹.

۱۶ - دائرةالمعارف بناهای تاریخی ایران در دوره اسلامی / ۲، بناهای آرامگاهی، پژوهشگاه فرهنگ و هنر اسلامی، انتشارات سوره، چاپ اول، ۱۳۷۰.

۱۷ - محمد مهدوی و شجاع شفیعی، تاریخ هزار ساله اسلام در نواحی شمال ایران، نشر اشاره، تهران، چاپ اول، ۱۳۷۷.

۱۸ - محمد حسین پاپلی یزدی، فرهنگ آبادی‌ها و مکانهای مذهبی کشور، چاپ آستان قدس رضوی، بهمن ۱۳۶۷.

۱۹ - عباس جعفری، گیتاشناسی ایران، ج ۱ و ۲ و ۳، دائرةالمعارف جغرافیایی ایران، چاپ گیتاشناسی، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۰ - فریده یوسفی، فرهنگ و آداب و رسوم سوادکوه، انتشارات شلفین، چاپ دوم، زمستان ۱۳۸۰.

۲۱ - فرهنگ جغرافیایی کوههای کشور، ج ۴، نشر سازمان جغرافیایی نیروهای مسلح، چاپ اول، ۱۳۷۹.

۲۲ - وحید ریاحی، مازندران، دفتر پژوهشهای فرهنگی، چاپ اول، ۱۳۸۰.

۲۳ - ایرج افشار سیستانی، پژوهش در نام شهرهای ایران، انتشارات روزنه، چاپ اول، ۱۳۷۸.

۲۴ - ایرج افشار سیستانی، سیمای ایران، انتشارات آقابیک.

- ۲۵ - محمدحسن خان اعتماد السلطنه، مرآت البلدان، ج ۴، به کوشش عبدالحسین نوایی و میرهاشم محدث، مؤسسه انتشارات و چاپ دانشگاه تهران، خردادماه ۱۳۶۸.
- ۲۶ - کتاب اسامی دهات کشور، ج ۱، اداره آمار و سرشماری، نشریه فروردین ماه، چاپ دوم، ۱۳۲۹.
- ۲۷ - محمد یوسف کیانی، شهرهای ایران، انتشارات سبحان، چاپ اول، ۱۳۷۰.
- ۲۸ - سید یحیی صفوی، مقدمه‌ای بر جغرافیای نظامی ایران، ج ۲، نشر سازمان جغرافیایی مسلح، چاپ اول، ۱۳۷۹.
- ۲۹ - ملا شیخ علی گیلانی، تاریخ مازندران، تصحیح منوچهر ستوده، انتشارات بنیاد فرهنگ ایران، ۱۳۵۲.
- ۳۰ - کیوان پهلوان، فرهنگ مردم آلاشت و سوادکوه، انتشارات آرون، چاپ اول، ۱۳۸۲.
- ۳۱ - مسعود گلزاری. سفرنامه استرآباد، مازندران، گیلان.
- ۳۲ - سفرنامه رابینو، ترجمه وحید مازندرانی.
- ۳۳ - لسترنج گی، جغرافیای تاریخی سرزمینهای خلافت شرقی، ترجمه محمود عرفان.
- ۳۴ - جغرافیای استان مازندران، سال دوم دبیرستان.
- ۳۵ - مصطفی سلامی، غارهای ایران.
- ۳۶ - حسین ملکی، جنگل‌ها، گسترش کویرهای ایران، نشر آینده، چاپ اول، زمستان ۱۳۶۷.